HAFT-E-SOBH DAY

روزنامه فرهنگی، اجتماعی، شهری واقتصادی ایران
پنجشنبه | ۲۵ بهمن ۱۴۰۳
۱۲ صفحه
شماره ۳۹۸۸
قیمت ۱۰۰۰۰ تومان

هفت صبح
ویژه آخر هفته

فرا رسیدن نیمه شعبان را تبریک می گوییم

کدام کسب وکارها در ایران از مالیات معاف اند؟

آنچه باید درباره تفاوت نرخ صفر مالیاتی و معافیت و عدم شمول مالیات بدانید

● فرشته‌ای به نام مقتول / در پرونده‌های جنایی زیادی کودکان خردسال قربانی جنایت نامادری شده‌اند ● تکنیسین‌ها دست به تیغ می‌شوند / چرا برخی پزشکان وظایف خود را به افراد غیرمتخصص محول می کنند؟ ● نقشه شوم ترامپ و نتانیاهو برای غزه / آتش‌بس در خطر جدی قرار گرفته است ● خوراکی‌های جنجالی در قلمرو توییتر فارسی / روایتی از چند تلاش تبلیغاتی، برندینگ و بازاریابی در محیطی خطرناک و پرریسک ● آنچه باید در مورد الزام به تنظیم سند رسمی بدانید / درسنامه‌های حقوقی برای زندگی روزمره ● با اقتصادهای بزرگ آسیا آشنا شوید / حدس می‌زنید جایگاه ایران کجاست؟ ● این مطالب را در صفحات مختلف امروز دنبال کنید

سبقت موتورهای بی صدا از یکدیگر

بررسی ۶ خودروی برقی برتر ۲۰۲۵ صفحه ۰۶ را بخوانید

مظنونین همیشگی

در یک اتفاق تکراری اما عجیب، پرسپولیس مقابل سپاهان اخراجی داد و شکست خورد صفحات ۴ و ۸

دیده‌ها و ندیده‌های سیمرغ ۴۳!

چهل‌وسومین جشنواره فیلم فجر به پایان رسید؛ درکنار قدردیده‌ها و سیمرغ گرفته‌ها، کدام چهره‌ها بدون سیمرغ درخشیدند؟

در بسته آخرهفته بخوانید:

● **درد دلت را به سنگ نگو!**
یادداشت‌هایی از ابراهیم افشار، حمید رستمی، احد بابایی منیر، رضا فراهانی و رضیه انصاری

● **درباره باغ نگارستان**
شاهد قتل قائم‌مقام و ازدواج ناصرالدین‌شاه

خاموشی در تهران، شکاف در دولت

اتفاقی که سه‌شنبه شب در پایتخت رخ داد خبر از شدت ناترازی انرژی و البته یک مشکل جدی در بدنه دولت می‌دهد

فاطمه رجبی | جنس خاموشی سه‌شنبه‌شب در تهران، کمی با خاموشی‌های گذشته متفاوت بود؛ هم از نظر غافلگیرکننده بودنش و هم گستردگی مناطقی که با قطعی برق مواجه بودند هم از نظر طولانی بودن مدت‌زمان خاموشی که در بعضی مناطق تا سه ساعت هم کشیده شد و برای خیلی از شهروندان با خاموش‌شدن وسایل گرمایشی، افت شدید فشار آب و پریدن آنتن موبایل‌ها سخت‌تر هم شد اما باز همه اینها اصلی‌ترین تفاوت این خاموشی با خاموشی‌های گذشته نیست بلکه حاشیه‌های برق‌رفتگی سه‌شنبه‌شب و اختلافی که در دولت انداخته است به آن ارزش بررسی بیشتری می‌دهد.

از پیامک تا حیاط دولت

حاشیه‌های خاموشی نه از شبکه‌های اجتماعی، اعتراض و تعجب شهروندان که از یک اس‌ام‌اس شروع شد. این پیامک بخشی از اطلاعیه رسمی وزارت نیرو درباره دلیل خاموشی گسترده سه‌شنبه‌شب بود و در آن نوشته شده بود: «با توجه به سرمای هوا، افزایش مصرف گاز خانگی و محدودیت‌های ایجادشده در روند تامین و انتقال گاز به نیروگاه‌ها، به منظور حفظ پایداری شبکه، برق برخی مشترکان شهر تهران قطع شده است.»

ادامه اطلاعیه اگرچه در پیامک نیامده بود اما اهمیت داشت: «تامین سوخت مورد نیاز نیروگاه‌ها با کمک وزارت نفت در حال انجام است و حفظ روند کنونی برای تامین برق مورد نیاز کشور نیازمند همکاری همه هموطنان است.»

دقیقا مشخص نیست آن بخش از اطلاعیه که عدم تامین سوخت نیروگاه‌ها را دلیل خاموشی اعلام کرد باعث ناراحتی و دلخوری وزیر نفت شد یا بخش دیگر که می‌گفت تامین سوخت با کمک وزارت نفت در حال انجام است اما هرچه بود روز بعد، در حالی که وزیر نیرو در حیاط دولت و بین خبرنگاران حاضر نشد تا درباره خاموشی توضیح بدهد، محسن پاک‌نژاد، وزیر نفت با توپ پر آمد و گفت: «قطعی برق به‌ویژه در شرق تهران ارتباطی به سوخت نیروگاه‌های حاشیه تهران و تأمین‌کننده برق تهران نداشته است. نیروگاه‌هایی مانند پرند و دماوند و نیروگاه‌هایی که در حاشیه این شهر هستند و تهران را از نظر برق تامین می‌کنند، به لحاظ سوخت در وضعیت کاملا مناسبی بودند.»

او در ادامه یک‌سری حرف‌های تخصصی زد اما اصلی‌ترین بخش حرف‌هایش که رنگ‌وبوی کنایه به وزارت نیرو داشت این بود: «ما یک سبد سوخت به نیروگاه می‌دهیم، یعنی فقط گاز نیست؛ نفت‌گاز هست، گازوئیل هست و باید به‌گونه‌ای سوخت مصرف کنند که کاهش گاز تحویلی را جبران کنند که بعضا این اتفاق نمی‌افتد.» در واقع وزیر نفت، نیرویی‌ها را متهم کرد که سوختی که در اختیارشان قرار می‌گیرد به‌خوبی مدیریت نمی‌کنند.

عصبانیت بیشتر وزارت نفت

در حالی‌که به نظر می‌رسد بعد از حرف‌های وزیر نفت درباره سوء‌مدیریت سوخت در نیروگاه‌ها حالا نوبت به وزارت نیرو باشد که توضیح بدهد چرا نیروگاه‌ها سوخت کم آورده‌اند؛ دوباره این وزارت نفت بود که به حرف‌های وزیر بسنده نکرد و در سایت اطلاع‌رسانی‌اش توضیحات بیشتری داد، البته با لحنی حتی تندتر از لحن وزیر.

بعضی‌ها می‌گویند جانب‌داری ضمنی سخنگوی دولت از وزارت نیرو باعث شد که وزارت نفت دوباره واکنش نشان بدهد. فاطمه مهاجرانی درحالی‌که از مسئولان می‌خواست «توپ را به سمت هم شوت نکنند» اعلام کرد که «مشکل تامین سوخت نیروگاه‌ها» را به عنوان یکی از دلایل قطع برق مطرح کرد و با اشاره به شرایط دشوار، خواستار همراهی مردم شد. او با تاکید بر اینکه «هیچ‌کدام به‌تنهایی مقصر نیستند»، به نوعی موضوع کمبود گاز نیروگاه‌ها را تائید کرد و در عین‌حال گفت: «اگر همه کارها خوب بود شاهد قطعی برق نبودیم. این یعنی که ما به اندازه کافی در حوزه انرژی نتوانستیم کارها را خوب انجام بدهیم و صرفا برای این دولت و آن دولت نیست.»

پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت نفت اما نیاز دید که در مورد ماجرای خاموشی و سوخت مصرفی نیروگاه‌ها بیشتر شفاف‌سازی کند؛بنابراین نوشت: «در حالی که آمارها نشان می‌دهد مدیریت صحیح سبد سوخت می‌توانست از مشکلات اخیر جلوگیری کند، وزارت نیرو به‌جای تمرکز بر سیاست‌گذاری صحیح و اجرای مصوبات مرتبط با مصرف سوخت مایع، تلاش دارد با فرافکنی، کمبود گاز را عامل اصلی خاموشی‌ها جلوه دهد، این در حالی است که تأمین گاز و سوخت مایع، حتی فراتر از تعهدات انجام‌شده و در بسیاری از روزها بیش از میزان تکلیف‌شده به نیروگاه‌ها تحویل داده شده است. نادیده گرفتن این واقعیت و چشم‌پوشی از نقش مدیریت نامناسب سوخت معادل، نه‌تنها مشکل را حل نمی‌کند، بلکه می‌تواند زمینه‌ساز چالش‌های مشابه در آینده باشد.»

گفته بودیم، نداریم

البته موضوع دعوای وزارت نیرو و نفت خیلی هم تازه نیست اردیبهشت‌ماه وقتی که هنوز اوجی وزیر نفت بود در نامه‌ای به چند نهاد مختلف از جمله همین وزارت نیرو نوشت که اگر نیروگاه‌ها از مردادماه روزانه بیش از ۴۰ میلیون لیتر نفت کوره استفاده نکنند، ما امکان تامین سوخت نفت‌گاز را نداریم. از همان موقع قرار شد که نیروگاه‌ها روزی ۴۰ میلیون لیتر نفت کوره بسوزانند تا گاز مایع را برای روزهای سرد زمستان ذخیره کنند اما وزارت نیرو می گوید که بررسی‌هایش نشان می‌دهد نیروگاه‌ها نهایتا روزانه ۲۴ میلیون لیتر نفت کوره سوزانده‌اند و بقیه را از خوراک گاز مایع استفاده کرده‌اند.

وزارت نیرو، فعلا سکوت

جالب اینکه با وجود واکنش دوباره وزارت نفت، هنوز خبری از جواب از جناب وزارت نیرو نیست و به نظر می‌رسد این وزارتخانه به توصیه سخنگوی دولت بیشتر گوش کرده است، با این وجود دعوا در سطح کارشناسان و فعالان شبکه‌های اجتماعی ادامه دارد. جالب اینکه آنها بسته به گرایش سیاسی‌شان جانب یک طرف ماجرا را می گیرند آنها از عباس علی‌آبادی که در دولت رئیسی هم وزیر صنعت، معدن و تجارت بود دل خوشی ندارند حمله وزیر نفت به او را کافی نمی‌دانند و می‌پرسند که چرا نیروگاه‌ها تکالیفشان را در مورد ذخیره سوخت مورد نیاز انجام نداده‌اند مثلا سایت تابناک نوشته: «به نظر می‌رسد در حالی‌که مردم قربانی خاموشی‌های مکرر برق هستند، وزارت نیرو به‌جای حل مشکل، با دلایل کودکانه در حال پاسکاری ضعف عملکردی خود با وزارت نفت است.... چطور ممکن است یک فرد سابقه‌دار در صنعت برق، علت خاموشی برق در نیمه‌دوم سال را به دلیل کمبود سوخت اعلام کند، آن هم نیروگاهی که ذخیره سوخت آن ۴۰ روزه است. می‌توان نتیجه گرفت که نیروگاه‌ها ذخیره‌ای کمتر از ۴۰ روز دارند؟»

در مقابل کسانی که از نظر سیاسی منتقد دولت و به نوعی اصولگرا محسوب می‌شوند بیشتر جانب علی‌آبادی وزیر نیرو را گرفته‌اند؛ مثلا خبرگزاری فارس نوشته:«مقایسه تکلیف شورای‌عالی امنیت ملی با عملکرد وزارت نفت در تامین سوخت بیانگر آن است که در شرایط فصل سرد روزانه ۱۸ میلیون لیتر سوخت معادل در اختیار نیروگاه قرار نگرفته و واحدهای تولید برق برای پاسخ به این کمبود مجبور به قطعی برق و برداشت از مخازن ذخیره گازوئیل هستند. در این شرایط ذخایر سوخت نیروگاه‌ها تا تاریخ ۲۲ بهمن امسال به کمتر از ۵۶۵ میلیون لیتر رسیده و عملا بیش از ۸ هزار مگاوات نیز به دلیل نداشتن سوخت از مدار خارج شده‌اند. نکته قابل توجه اینکه در حالی‌که متوسط تامین گاز برای نیروگاه‌ها ۱۰۹ میلیون متر مکعب عنوان شده اما این عدد در روزهای اخیر به کمتر از ۹۰ میلیون متر مکعب رسیده و همین مسئله فشار بر نیروگاه‌ها را دو چندان کرد و همین کاهش جدی عامل قطعی برق بدون برنامه‌ریزی تهران بوده است.»

پنج روز در جهنم منفی ۴۹ درجه

گزارشی پر جزئیات از تراژدی صعود کوهنوردان لارستانی به دماوند

نگین باقری | فقط نیم ساعت.فقط نیم ساعت فاصله داشتند تا به قله برسند اما در چند صدمتری آن متوقف شدند. اول سارا ایستاد و تصویر قله در نگاهش یخ زد. بعد از او رحمان متوقف شد. دو روز پیش مهدی را پیدا کردند و تا زمان نوشته شدن این گزارش جست‌وجوها برای محمد، نفر آخر ادامه دارد.

رحمان فصاحت، سارا خوشه‌چین، مهدی ضیاپور و محمد رنجبر. این‌ها نام آن چهار کوهنورد است. رد پای دو نفر اول روی یکی از گردنه‌های دماوند در ارتفاع ۵ هزار متری متوقف شده و جسم بی‌جانشان را دیگر تا حالا باید برف پوشانده باشد. نفر سوم، مهدی مربی آنها بود. او را دیروز زنده از دهان کوه بیرون کشیدند. نفر آخر، محمد است که هنوز اطلاعاتی از وضعیت او نداریم.

روز اول، قدم اول

کوهنوردان لارستانی (شهری متمول با ۱۵۰ هزار نفر جمعیت در جنوب فارس) از خیلی وقت پیش، تمرین‌هایشان را برای این صعود شروع کرده بودند. سه‌شنبه هفته قبل سوار هواپیما می‌شوند. مقصد اول تهران بود و مقصد دوم جبهه شمالی دماوند که می‌شود سمت مازندران. جمعه روز اول است. آنها بندکفش‌ها را محکم می‌بندند و راه می‌افتند. تا ظهر شنبه که اعلام مفقودی می‌شود چندین بار بین راه در پناهگاه‌های مختلفی توقف می‌کنند و دوباره با جمع کردن انرژی مجدد به راه ادامه می‌دهند.

روز دوم، آغاز تراژدی

شنبه، خان آخر را باید پشت سر می گذاشتند. هوا هنوز روشن نشده بود که از پناهگاه بیرون می‌زنند و مسیری که پیش از این بارها رفته بودند، طی می کنند.

چقدر تا قله باقی مانده؟ ۲۰۰ متر. گفتنش راحت است اما پیمودن این مسافت روی شیب تند دیو پای دربند با هوای برف و بورانی که نمی گذاشت چشم دو متر جلوتر را ببیند کار آسانی نیست. می گویند سرما در دمای قله کوه، موذیانه وارد بدن می‌شود، رنگ پوست را به کبودی مرگ می کشاند و بافت آن را از بین می‌برد. طوری که قربانی ممکن است متوجه علائم شروع آن نشود. طلوع صبح شنبه، یعنی پنج ساعت بعد از اینکه آنها از پناهگاه خارج شده بودند، فشار سارا می‌افتد. تحلیل دکتر حمید مساعدیان متخصص پزشکی ورزشی، طب ارتفاع و پزشکی کوهستان در گفت‌وگو با روزنامه هفت صبح این است که «بعد از افت فشار سارا خوشه‌چین، دیگر اعضای تیم در دمای منفی ۴۹ درجه و ارتفاع بالا، ماندگاری بیش از اندازه داشتند تا او را نجات دهند.» کوهنوردها هرگز نباید در چنین ارتفاع و سرمایی سر جای خود متوقف شوند. برای همین کم کم سرما زیر پوست سه کوهنورد دیگر هم می‌خزد. ادامه در صفحه ۰۳

ستون پنجشنبه
دکتر امیررضا مافی

برخوردن

یک دوست بی‌مثال داشتیم که در هیچ‌یک از شئون حیات، بهره‌ای از شعور نبرده بود و اصلاً به این نقص بزرگش نیز التفات نداشت. حتماً به این دلیل روشن که خب آدم بی‌شعور نمی‌فهمد دچار این مرض است. او در بی‌شعوری مرزهایی را جابه‌جا کرد که قابل ثبت در تاریخ است و البته شرحش از حوصله این سطور خارج. برای همین گاهی دوستان به‌واسطه بی‌شعوری‌هایش به او نقد و حتی توهین می کردند یا چشم در چشمش ناسزا می گفتند، اما او می خندید و می گفت اصلاً شوخی مناسبی نبود، یا می گفت از شما توقع این بی‌ادبی نمی‌رفت. من همان وقت فهمیدم یکی از ویژگی‌های بیشعوری این است که به آدم بر نمی‌خورد. نشستم تأمل کردن درباره مفهوم «بر خوردن» و دیدم چه عالمی دارد این یکی. جالب آنکه آن سال‌ها، پس از فراگیری کتاب عجیب راز، کتاب بی‌شعوری همه‌گیر شده بود و هر کس را که می‌دیدی خواندن این اثر خاویر کرمنت را به کناردستی‌اش پیشنهاد می کرد. این رفیق ما بیست جلد از این کتاب را خرید و با خوشحالی به همه ما دوستانش با امضا و نوشتن یادگاری پیشکش کرد. بله او می‌خواست ما را درمان کند و ما هم فکر می کردیم او باید درمان شود. به ما که برخورده بود، اما گویی به او هم بر خورده بود. غرض اینکه وضع امروز ما در مواجهه با بعضی موضوعات چنین است. مثلاً این هفته فکر می کردم خوب است درباره حجم عجیب بودن داوری‌ها در جشنواره فیلم فجر صحبت کنم، دیدم به عده‌ای بر می‌خورد. خواستم بنویسم چطور آن منتقد سلبریتی، با آن نویسنده منتقد، در رسانه شهرداری فعلی به نقد فیلم پرداختند و مترو شده پر از عکس تبلیغ این برنامه، دیدم به ایشان بر می‌خورد، به‌طریق‌اولی به شهرداری هم بر خواهد خورد. خواستم به سخنان وزیر سابق میراث، یا آن منتقد داور همیشه حیران که در اختتامیه نکات ازمدافتاده‌ای گفتند نقد وارد کنم، دیدم حتماً به ایشان بر می‌خورد. حتی خواستم بگویم ترامپ چه حیوان عجیبی است. دیدم به ترامپیست‌ها بر می‌خورد، بعد گفتم نکند انجمن‌های حمایت از حیوانات هم بهشان بر بخورد، حتی مدافعان اشعار سهراب سپهری که گفته اسب حیوان نجیبی است. خواستم فتیله را پایین بکشم و درباره اکران نشدن «قاتل و وحشی» در جشنواره یا هیاهوی زیاد برای «پیرپسر» بنویسم، دیدم واویلا. گفتم درباره آن بازیگر توانمند که جشنواره را به باد نقد گرفته، چیزکی بنویسم و بگویم شما خودت داور جشنواره‌ای بودی که حالا میلی‌اش می‌خوانی، دیدم به سینه‌چاکانش بر می‌خورد. گفتم خوب است درباره انتخابات فدراسیون فوتبال و رد و تأیید صلاحیت نامزدهایش بنویسم دیدم به خیلی‌ها بر می‌خورد. خیلی‌ها. تصمیم گرفتم نقدی درباره روسری لوئی‌ویتون یا کفش‌های قرمز معاون فلان وزیر بنویسم، دیدم به دوجین دوست و دشمن بر می‌خورد. خواستم درباره غرائب تعطیلات سراسری بنویسم، دقت کردم دیدم آنجا هم حتماً به عده‌ای بر می‌خورد. البته درباره بالارفتن قیمت طلا و دلار دیدم به کسی بر نمی‌خورد و حتی کسی گردنش نمی گیرد که بخواهد بهش بر بخورد، بی‌خیال شدم. دیدم خب خدا را شکر آدم‌ها هنوز مثل رفیق ما نشدند که دچار بی‌شعوری مفرط بود و هر چه می گفتیم بهش بر نمی‌خورد. فهمیدم آن‌قدر همه چیز خوب است که جای نقد و گلایه نیست، لذا تصمیم گرفتم به جای حرف‌ها و مواضع همیشگی، عرض حال کنم و بگویم چون همه چیز خوب است و مردم به شکر خدا در صحت و سلامت‌اند و فرهنگ در پویایی محض به سر می‌برد، مسیر را تغییر داده و جای نقدکردن‌ها و شرح‌حال هفتگی، شرح احوال خودم را بگویم که دیگر چیزی به من بر نمی‌خورد.

اپ خبری هفت صبح

دانلود از وب سایت هفت صبح
www.7sobh.com

با نصب این نرم افزارموبایلی ، همزمان با تحریریه روزنامه هفت صبح از تازه ترین اخبار، تصاویر و ویدئوهای خبری آگاه شوید. محتوای خبری این اپلیکیشن متفاوت از روزنامه چاپی خواهد بود وسعی‌مان این است بین صدها خبر و گزارش روزانه ، مهم ترین اخبار را در اختیاراتان قرار دهیم. برای ثبت نظر ، لایک و ابراز احساسات نسبت به اخبار منتشر شده باید به عنوان عضو عادی ثبت نام کنید.
عضویت عادی و استفاده از نرم افزار رایگان است اما در نسخه جدید نرم‌افزار خبری هفت‌صبح این امکان فراهم شده است که اعضاء ویژه با خرید اشتراک هفتگی ، ماهانه یا سالیانه به نسخه pdf روزنامه و سایر گزارش‌ها ، یادداشت‌ها و مطالب اختصاصی روزنامه دسترسی پیدا کنند.

توصیه رهبر انقلاب به توسعه پیشرفت‌های نظامی

آیت‌الله خامنه‌ای: راهپیمایی ۲۲ بهمن، پیام اتحاد ملت ایران به تهدیدهای احمقانه دشمن بود

آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی صبح روز چهارشنبه ۲۴ بهمن‌ماه با دانشمندان، مسئولان و متخصصان صنعت دفاعی، دیدار کردند.

قبل از این دیدار، آیت‌الله خامنه‌ای به مدت یک ساعت از نمایشگاه اقتدار ۱۴۰۳ که شامل آخرین دستاوردها و توانمندی‌های دانشمندان و متخصصان صنعت دفاعی کشور بود، بازدید کردند. ایشان در این دیدار با تأکید بر استمرار نوآورانه پیشرفت‌های دفاعی، راهپیمایی ۲۲ بهمن امسال را قیام مردمی و حرکت بزرگ ملی در زیر بمباران‌های رسانه‌ای دشمن خواندند و با تجلیل و تشکر صمیمانه از مردم گفتند: ملت اتحاد خود را فریاد زد و در مقابل تهدیدات مکرر دشمن، هویت، شخصیت، توان و پایداری ایرانیان را نشان داد.

- ۲۲ بهمن عید بزرگ و تاریخی ملت ایران است. در هیچ انقلابی سابقه ندارد که بعد از ۴۶ سال ملت در سالروز انقلابشان به خیابان‌ها بیایند و جشن بگیرند.
- مراسم امسال از مهم‌ترین و برجسته‌ترین جشن‌های سالگرد انقلاب بود.
- سخنان صریح و راهگشای رئیس‌جمهور در مراسم ۲۲ بهمن مکمل حرکت عظیم ملت بود. رئیس‌جمهور محترم حرف دل مردم و آنچه را لازم بود، بیان کرد.
- با یادآوری بمباران تبلیغاتی و جنگ نرم موذیانه و بی‌وقفه دشمن علیه صاحبان انقلاب یعنی ملت ایران و علیه قهرمان ۲۲ بهمن یعنی امام‌خمینی: ملت در چنین شرایطی، بهنگام و فرصت‌شناس در همه شهرها و روستاها به خیابان آمد و حرف‌ها و مواضع خود را بیان کرد.
- مسئله دفاع از ملت و امنیت کشور بسیار مهم است.

قدرت دفاعی ایران امروز زبانزد است، دوستان انقلاب به آن می‌بالند و دشمن از آن در هراسند و این واقعیت برای یک کشور، حائز اهمیت است.

- با اشاره به دورانی که قلدرهای جهانی اقلام دفاعی مورد نیاز کشور را حتی به چند برابر قیمت به ایران نمی‌فروختند: اکنون همان زورگویان به ایران می‌گویند تجهیزات نظامی نفروش و میان آن «نمی‌فروشیم» تا این «نفروشید»، فاصله بسیار زیادی است که به برکت تلاش‌های دانشمندان و ذهن‌های ورزیده متخصصان جوان، پر شده است.
- پیشرفت‌های چشمگیر دفاعی را با توجه به تحریم مستمر دشمنان، فوق‌العاده بوده است. شرایط صنعت دفاعی ایران به‌گونه‌ای است که هر قطعه‌ای به مانندند، جوانان، بهترش را در داخل تولید می‌کنند.
- پیشرفت‌های صنعت دفاعی باعث ارتقای رتبه قدرت دفاعی ما در جهان شد اما این به معنای توقف و قناعت به وضع کنونی نیست؛ چراکه ما کار را از نقطه صفر شروع کردیم و با وجود تلاش‌ها و دستاوردهای فراوان، هنوز در بسیاری از موارد با خطوط مقدم فاصله داریم.
- پیشرفت‌ها باید در همه بخش‌های نظامی ادامه یابد. مثلاً اگر در دوره‌ای، حدی از دقت برای موشک‌ها در نظر گرفته بودیم و امروز نیازمند افزایش آن هستیم، این کار باید انجام شود.
- ابتکار و نوآوری، پایان ندارد. البته نوآوری به معنی توانایی ساخت یا تکمیل کارهای دیگران نیست بلکه باید سراغ کارهای انجام‌نشده و بالفعل کردن امکانات شناخته‌نشده در طبیعت رفت همچنان که با کشف نیروی الکتریسیته، اینترنت و هوش مصنوعی دریچه‌های جدیدی از علوم به روی جهان گشوده شد.

وابستگان به دولت عثمانی زیر ذره‌بین

دو تن از وابستگان دولت عثمانی که عمر آن ۱۰۱ سال قبل به پایان رسیده، این روزها به سرخط اخبار برگشته‌اند. همه چیز به آخرین سال‌های سلطنت عثمانی برمی‌گردد. در شرایطی که بحران در غزه و تغییر شرایط در سوریه نظر جهان را به خود جلب کرده و برخی از تحلیل‌گران معتقدند اردوغان رویای عثمانی‌گری در سر دارد، نام دو نفر از وابستگان به آن امپراطوری مورد توجه قرار گرفته. اولین نفر، لطیفه دروبی همسر احمد الشرع، رئیس دولت جدید سوریه است. او ادبیات عرب خوانده و تنها همسر جولانی دانسته می‌شود. کسانی که این زن ۴۱ ساله را دیده‌اند می‌گویند متشخص، خوش‌پوش و خوش‌صحبت و تحصیل کرده است. اما بد نیست بدانید که این زن که اخیرا نگاه‌ها را به سمت خود برگردانده، از نوادگان یکی از کارگزاران دولت عثمانی است. ریشه خاندان دروبی تا زمان اوج قدرت امپراطوری عثمانی قابل ردیابی است. خانواده او طی قرن‌ها شهرت زیادی در سوریه داشته‌اند. در آن زمان، شام بخش مهمی از امپراطوری عثمانی محسوب می‌شد. اما مهم‌ترین عضو این خانواده تا قبل از لطیفه، جد اوست. علاءالدین دروبی، سفیر حکومت عثمانی بود. او یکی از چهره‌های مطرح در سال‌های حکومت عثمانی محسوب می‌شد. علاءالدین در استانبول درس خواند و به‌عنوان سفیر باب عالی در بالکان، والی پادشاهی یمن و حاکم بصره فعالیت کرد. وقتی سرزمین شام از امپراطوری عثمانی پس از جنگ اول جهانی جدا شد، فرانسوی‌ها علاءالدین دروبی را مسئول تشکیل دولت از جانب خود قرار دادند. او تنها کمی بعد به دست مخالفان سوری حضور فرانسوی‌ها در شام ترور شد.

اما نفر بعدی به عثمانی‌ها وابستگی خونی دارد و از نوادگان سلطان عبدالحمید دوم است. عبدالحمید کایهان عثمان اوغلو به تازگی ویدیویی منتشر کرده و در آن می‌گوید غزه ملک شخصی پدربزرگ او بوده است. عثمان اوغلو در این ویدئو گفته ترامپ می‌گوید غزه را می‌خرد، از چه کسی می‌خرید؟ غزه‌ای که از آن صحبت می‌کنید ملک خصوصی پدربزرگ من، سلطان عبدالحمید است. خانواده عثمان‌اوغلو به معنای فرزندان عثمان، اشاره به اعضای فعلی خاندان عثمانی دارد. در واقع سلطان عبدالحمید دوم، آخرین سلطان قدرتمند عثمانی بود که نامش با استبداد بی‌چون‌وچرا گره خورده است.

اطلاعات زیادی از نواده عبدالحمید دوم که همنام اوست وجود ندارد. اما تصاویر می‌گویند این مرد بین ۵۰ تا ۶۰ سال سن دارد. او در سال ۱۳۹۷ جزو اعضای اصلی حزب رفاه ترکیه بوده است و البته به صورت چراغ خاموش از برخی از سیاستمداران ترکیه حمایت می‌کند.

ظاهرا او ساکن استانبول است و تا امروز زندگی بی‌سروصدایی را انتخاب کرده است.

۴۰۰ کلمه

گزارش دو

نقشه شوم ترامپ و نتانیاهو برای غزه

آتش‌بس در خطر جدی قرار گرفته است

مهسا مژدهی | ملک عبدالله در دیدار سه‌شنبه خود با دونالد ترامپ عملا آچمز شده بود. دوربین‌ها در نشست خبری روی چهره در هم فشرده پادشاه ۶۳ ساله اردن متمرکز شدند تا عکس‌العمل او را در زمانی که ترامپ ادعاهایش را در مورد غزه تکرار می‌کرد، در تاریخ ثبت کنند. همزمان با انتشار ویدئویی از ترامپ که در نشست خبری با پادشاه اردن حرف از مالکیت غزه می‌زد؛ خبرهایی از سرزمین‌های اشغالی منتشر شد که نشان می‌داد نتانیاهو دیگر برنامه‌ای برای شرکت در نشست‌های دوحه با هدف ورود به دور دوم آتش‌بس ندارد. او به بهانه اینکه حماس اعلام کرده تا اطلاع بعدی آزادی زندانیان اسرائیلی را متوقف می‌کند، رسما مرحله دوم مذاکرات آتش‌بس را لغو کرد.

۱ ترامپ تکلیف خودش را با غزه تقریبا روشن کرده است. او در نشست خبری با ملک عبدالله، در مورد غزه گفته ما چیزی نخواهیم خرید. ما غزه را خواهیم داشت. ما آن را حفظ می‌کنیم و مطمئن می‌شویم که صلح برقرار خواهد بود و هیچ مشکلی پیش نخواهد آمد و هیچ‌کس آن را زیر سؤال نخواهد برد. ما به‌درستی آن را مدیریت خواهیم کرد. رئیس‌جمهور آمریکا دست از سر ایده انتقال جمعیت نزدیک به دو میلیون نفره فلسطینی از باریکه غزه به کشورهای عربی به‌ویژه اردن و مصر برنمی‌دارد. او پیش از دیدار با ملک عبدالله، با بنیامین نتانیاهو در واشنگتن ملاقات کرده و گفته بود اسرائیل خیلی کوچک است. جمله‌ای که از سوی ناظران، حمل بر این شد که رئیس‌جمهور آمریکا پشت طرح‌های توسعه‌طلبانه بی‌بی در سرزمین‌های اشغالی ایستاده است.

۲ واکنش‌های ملک‌عبدالله، پادشاه اردن که همسرش اصلیتی فلسطینی دارد و نیمی از جمعیت کشورش را پناهندگان فلسطینی تشکیل می‌دهند، در مقابل دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری که تصور می‌کند با اتکا بر قدرت خود می‌تواند غزه را از چنگ فلسطینی‌ها خارج کند، توجه زیادی را به خود جلب کرده. ملک عبدالله قبل از آنکه وارد کاخ سفید شود و با ترامپ دیدار کند، مخالفت خود را با انتقال جمعیت غزه اعلام کرده بود. بسیاری از کارشناسان معتقدند، مهم‌ترین علت اینکه عبدالله نگران حضور پناهندگان فلسطینی بیشتر خواهد بود، این است که در صورت افزایش جمعیت فلسطینی‌ها در اردن، این کشور با بحران اقتصادی و هویتی مواجه خواهد شد. اما ملک عبدالله در نشست خبری با ترامپ ترجیح داد تا موضوع را به سکوت برگزار کند. او حتی موضعی را که قبلا اتخاذ کرده بود، با صدای بلند اعلام نکرد و تصمیم‌گیری را به گردن مصر و اتحادیه عرب انداخت. البته کمی بعد ملک‌عبدالله که در نشست با ترامپ مبهوت به‌نظر می‌رسید، در شبکه‌های اجتماعی گفت که با طرح انتقال جمعیت غزه موافق نیست.

۳ تنها موضوع تهدیدکننده برای غزه، رویاهای ترامپ برای ایجاد یک شهر توریستی ساحلی نیست. در حال حاضر آتش‌بسی که بعد از مدت‌ها چانه‌زنی در دوحه، به‌سختی به دست آمده بود در خطر جدی قرار دارد. در حقیقت ترامپ و نتانیاهو به حماس فرصت داده‌اند تا ساعت ۱۲ ظهر روز شنبه به حماس فرصت دارند تا همه زندانیان اسرائیلی باقیمانده را آزاد کنند؛ وگرنه حملات اسرائیل به این باریکه از سر گرفته یا به قول ترامپ درهای جهنم باز خواهد شد.

۴ روز دوشنبه این هفته، در دوحه نشستی برای بررسی مرحله دوم آتش‌بس میان اسرائیل و حماس تشکیل شد. شاهدان این جلسه می‌گویند نمایندگانی از اسرائیل در جلسه شرکت کرده بودند که عملا حرفی برای گفتن نداشتند و فقط حرف‌های طرف‌های میانجی را گوش داده و بعد اعلام کردند که به تل‌آویو برمی‌گردند. استراتژی نتانیاهو در مورد مرحله دوم آتش‌بس از مدتی قبل هم قابل حدس بود. او مسئله گفت‌وگوها برای شروع دور دوم آتش‌بس را جدی تلقی نکرد و به گفته میانجی‌ها، اردوغان و روزنامه نیویورک‌تایمز دست ارتش را برای شلیک در مناطقی از غزه، گشت‌زدن هواپیماهای شناسایی و ... باز گذاشت. این وضعیت باعث شد تا ارسال کمک‌های بشردوستانه برای غیرنظامیان غزه با مشکل مواجه شود. دلیل اینکه حماس ناگهان اعلام کرد که گروه بعدی زندانیان را تا اطلاع بعدی به اسرائیل پس نخواهد داد، همین است. حماس می‌گوید اسرائیل اولین برهم‌زننده روند آتش‌بس ۴۲ روزه بوده و در عین‌حال نتانیاهو می‌خواهد بار همه ماجرا را بر دوش گروه حماس بیندازد.

۵ نتانیاهو در داخل سرزمین‌های اشغالی، کابینه خود و پارلمان افرادی را دارد که مدام او را به ادامه حملات به غزه تشویق می‌کنند. این صداها به نخست‌وزیر اسرائیل می‌گویند که تا پایان کار حماس، غزه را رها نکند. از سوی دیگر بی‌بی ظاهرا خیال دارد تا اگر مرحله دوم آتش‌بس در میان باشد، مسائلی چون آینده سیاسی غزه را هم مدنظر قرار دهد و همه قدرت را از دست حماس درآورده و اداره باریکه را به دست نیروهای دیگر فلسطینی بدهد. در حال‌حاضر ارتش اسرائیل به‌حال آماده‌باش قرار گرفته و دونالد ترامپ برای حماس ضرب‌الاجل تعیین کرده است. در واقع ترامپ با گفتن اینکه دیگر به آزادی گروه‌گروه یا به‌عبارتی قطره‌چکانی زندانیان راضی نیست و خواهان رهایی همه آنهاست، پایان آتش‌بس امضا شده در دوحه را اعلام کرده است. با این‌حال برخی بارقه‌ها از امید کماکان وجود دارد. عصر چهارشنبه حماس اعلام کرد که یک هیئت به ریاست دکتر خلیل الحیه، رئیس این جنبش در نوار غزه، وارد قاهره شده تا پیگیر روند اجرای توافق آتش‌بس باشد. اتفاقی که ممکن است بتواند از شعله‌ور شدن دوباره آتش جنگ جلوگیری کند.

گزارش روز

تکنیسین‌ها دست به تیغ می‌شوند

چرا برخی پزشکان وظایف خود را به افراد غیرمتخصص محول می‌کنند؟

مهلا جوادپور

بازداشت هفت تکنیسین و دو جراح در یکی از بیمارستان‌های خصوصی تهران، بار دیگر زنگ خطر ورود تکنیسین‌ها را به بازار جراحی‌های زیبایی به صدا درآورده است. طبق گزارش‌های منتشرشده، بازرسان دادسرای ویژه جرائم پزشکی در یکی از بازرسی‌های سرزده، متوجه شدند تکنیسین‌ها به جای پزشک جراح، در حال انجام عمل زیبایی روی دو بیمار هستند. این درحالی بوده که پزشکان در بیمارستان حضور داشتند اما به جای انجام وظیفه خود مشغول جواب دادن پیام‌های مشتریان عمل زیبایی در اینستاگرام بودند. تکنیسین‌ها در اتاق عمل حق انجام چه کارهایی را دارند و در واقعیت چه وظایفی به آن‌ها داده می‌شود؟

ماجرای فعالیت غیرقانونی تکنیسین‌ها به جای جراحان موضوع تازه‌ای نیست و هر چند وقت یک‌بار خبر دستگیری و پلمب شدن این نوع مراکز غیرقانونی و حتی در این مورد اتاق‌عمل بیمارستان، رسانه‌ای می‌شود. صفحات اینستاگرامی پر از پزشک‌نماهایی است که در مطب‌های شیک و موجه، تبلیغ عمل‌هایی مثل تزریق ژل و بوتاکس یا حتی عمل‌های سنگین‌تری مثل انواع پروتز و ابدومینوپلاستی انجام می‌دهند. بسیاری از آن‌ها تکنیسین‌هایی هستند که با یا بدون اطلاع یک پزشک، خودشان بیمار را زیر تیغ جراحی می‌برند. در بعضی موارد هم، مثل مورد اخیر، چهره پشت صفحه اینستاگرامی خود پزشک جراح است اما وقتی که بیمار بیهوش می‌شود، تکنیسین کار را دست می‌گیرد.

پزشکان تکنیسین‌پرور

حدود ۱۰ ماه پیش، رئیس سازمان نظام پزشکی درباره ورود تکنیسین‌ها به امور تخصصی پزشکان هشدار داد و آن را به یک سونامی تشبیه کرد. به گفته او برخی از پزشکان «تکنیسین‌پرور» هستند و قوانین هم نتوانسته بازدارنده باشد. دکتر امیر صدری، در گفت‌وگو با «هفت صبح» درباره وظایف اصلی تکنیسین‌ها و وظایف غیرمجازی که برخی پزشکان بر دوش آن‌ها می‌گذارند توضیح می‌دهد: «تکنیسین‌های اتاق عمل و بیهوشی در حقیقت در یکسری کارهایی که پزشک بیهوشی یا جراح انجام می‌دهد، کمک‌کننده هستند. مثلا تکنیسین بیهوشی، اقدامات بیهوشی را انجام می‌دهد اما پزشک بیهوشی کار پایش بیهوشی را برعهده دارد. تکنیسینی که کنار دست جراح است، بیمار را باید آماده جراحی کند؛ کارهایی مثل ضدعفونی، پانسمان، گایدبندی و ...» دکتر صدری در ادامه با اشاره به روند تصاعدی تقاضای جراحی‌های زیبایی توضیح می‌دهد: «وقتی حجم عمل‌های پزشکان بالا می‌رود، برخی از پزشکان بیشتر از حد مسئولیت تکنیسین‌ها، به آنان کار می‌سپارند. البته این پدیده فقط در عمل‌های زیبایی نیست. مثلا در اورژانس، ممکن است به خاطر تعداد کم جراح، پزشک از تکنیسین بخواهد، برش اولیه جراحی را انجام بدهد یا بخیه بزند. واقعیت این است که تکنیسین‌ها به خاطر حضور مداوم در کنار جراحان آموزش می‌بینند و برخی هم مهارت بسیار بالایی پیدا می‌کنند. با این حال به لحاظ قانونی حق انجام این کارها را ندارند.»

وقتی پزشک می‌خواهد هم‌زمان دو عمل را جلو ببرد

به گفته دکتر امیر صدری، تکنیسین‌هایی که این روزها خودشان تمام کار جراحی را در دست گرفته‌اند دو دسته هستند. یک دسته بدون اطلاع پزشک و دسته دیگر با اطلاع و هماهنگی خود پزشک جراح، این کار را انجام می‌دهند. این پزشک در این باره دسته دوم به «هفت صبح» توضیح می‌دهد: «متاسفانه برخی پزشکان وقتی مراجعانشان زیاد می‌شود، می‌خواهند همزمان دو عمل را انجام بدهند. سر یک عمل خودشان حاضر می‌شوند و سر عمل دیگر تکنیسین‌ها را می‌فرستند. این پزشکان برای خود یک تیم پزشکی دست و پا می‌کنند و آن‌ها را به طور کامل برای انجام صفر تا صد یک جراحی آموزش می‌دهند. این کار به طور کامل غیر قانونی است. نمی‌شود متخصص بیهوشی خودش برود استراحت کند یا کار دیگری انجام بدهد و تکنیسین به جای او در اتاق عمل بیمار را بیهوش کند. اگر عارضه‌ای برای مریض پیش بیاید، حتی اگر آن عارضه یک عارضه غیرعمدی و طبیعی باشد، نه‌تنها پزشک به دردسر می‌افتد بلکه تکنیسین باید با عواقب قانونی آن مواجه شود.» در مورد اخیر که هفت تکنیسین و دو جراح بازداشت شدند، یکی از پزشکان در حالی که بیمارش در اتاق عمل به دست تکنیسین عمل می‌شد، خواب بود و پزشک دیگر در اینستاگرام مشغول جواب دادن به پیام‌های مشتریانش.

دکتری صدری در ادامه درباره تکنیسین‌هایی که جدا از پزشکان و به صورت مستقل اقدامات زیبایی انجام می‌دهند به «هفت صبح» توضیح می‌دهد: «برخی تکنیسین‌ها بدون نظارت پزشکان دست به تیغ می‌شوند. آن‌ها از تیم‌های مختلف پزشکی آموزش می‌بینند یا خودشان به صورت تجربی و با تحقیق، انجام برخی عمل‌ها را یاد می‌گیرند. این افراد در اینستاگرام زیادند؛ افرادی که جزو تیم پزشکی هستند و با یاد گرفتن برخی مهارت‌ها که در حوزه‌شان هم نیست، فعالیت می‌کنند. این افراد علم لازم و دانش مدیریت آن عمل‌ها را ندارند. برخی فکر می‌کنند اگر مثلا یک تزریق را یاد بگیرند کافی است. این در حالی است که باید آناتومی بدن را بشناسند. یک نمونه ساده آن تزریق ژل و بوتاکس است که در حال حاضر در برخی آرایشگاه‌ها هم انجام می‌شود.» این پزشک در ادامه با اشاره به یک گروه تلگرامی که اعضای آن به صورت غیرمجاز، اقدامات زیبایی انجام می‌دادند می‌گوید: «مدتی عضو یک گروه تلگرامی بودم که افراد غیرپزشک در آن اطلاعات ردوبدل می‌کردند. یک بار یکی از آن‌ها برای یک مراجع ژل لب تزریق کرده بود و برای اینکه از بقیه بپرسد ایراد از کجا بوده، عکس آن را در گروه ارسال کرد. آن عکس به‌شدت ترسناک بود. وقتی بقیه به او گفتند نکروز (مرگ بافت بدن) اتفاق افتاده، او در جواب پرسیده بود نکروز دیگر چیست؟! او حتی تا این حد هم اطلاعات نداشت.» حال آنکه در برخی موارد، ورود تکنیسین‌ها و افراد غیرمتخصص به حوزه جراحی‌های تهاجمی باعث عوارض جبران‌ناپذیر و در بدترین حالت، مرگ شده است. یک بار رفتن به دادسرای جرائم پزشکی کافی است تا با عمق فاجعه و حجم عظیم پرونده‌های مربوط به جراحی‌های زیبایی روبه‌رو شوید.

گالری

۷ قابی از استقبال رسمی از مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور در پنجمین سفر استانی که به بوشهر صورت گرفته است. عکس از محمد غلامحسینی / ایرنا.

۸ نمایش «رمولوس کبیر» به نویسندگی فردریش دورنمات و کارگردانی مجتبی طباطبایی، روایتگر داستان امپراطور روم، رومولوس است که به جای مقابله با تهدیدات ژرمن‌ها، ترجیح می‌دهد به امور شخصی‌اش مانند پرورش مرغ رسیدگی کند. این نمایش به طرز طنزآلود و تأمل‌برانگیزی، بحران‌های سیاسی و اجتماعی را به چالش می‌کشد و این روزها در تالار محراب به روی صحنه است. عکس از پرتو جغتایی / تیوال.

قابی از نمایش «غیراصولی» به کارگردانی مجید اصغری که این روزها در تالار مولوی به روی صحنه است. عکس از عرفان آقائی / تیوال.

قابی از ملاقات «رشید مردوف» معاون رئیس کابینه وزیران و وزیر امور خارجه ترکمنستان با عباس عراقچی، وزیر امور خارجه در محل این وزارتخانه. عکس از علیرضا معصومی / ایسنا.

۷ دیدار رئیس قوه قضاییه با آیت‌الله نوری همدانی در جریان سفر به قم. عکس از علی شیربند / میزان.

۸ خاموشی تهران در شامگاه سه‌شنبه باعث شده بود که وزیر نفت به عنوان تامین‌کننده سوخت نیروگاه‌ها پس از جلسه هیات دولت، مورد توجه خبرنگاران قرار بگیرد. عکس از مرضیه سلیمانی / ایرنا.

اولین روز چهلمین جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر، شامگاه سه‌شنبه با اجرای ارکستر ملی ایران به رهبری «همایون رحیمیان» در تالار وحدت، برگزار شد. عکس از محمدمهدی پورعرب / ایرنا.

فرشته‌ای به نام مقتول

در پرونده‌های جنایی زیادی کودکان خردسال قربانی جنایت نامادری شده‌اند

فاطمه شیخ علیزاده | بچه‌ها فرشته‌های بی‌غل و غش، لوح‌های سفید دست نخورده و ضمایر پاک و ناب زندگی هستند که هیچ چیز از بدی دنیا نمی‌دانند.

آنها در کشمکش پدر و مادرها بی‌تقصیرترین اما گاهی قربانی‌ترین نقش را دارند.

آنها انتخاب نمی‌کنند که وارد چه ورطه‌ای از زندگی شوند و فقط پنجره خیلی کوچکی دارند که از آن همه جهان را زیبا و همه آدم‌ها را خوب می‌بینند. اگر سایه نامادری بالای سرشان بیاید در نقش بستن کینه هم نقشی ندارند و همه این پاکی و معصومیت آنهاست که جنایت علیه کودکان خردسال را بسیار دردناک‌تر از انواع شکنجه‌ها و جنایات می‌کند.

قتل آوا به دست نامادری

اواسط سال ۱۴۰۲ یکی از تکان دهنده‌ترین اخبار حوادث با موضوع قتل فرزند در حالی منتشر شد که فیلم شکنجه کودک در فضای مجازی بازنشر شده بود.

به این ترتیب خبر فوت آوا ۴ ساله دختر ارومیه‌ای بر اثر شکنجه نامادری بر سر زبان‌ها افتاد.

مصاحبه فردی با رسانه‌ها در فضای مجازی که خود را پدر این کودک چهار ساله معرفی می‌کرد، اولین فایل تصویری و ویدئویی بود که در این زمینه منتشر شد و فرد یاد شده بخشی از داستان زندگی نابسامان خود را در این ویدئو به اشتراک گذاشت.

عمر قهرمانی، پدر آوا در این باره بیان کرد: محل کارم در تبریز است، بعد از اینکه سال گذشته مادر آوا به صورت بی‌خبر از خانه خارج شد، تلاش برای پیدا کردن او را انجام دادم و در نهایت پلیس آگاهی خبر از خروج او از کشور به مقصد ترکیه را داد.

قهرمانی ادامه داد: «من نیز با بچه‌ها تنها ماندیم و نگهداری از آنان را بعد از ازدواج مجدد به همسر دومم سپردم. یک روز همسرم زنگ زد و گفت که آوا شب وقتی خواب بود، تشنج کرده است و حال خوبی ندارد و او را به بیمارستان برده‌اند. موضوع را مجدد از پسرم پیگیری کردم و پسرم هم همین حرف را تکرار کرد ولی در بیمارستان گفتند که دخترت شکنجه شده است و من چون باور نکردم برای بررسی بیشتر دوربین خانه را کنترل کردم که در دوربین کتک خوردن دخترم را توسط همسرم دیدم. حالا از مسئولان می‌خواهم او را اعدام کنند و خودم چهارپایه اعدام را از زیر پایش خواهم کشید.» با درخواست ولی دم حکم قصاص متهم صادر شد.

زنده به گور کردن الهه توسط نامادری

اواسط سال ۱۳۸۲ در پی وقوع یک جنایت هولناک مشخص شد دختر بچه ۷ساله‌ای به نام الهه توسط یک زن آشنا از مقابل مدرسه‌اش ربوده شده و در جنگل‌های لویزان زنده به گور شده است. با پیگیری و تحقیق در این زمینه سرانجام معلوم شد، زن ۲۴ساله‌ای به نام طیبه که نامادری این دختربچه بود، با فریب این دختر او را ربوده و پس از خوراندن آبمیوه مسموم الهه را به جنگل‌های لویزان منتقل کرده و در یک گور کم عمق که ۲ روز پیش از جنایت در این محل کنده بود، دفن کرده است. با به دست آمدن این اطلاعات، ماموران در مرحله بعدی طیبه (نامادری) را دستگیر کردند و نامبرده با اعتراف به جنایت عنوان کرد: از مدتی پیش در اندیشه ربودن الهه بودم و از آنجا که قصد داشتم با پدر او بار دیگر ازدواج کنم، احساس می‌کردم الهه مانع این ازدواج خواهد شد؛ از این رو ۲روز متوالی با حضور در مقابل مدرسه در انتظار فرصتی برای ربودن الهه بودم تا این که او با مشاهده من مقابل مدرسه خود را به من رساند و من از او خواستم تا هر ۲ به گردش برویم و در میانه راه آبمیوه مسمومی را که پیش از این تهیه کرده بودم، به او خوراندم و زمانی که بیهوش شد، او را به جنگل لویزان بردم و دفن کردم.»

هر چند متهم در اظهارات بعدی منکر قتل شد اما با توجه به ادله موجود در پرونده به دار مجازات آویخته شد.

قتل هولناک کودک ۲ ساله به دست نامادری

آذر ماه سال ۹۶ رئیس پلیس آگاهی خراسان شمالی از قتل پسر دوساله بجنوردی به دست نامادری خبر داد.

سرهنگ رضا عرب‌زاده با بیان اینکه رسول دوساله به‌طور مشکوک در یکی از بیمارستان‌های بجنورد فوت می‌کند، اظهار کرد: با فوت این کودک مسئولان بیمارستان به پلیس ۱۱۰ اطلاع داده و در نهایت مرگ مشکوک کودک مشخص می‌شود. سرهنگ عرب زاده با بیان اینکه به قتل رسیدن کودک توسط پزشکی قانونی خراسان شمالی تائید شده است، افزود: پس از حضور مأموران پدر و مادر کودک دستگیر و مورد بازجویی قرار گرفتند.

در ابتدا نامادری این پسر دوساله منکر قتل شد، اما پس از گذشت ۱۳ روز، صبح امروز یک‌شنبه به کشتن کودک اعتراف کرد.

رئیس پلیس آگاهی خراسان شمالی درباره علت قتل کودک دوساله بجنوردی گفت: کودک به علت ضربات مشت و لگد توسط همسر پدرش دچار مرگ مغزی و پس از رساندن به بیمارستان فوت می‌کند.

قتل کودک سمنانی به دست نامادری

همین چند روز پیش کارآگاهان پلیس آگاهی استان سمنان در پی مرگ مشکوک دختری ۱۰ ساله تحقیقات خود را در این رابطه آغاز کردند و فهمیدند این دختر در خانه تنها بود. سایر خانواده هنگام بازگشت، مشاهده کردند دختر روی مبل دراز کشیده و بیهوش است. آنها با اورژانس تماس گرفتند و بعد از حضور تکنیسین‌ها مشخص شد این دختر فوت شده است.

پدر متوفی در تحقیقات اولیه به ماموران گفت: مدتی قبل از همسرم جدا شده و با خانمی ۳۸ ساله که دختری ۱۲ ساله دارد ازدواج کردم. ظهر روز حادثه به همراه آنها، از منزل خارج شدم و دخترم تنها در خانه بود.

کارآگاهان پلیس آگاهی با انجام تحقیقات پی بردند نامادری کودک، بعدازظهر روز حادثه به منزل مراجعه و پس از گذشت زمانی، دوباره آنجا را ترک کرده است.

این زن ۳۸ ساله در تحقیقات ماموران به ارتکاب قتل اعتراف کرد و گفت زمان مراجعه به منزل، با دختر ۱۰ ساله همسر خود، جر و بحث کرد و به دلیل فحاشی کودک با وی درگیر شد و در نهایت دختر را خفه کرد.

مرگ مشکوک پدرام تجریشی

دیگر پرونده پرسروصدایی که افکار عمومی را به شدت در ایران تحت تاثیر قرار داد، پرونده قتل پدرام تجریشی بود. پدرام تجریشی نوجوانی بود که در ۱۲ سالگی به قتل رسید. پرونده او تا مشخص شدن دیگر کشی یا خودکشی چند سال را طی کرد. شاکی اصلی پرونده مادر پدرام تجریشی بود، چرا که پدر این کودک می‌گفت اطمینان دارد نامادری‌اش مریم در مرگ پدرام دست نداشته است. آن‌طور که در روزنامه‌های دهه ۶۰ نوشته شده است، پدر و مادر پدرام از چند سال قبل از هم جدا شده و پدرام با پدرش زندگی می‌کرد. او بعد از مدتی با زنی به نام مریم ازدواج کرد و آنها زندگی خوبی داشتند. اما حادثه مرگ دلخراش پدرام و آمدن نام نامادری وضعیتی سخت را برای زندگی این مرد درست کرده بود. آن‌طور که مدارک موجود در پرونده نشان می‌دهد، پدرام از خانه مادرش به خانه پدرش برمی‌گردد، به حمام می‌رود و دور از چشم نامادری با خود چاقویی را به داخل حمام می‌برد. بیرون آمدن او طول می‌کشد و نامادری برای سرزدن به پدرام به حمام می‌رود که می‌بیند پدرام چاقویی در دست دارد و به خود ضرباتی وارد کرده است. مریم برای گرفتن چاقو اقدام می‌کند که در این هنگام پدرام دو ضربه محکم دیگر به خودش می‌زند و همین دو ضربه باعث مرگ پدرام می‌شود.

شدت خونریزی به حدی بوده است که پزشکان نتوانستند برای او کاری بکنند و باعث مرگ پدرام شد.

پس از آن، مریم، نامادری پدرام، به اتهام قتل پدرام بازداشت شد، او در هیچ مرحله‌ای از رسیدگی به قتل اعتراف نکرد و در مراحلی حادثه را این‌طور توضیح داد: من داشتم ظرف می‌شستم، از تاخیر پدرام نگران شدم، با دستکش به سمت حمام رفتم، در را باز کردم و پدرام را با چاقو دیدم که آسیب به خودش زده بود. خواستم چاقو را از او بگیرم که نشد، گلاویز شدیم او دو ضربه شدیدتر به خودش زد!

برخی کارشناسان می‌گفتند اینکه زنی به سن و قد و هیکل مریم نتواند چاقو را از پدرام بگیرد ممکن نیست. پدرام کودکی ۱۲ ساله بوده و حتماً زور مریم به او می‌رسیده است. سوال اساسی مطرح‌شده در اینجا بود که چطور نامادری متوجه خونریزی شدید پدرام نشده و مدت زیادی او را در وان حمام رها کرده است؟

عمق ضربات مسئله دیگری بود و گفته می‌شد امکان اینکه فردی چنین عمیق به خودش ضربه بزند وجود ندارد.

این گفته‌ها بیشتر از سوی وکلایی مطرح می‌شد که از طرف مادر پدرام استخدام شده بودند اما پدر پدرام حرف دیگری می‌زد. او می‌گفت همسرش مریم زنی بسیار مهربان بوده و با پدرام رابطه خوبی داشته است. او مادر پدرام را مقصر نشان می‌داد و می‌گفت: مادر پدرام زنی تندخو و پرخاشگر بود و نسبت به همه چیز ایراد می‌گرفت و زندگی را برای من و پدرام سخت کرده بود. به همین دلیل هم من از این زن جدا شدم. هر بار پدرام به دیدن مادرش می‌رفت تا چند روز حالش بد بود اما مریم با مهربانی و متانت با او برخورد می‌کرد. او می‌گفت اطمینان دارد که مریم دست به قتل پسرش نزده است.

مریم در آن زمان باردار بود و حتی فرزندش در زندان به دنیا آمد. در نهایت دادگاه به دلیل کافی نبودن ادله برای قتل، مریم را از اتهام قتل تبرئه کرد. هرچند ادله محکمی برای خودکشی هم وجود نداشت. اما چون پدر پدرام هم نسبت به قتل هیچ شکایتی نداشت و تنها شاکی مادرش بود و ادله هم کافی نبود، بنابراین مریم تبرئه شد. در نهایت پدر پدرام به همراه همسرش مریم و فرزند جدیدشان ایران را ترک کردند، چون فشار اجتماعی روی این زن زیاد بود.

زندگی دردناک پدرام البته دستمایه چند فیلم درام شد. مهم‌ترین فیلمی که از روی این پرونده ساخته شد، فیلم «می‌خواهم زنده بمانم بود» که فاطمه گودرزی نقش نامادری را در آن بازی کرد.

حمام خون نامادری و قتل پسر هشت ساله در ورامین

یکی دیگر از پرونده‌های جنجالی که به دست نامادری اتفاق افتاد، پرونده قتل پسر هشت ساله‌ای به نام مهدی بود که نامادری‌اش او را به حمام برده، رگ دستش را زده و بعد از کشتن بچه، خون این کودک به طور کامل در چاه فاضلاب حمام تخلیه شده بود. فاضلابی که به جوی آب وسط خیابان راه داشت و حجم بالای خونی که از جوی آب بیرون زده بود، همسایه‌ها را متعجب کرده بود. پدر این کودک که وکیل دادگستری است اولین بار با عنوان مفقودی به پلیس مراجعه و گفته بود پسرش مهدی گم شده است. او بازیگوش است و احتمال اینکه با دوستانش بیرون باشد زیاد است. برای همین هم دیر به پلیس گزارش داده است. چند روز بعد از این حادثه وقتی پلیس از همسایه‌ها سوالاتی پرسید، راز قتل دردناک کودک فاش شد.

آنها گفتند روزی که مهدی گم شد، حجم زیادی خون در جوی آب وسط خیابان از خانه مهدی خارج شد. وقتی از اعظم، نامادری مهدی، در این باره سوال کرده بودند، گفته بود گوسفندی را سر بریده‌اند و خون به همین دلیل است اما بعد مشخص شد سر هیچ گوسفندی بریده نشده است. اعظم بازداشت شد و به قتل مهدی و دفن جسدش در بیابان اعتراف کرد. او گفت از شیطنت‌های مهدی خسته شده و چون شوهرش به این بچه بسیار توجه می‌کرده، حسادت کرده و او را به قتل رسانده است. اعظم بعد از سه سال رضایت شوهرش را گرفت و شوهر اعظم گفته بود به شرطی که دیگر سراغ بچه‌های مشترک‌شان را نگیرد، رضایت خواهد داد. پس از آن به درخواست شوهر اعظم بچه‌ها به پدرشان سپرده شدند و اعظم برای همیشه تهران را ترک کرد.

تیتر دو

پنج روز در جهنم منفی ۴۹ درجه

گزارشی پرجزئیات از تراژدی صعود کوهنوردان لارستانی به دماوند

ادامه از صفحه اول

آنها پیکر سارا را همان‌جا که سرما بر او پیروز شد، به برف‌ها می‌سپرند و تصمیم به فرود از مسیر جنوبی می‌گیرند. افراد بنا بر روایت فدراسیون دچار هایپوترمی شده بودند و مشاعرشان را از دست می‌دهند. به همین دلیل دو نفر (رحمان و محمد) مسیر را گم می‌کنند و راهشان از مهدی جدا می‌شود.

روز سوم، جهنم سفید

صبح یکشنبه هنوز همه امید داشتند که سه کوهنورد دیگر را می‌شود پیدا کرد. آنها هزار و ۴۰۰ متر از جایی که سارا روی برف‌ها دراز کشیده بود، پایین‌تر آمده بودند. مسیر یال دماوند را در شرایط کولاک و بوران در دمای ۴۵ درجه طی می‌کردند که نفر دوم زمین‌گیر می‌شود. آفتاب یکشنبه غروب می‌کند و هیچ دسترسی به آنها هنوز برقرار نشده است.

روز چهارم، تماس‌های ناموفق

حالا دوشنبه صبح است و از تیم ۴ نفره دو نفر جا مانده‌اند. راه این دو نفر هم از هم جدا شده و از هم بی‌خبرند. مهدی توانسته خودش را به یکی از پناهگاه‌ها برساند. ۹ صبح بیست و دوم بهمن در گروه دوستانش پیامی ارسال شده. پیامی سه دقیقه‌ای که باد اجازه نمی‌دهد کلماتش را از هم تشخیص دهیم. اطلاعاتی از موقعیتش می‌دهد اما هر بار که تیم امداد به دل کوه می‌زد، بوران آن‌ها را پس می‌راند. دماوند قصد نداشت به این راحتی‌ها چیزی که بلعیده، پس دهد. یک بار دیگر حوالی ۱۲ ظهر روز دوشنبه تماس مجددی با مهدی برقرار می‌شود. مدیر تیم امداد و نجات کشور درباره آن تماس تلفنی می‌گوید: «این کوهنوردان به‌دلیل شرایط سخت محیطی و برودت شدید هوا، در تماس‌های خود با خانواده و دوستانشان اطلاعات متناقضی ارائه داده‌اند، به‌عنوان مثال، آقای ضیاپور در یکی از تماس‌هایش، اعلام کرده است که در حال بازگشت هستند، در حالی که به‌خاطر نمی‌آورد که یکی از همنوردان‌شان در ارتفاعات جان خود را از دست داده است، این موضوع یکی از عوارض هایپوترمی و سرمازدگی در کوهستان است.» هایپوترمی زمانی اتفاق می‌افتد که دمای بدن به ۳۲ تا ۲۸ درجه می‌رسد. اینجا هوشیاری فرد پایین می‌آید. به همین دلیل مهدی آدرس اشتباهی می‌دهد و حتی می‌گوید که با بچه‌ها و امدادگران پیش هم هستند. درحالی که گشت امداد نقاطی که گفته بود می‌گردد و آنها را پیدا نمی‌کند. به جز مهدی، محمد هم ۱۸ عصر آن روز از موبایل خود تماس می‌گیرد. با این ابر و بوران فقط به کمک پهپادهای حرارتی می‌شد حدس زد که محمد کجاست. امدادگران هلال‌احمر از روی دستگاه، او را می‌دیدند که در ۵۰ متری جسد رحمان قرار دارد اما شیب اجازه نزدیک شدن به آنها را نمی‌داد. شارژ موبایل محمد آن شب دیگر خالی می‌شود.

روز پنجم، مهدی پیدا می‌شود

بعد از ساعت‌ها بی‌خبری در نهایت سه‌شنبه، حوالی ساعت ۱۸ مهدی، مربی جوان تیم را پیدا و سوار آمبولانس کردند. امدادگرانی که در بارگاه دوم کوه مشغول گشتن بودند، لباس رنگی مهدی را می‌بینند که در حال حرکت به سمت آنهاست. او را نجات می‌دهند و به تهران می‌آورند.

مقصر فدراسیون است؟

با اینکه از روز اعلام گم شدن فدراسیون کوهنوردی دائم تاکید داشته که افراد نباید در این دما برنامه صعود می‌چیدند، این گروه لارستانی با مجوز فدراسیون کوهنوردی استان فارس راهی شده بودند. در برگه مجوز آنها که به دست روزنامه هفت صبح رسیده روز سفر، روز بازگشت، اسامی و حتی وسیله نقلیه رفت و برگشت هم قید شده. جواب فدراسیون کوهنوردی به روزنامه این است: «فدراسیون کوهنوردی کشور هیچ وقت برای صعودها مجوز صادر نمی‌کند. هر هفته هزاران نفر صعود می‌کنند. ما فقط بر اساس آب و هوا، تجهیزات، توانمندی و امکانات توصیه می‌کنیم و یا هشدار می‌دهیم. این عزیزانی که رفتند نیازی به مجوز نداشتند. آنها هر هفته به کوه‌های زیادی صعود می‌کردند. سیستم فدراسیون فقط بر مبنای توصیه کردن یا نکردن است. ما نمی‌توانیم یک پلیس کوهستان بگذاریم و به آدم‌ها بگوییم بروید بالا یا نه.»

چرا اینطور شد؟

چهره تکیده و صورت قرمز مهدی وقتی که به دامنه کوه رسید گویای همه چیز بود. سفری که قرار بود پنج روزه باشد، تا هشت روز کابوس‌وار ادامه داشته. نه صعود موفقیت‌آمیز بود و نه فرود. هر سه نفرشان جوان‌های لارستانی هستند که تا امروز بارها دماوند را فتح کرده بودند. این بار اما نام فاتحان را در فهرست گمشدگان نوشتند و رویایشان را با کابوس به پایان بردند.

به جز سارا، سه نفر دیگر صفحه عمومی در اینستاگرام دارند. سارا تا امروز چهار بار قله‌های بالای ۴ هزار متری فتح کرده. یک کوهنورد لارستانی می‌گوید ما تا امروز دختری نداشتیم که توانسته باشد به همه قله‌های بلند صعود کند. قرار بود سارا رکورد این کار را بزند که ... نشد. مهدی باسابقه‌تر از همه است. هم مربی کوهنوردی بوده و هم یک باشگاه ورزشی و یک گروه کوهنوردی در لارستان دارد. اولین بار نبود که کفشش را روی سنگ‌های دماوند فشار می‌داد و روی برف‌ها بالا می‌رفت. این ۵ هزار و ۶۰۰ متر ارتفاع را یک بار هم سال ۱۴۰۱ و یک بار هم سال ۹۸ و سال قبل‌تر و سال‌های قبل تکرار کرده بود. اینستاگرام رحمان و محمد هم پر از عکس‌های کوهنوردی است. این بار هم طبیعت قدرت بی‌رحمانه خودش را به رخ کشید و هم اینطور که فدراسیون می‌گوید کفش‌ها و تجهیزات مناسبی نداشته است. دکتر حمید مساعدیان متخصص پزشکی ورزشی، می‌گوید: «بی‌توجهی به علائم هواشناسی، گم کردن مسیر و برنامه‌ریزی غلط علت این حادثه بود. خود اعضای تیم می‌گویند تجهیزات مناسب داشته‌اند اما از نظر من مناسب نبوده. مثلا همین فردی که زنده مانده کفش مناسبی نداشتند. به خودشان هم گفتم. خوشبختانه فرد بازمانده کاملا آگاه و هوشیار هستند و خطاهایی که کرده‌اند پذیرفته‌اند.»

از این روز به بعد نام‌های سارا، رحمان و احتمالا محمد در بادهای لارستان می‌پیچد و ردپایشان در برف محو می‌شود تا شاید با آمدن تابستان کوه مشت بسته‌اش را باز کند و پیکر کوهنوردها را پس دهد.

سایت نگار سیاسی / گزیده‌ای از تحلیل‌های جناح‌های سیاسی

» **سه جمله مهم از پزشکیان درباره استعفا و مذاکره با آمریکا و خاموشی در بوشهر؛** رئیس‌جمهور دیروز به بوشهر سفر کرده بود و در چند سخنرانی در این استان جملات مهمی درباره مسایل روز بیان کرد:

۱ **استعفا:** در زمان انتخابات شعار ندادم، بلکه باور و اعتقاد خود را بیان کردم، الان هم بر همان باور و اعتقاد هستم. به دنبال رئیس‌جمهور شدن نبوده‌ام اما به دنبال عزت و سربلندی و افتخار اسلام، دین و کشورمان هستم و تا آخر خواهم ماند...به شما قول می‌دهم که با تمام وجود تلاش خواهم کرد با همراهی شما، ایرانیان را در مقابل همه تحریم‌ها و فشارها سربلند نگه داریم.

۲ **مذاکره با آمریکا:** کسانی که مدعی حقوق بشر و صلح و آرامش هستند، خودشان ترور می‌کنند، ۱۸ هزار نفر را در کشور ما ترور کرده‌اند و به دروغ ما را متهم به تروریست بودن می‌کنند.

رئیس‌جمهور آمریکا در دستور العملی که ابلاغ کرده ما را تروریست خوانده و ادعا کرده که ما نظم منطقه را بر هم زده‌ایم، جوانان، دانشمندان، مسئولان، رئیس‌جمهور و امامان جمعه ما را ترور کرده‌اند و بعد ما را تروریست می‌نامند. که کسی که دم از حقوق بشر و انسانیت و صلح و آرامش می‌زند، تسلیحات در اختیار اسرائیل قرار می‌دهد تا بمباران و ترور کند و بعد ادعا می‌کند که به دنبال امنیت منطقه است.

اسماعیل هنیه که مهمان ما بود را پس از مراسم تحلیف ریاست جمهوری، ترور کردند. در غزه بیش از ۵۰ هزار انسان بی‌گناه را به شهادت رساندند، بعد می‌گویند ایران تروریست است، می‌گویند شما تسلیحات و امکانات و موشک نداشته باشید، یعنی اینکه اسرائیل همانطور که غزه را بمباران کرد، بیاید و کشورمان را بمباران کند و برود.

پشت تریبون می‌گوید می‌خواهد با ما مذاکره کند اما از طرفی تمام راه‌ها را می‌بندد و هر تصمیمی لازم است برای زمین گیر کردن ما می‌گیرد. دنیا را تهدید می‌کند که با ایران معامله نکنید، از طرفی می‌گوید مذاکره کنیم. اگر مرد مذاکره هستی چرا این کارها را می‌کنی؟

اول تهدید می‌کنند و بعد می‌گویند می‌خواهیم مذاکره کنیم. دانشمندان ما را ترور می‌کنند و بعد می‌گویند با هم صحبت کنیم. صداقت چیز خوبی است. آنها دادگاه لاهه را هم تحریم می‌کنند. آنها منطق ندارند که با آنها گفت‌وگو کنیم. نمی‌توانیم با این وضعیت با آنها مذاکره کنیم.

شما در این منطقه چه می‌کنید که ما امنیت شما را بر هم بزنیم. شما به منطقه ما آمده‌اید، مردم را ترور و نابود می‌کنید و دم از امنیت می‌زنید و به ما لقب تروریست می‌دهید؟

معتقدم باید با تمام دنیا حرف بزنیم اما نه به هر قیمتی نه به هر شکلی گفت: با تلاش فراوان راه غلبه بر مشکلات را پیدا خواهیم کرد.

کسانی که امروز دم از مذاکره می‌زنند، همان‌هایی هستند که شدیدترین تحریم‌ها را علیه مردم ایران اعمال کرده‌اند؛ اگر واقعاً به‌دنبال مذاکره هستند، چرا سیاست‌های خصمانه خود را متوقف نمی‌کنند؟

ما کاملاً آگاه هستیم که در سایه جنگ و ناآرامی، هیچ توسعه‌ای معنا ندارد. جنگ و آشوب به نفع هیچ کشوری نیست. ما حتی نمی‌خواهیم در کشورهای همسایه‌مان نیز ناآرامی ایجاد شود، زیرا تبعات آن مستقیماً به ما هم خواهد رسید. آرامش در منطقه، لازمه همکاری‌های اقتصادی، علمی، فرهنگی و سیاسی است. در شرایط ناآرام، این همکاری‌ها امکان‌پذیر نخواهد بود.

۳ **قطعی برق:** علت قطعی برق لحظه‌ای نبوده و ریشه در سالیان گذشته دارد. در دولت چهاردهم دنبال راهی هستیم که دیگر این اتفاقات رخ ندهد؛ مهمترین مسئله اما این است که خیلی بد مصرف می‌کنیم و چهار برابر کشورهای اروپایی مصرف داریم اما اگر صرفه‌جویی کنیم بسیاری از مشکلات انرژی برطرف خواهد شد. اگر مردم ایران در برق و گاز صرفه‌جویی کنند دیگر قطعی انرژی نخواهیم داشت و تلاش داریم دیگر این اتفاقات در سال آینده رخ ندهد؛ برای مردم ایران و متخصصان کشورمان کار نشد ندارد و امکان‌پذیر است.

» **نظر دبیر فعلی و قبلی شورای عالی امنیت ملی در مورد مذاکره؛** ابتدا گزیده مصاحبه انصاف نیوز با علی شمخانی را بخوانید:

سوال: دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا اخیراً اعلام کرده که آماده ملاقات با رئیس‌جمهور ایران است. آیا این اظهارات را می‌توان به‌عنوان نشانه‌ای از آماده بودن آمریکا برای مذاکره تلقی کرد؟

علی شمخانی: این گونه اظهارات، در حالی مطرح می‌شود که هم‌زمان، کاخ سفید یک دستور اجرایی مفصل برای تشدید فشارهای اقتصادی علیه ایران صادر می‌کند. چنین تناقضی، نشان‌دهنده آن است که هدف، نه حل مسائل، بلکه پیشبرد همان راهبرد فشار حداکثری در پوشش دیپلماسی است. در واقع، این رفتار را نمی‌توان نشانه‌ای از آمادگی واقعی برای مذاکره دانست، بلکه باید آن را بخشی از همان سیاست سنتی آمریکا در قبال ایران ارزیابی کرد؛ سیاستی که بر مبنای اعمال فشار با ایجاد شرایط بحرانی و سپس پیشنهاد مذاکره از موضع قدرت طراحی شده است.

سوال: پس از نگاه شما، مذاکره در چنین شرایطی نمی‌تواند مسیر مؤثری برای حل مشکلات باشد؟

علی شمخانی: تجربه نشان داده که مذاکره تنها زمانی معنا دارد که دو طرف، اراده و ظرفیت لازم را برای دستیابی به توافقی پایدار که تامین کننده منافع طرفین باشد را داشته باشند. درحالی که آمریکا، هم‌زمان با طرح مذاکره، فشارهای اقتصادی را افزایش می‌دهد، این پیام روشنی دارد: مذاکره‌ای که مدنظر آنهاست، نه یک فرایند دیپلماتیک متوازن، بلکه ابزاری برای تحمیل اراده سیاسی خود است.

سوال: با توجه به مسئولیت شما در پرونده هسته‌ای و محوریت این موضوع در هرگونه مذاکره با طرف‌های غربی، چشم انداز گفتگوها در این موضوع را چگونه می‌بینید؟

علی شمخانی: در صورت مهیا شدن شرایط مذاکره، هدف ایران از هرگونه گفتگوی احتمالی، رفع تحریم‌ها و وادارسازی طرف مقابل به اجرای تعهداتشان است.

سوال: پس شما معتقدید که مذاکره باید انجام شود اما با تمرکز بر رفع تحریم ها؟

علی شمخانی: ما هیچ‌وقت میز مذاکرات را ترک نکرده‌ایم. اما وقتی رئیس جمهور کشوری که به صورت غیر قانونی از برجام خارج شده و با زیر پا گذاشتن همه تعهدات خود تحریم های یکجانبه علیه ایران اعمال کرده و همه ظرفیت‌های خود را برای وادار سازی کشورهای دیگر به تبعیت از تحریم های یکجانبه فعال کرده، از مذاکره حرف می زند، کدام فرد عاقلی می تواند حسن نیت او را باور کند. رفتار ترامپ شبیه فردی است که دستش را روی ماشه تیربار با خزانه پر و آماده شلیک گذاشته و شما را با لبخند به گفتگو و تعامل دعوت می کند. آیا می‌شود با آن سابقه منفی و این رفتار قلدر مآبانه به او اعتماد کرد؟ ماقبل با ۱+۵ و ۱+۴ با روش‌های مختلف مذاکره کردیم و زیر هیچ‌یک از تعهداتمان نزدیم. در حال حاضر هم با اروپایی‌ها گفتگوهایی را دنبال می‌کنیم. اما من چشم انداز پرونده رفع تحریم‌ها را با توجه به رفتار سیاسی و زیاده‌طلبانه طرف‌های غربی، رو به جلو نمی‌بینیم. مگر اینکه رویکرد طرف مقابل منطقی، محترمانه و سازنده شود.

- **و حالا گزیده سخنان علی اکبر احمدیان در گفت‌وگو با جام‌جم را بخوانید:**

سوال: با وجود سابقه مذاکرات با آمریکا در برجام، آیا می‌توان تصور کرد در این مقطع که ترامپ گفته آماده مذاکره با رئیس‌جمهور ایران بوده و همزمان دستور فشار حداکثری علیه ایران را داده، رویکرد متفاوتی از آمریکا شاهد باشیم؟

پاسخ: این گونه به نظر نمی‌رسد، چون همزمان با همین اظهارات ترامپ، سخت‌ترین تحریم‌ها علیه ایران در قالب یادداشت رئیس‌جمهور ابلاغ و به‌سرعت اجرا شده است. در چند سال گذشته نیز پس از نقض برجام، آمریکا با وساطت و از طریق عمان، توافقاتی با جمهوری اسلامی ایران انجام داد که به عمده آنها پایبند نماند. یکی از آن موارد، پول ایران درقطر است و علی‌رغم این عدم پایبندی، اصرار داشت که ایران به توافقات پایبند بماند و به تعهدات جدیدی نیز تن دهد. تکرار این تجارب از زمان دولت مصدق تاکنون و نیز رفتار مشابه با جهان، ثابت می‌کند که «دوگانه مذاکره و بدعهدی»، یک ترفند و استراتژی آمریکا برای فروپاشی انسجام و وحدت کشورها و ملت‌ها و ابزار سلطه بر آنها بوده و در بهترین شرایط، ابزار دوشیدن ملت‌هاست که رئیس‌جمهور آمریکا به‌صراحت آن را اعلام می‌کند.

هفت صبح | روزنامه فرهنگی، اجتماعی، شهری و اقتصادی
سال چهاردهم | شماره ۳۹۸۸ | پنجشنبه | ۲۵ بهمن ۱۴۰۳
صاحب امتیاز: شرکت هفت صبح ماندگار
مدیر عامل: علی مزینانی

مدیر مسئول و سردبیر: آرش خوشخو
دبیر آنلاین: صدرا بکتاش
مدیر هنری: وحید غفاری

هفت صبح

بازنشر مطالب روزنامه هفت صبح صرفا با اجازه کتبی مجاز است، در غیر این صورت ممنوع و قابل پیگیری قانونی است
pr@7sobh.com
www.7sobh.com

نشانی: تهران، خیابان سهروردی جنوبی، خیابان اقلیمی، کوچه شازاد، پلاک ۳ کد پستی ۶۵۳۵۱-۱۵۶۶۷
تلفن و نمابر: ۸۸۴۰۳۸۵۴ | شماره پیامک: ۰۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۳۱۹۸۸-۰۲۱ توزیع: دنیای اقتصاد تابان | چاپ: پیام همشهری - جام جم
اشتراک اینترنتی: www.jaaar.com

با اقتصادهای بزرگ آسیا آشنا شوید

حدس می‌زنید جایگاه ایران کجاست؟

دیروز گزارشی منتشر شد بر پایه اطلاعات صندوق بین‌المللی پول که در عصر ایران هم بازتاب یافت از رده‌بندی اقتصادهای آسیا. نکته جالب این رده‌بندی این بود که ترکیه و قزاقستان و ارمنستان و آذربایجان و گرجستان هم در این رده‌بندی در زمره آسیا قرار گرفته بودند. عادت داشتیم همه این کشورها را زیر سایه اروپا ببینیم اما حالا این فهرست با قاطعیت این سرزمین‌ها را در کانون تحلیل اقتصادی خود در آسیا قرار داده است.

خب نتیجه‌اش این بود که چین با در دست داشتن ۴۰ درصد از حجم اقتصاد آسیا در صدر است و ژاپن و هند در جای دوم و سوم. در مقابل اقتصاد ۱۸ هزار میلیارد دلاری چین، حجم اقتصاد ژاپن ۴/۱ هزار میلیارد دلار و هند هم با فاصله‌ای اندک ۳/۹ میلیارد دلار بود. در جای چهارم و پنجم هم قاعدتا کره‌جنوبی و اندونزی هستند که ۱/۹ و ۱/۴ هزار میلیارد دلار حجم اقتصادشان قلمداد شده است. ترکیه ششم و عربستان هفتم، تایوان و امارات و سنگاپور هم از رده هشتم تا دهم قرار گرفته‌اند. اقتصاد ایران ۴۳۵ میلیارد دلار تخمین زده شده. یعنی کمی بیشتر از یک سوم اقتصاد ترکیه و در جای هفدهم قرار گرفته‌ایم و تایلند و فیلیپین و ویتنام و بنگلادش را بالاتر از خود می‌بینیم. مشخص است که راه رستگاری اقتصاد ایران الزاما به تحریم‌ها ربطی ندارد. اما باز هم مشخص است که تحریم‌ها چگونه اقتصاد ایران را در خود مچاله کرده است.

اتفاق تلخی است. راستش تلاش برای تولید بیشتر قابل تحسین است اما تجربه این نیم قرن گذشته نشان داده که در شرایط مبهم سیاسی، سرمایه گذار ایرانی به سمت خدمات حرکت می‌کند. هرودوت دو هزار و چند صدسال قبل منش ایرانی‌ها را بازرگانی دانسته بود. وقتی راهی برای بازرگانی نباشد خصلتا افسردگی و رکود بر اقتصاد کشورمان مستولی خواهد شد. این را هم بدانید که پاکستان و عراق و قزاقستان و آذربایجان و ارمنستان و گرجستان همگی در این فهرست پایین‌تر از ایران هستند. اما مثلا حجم اقتصاد آذربایجان یک ششم ایران است اما خب جمعیتش هم یک هشتم ایران است!

ایران باید خودش را از این بن‌بست اقتصادی و تجارت خارجی بیرون بیاورد. یا هند و چین را به پای اقتصاد ایران زنجیر کنید یا فکر دیگری. ایران بدون اقتصاد خارجی، بدون بیزینس و بازرگانی بین‌المللی سقف توسعه محدودی دارد.

حرف اقتصادهای بزرگ شد، سه‌شنبه شب ما اسیر خاموشی ناگهانی برق شدیم. در ساعت ۸ شب برق به شکلی غیرمنتظره رفت و تا ساعت ده و ۱۰ دقیقه بازنگشت. و خب نتوانستیم روزنامه را برسانیم. گزارش صفحه یک به همین ماجرا اختصاص دارد. خاموشی‌های عجیبی که موجب شد دو وزیر کابینه در ملأعام همدیگر را متهم کنند. باز هم فهرست اقتصادهای بزرگ آسیا را مرور کنید.

دنده عقب

اشکان عقیلی‌پور

رفقا... عرضم خدمتتون که برای یه اداره‌ای باید گواهی عدم اعتیاد می‌گرفتم. هفت صبح، رفتم آزمایشگاهی که اعلام کرده بودن. کارِ آزمایشگاه از هشت شروع می‌شد و باید نوبت می‌گرفتم. آزمایشگاه، یه راهروی خیلی طویلی بود با عرض حدودا دو متر که در هر دو سمتش، نیمکت‌های فلزی رنگ و رو رفته و فکسنی‌ای گذاشته بودن. انتهای راهرو، یک میز چوبی بود که پشتش یه پیرمردی نشسته بود. مشخص بود این «آزمایش عدم اعتیاد» تنها مسئله جدی زندگیشه. با چشم‌های ریز از پشت عینکش سر تا پا رو چک می‌کرد و دنبال مجرم می‌گشت. روپوشی تنش بود که چند سال قبل سفید بوده، ولی الان لکه‌های زرد رنگی اون رو کاملا پوشونده بود که اصلا دوست نداشتم اون لحظه فکر کنم این لکه‌ها چیه.

خلاصه باید اسم‌هامون رو بهش می‌گفتیم و می‌رفتیم به ترتیب، رو نیمکت‌ها می‌نشستیم. اسمم و اداره‌ای که نیاز به این عملیات من دارند رو بهش گفتم. نگاه مشکوکی بهم انداخت:

- «معتادی؟» / «نخیر.» / «من می‌فهمماااا...» / «نخیر...معتاد نیستم.»

چشماش رو ریزتر کرد: «من معتاد رو از ده فرسخی تشخیص میدماااا...»

من هم که از ترسِ اتهامِ عدم توانایی تکلم، همیشه باید یه مزه‌ای بریزم و اظهار فضلی بکنم با نیش باز گفتم: «شک نکنین اگه معتاد بودم، با افتخار بهتون می‌گفتم که دیگه تو زحمت نیفتین...»

یه سری تکون داد و گفت: «نوبتت که شد بهت میگم...»

پشیمون از مزه ریختن بی‌موقع و لوسم، رفتم نشستم. سی چهل نفری بعد از من اومدن، که به همگی دیالوگ «معتادی؟...من می‌فهمماااا» گفته شد و خدارو شکر، عین آمار، همه پاک بودن.

ساعت هشت، لیست رو گرفت دستش و مثل فرمانده‌ای که سرِ صبحگاه، سان می‌بینه، از جلومون رد می‌شد و خیره نگاه می‌کرد. کافی بود یکی خمیازه بکشه... گردن می‌کشید یک سانتی‌متری صورتش و عین شرلوک هلمز می‌گفت: «معتادی؟» / «نه آقا... یه خمیازه کشیدم...» / «من می‌فهمماااا...»

تا ته راهرو رفت. احساس کرد این جماعتِ نشئه، خیلیِ جدی نگرفتنش. برای این که قدرتش رو در اون چهار دیواری نشون بده، صداش رو انداخت تو گلوش که: «چرا اینور نشستین؟... همه پاشَن.. اونور بشینین.»

مظنونین به اعتیاد هم، نق نق کنان که حالا چه فرقی می‌کنه، از این ور راهرو، بلند شدن رفتن اون ور راهرو.

مستقر که شدیم، بادی به غبغب انداخت و انگشت‌های شستش رو انداخت پشت قلاب کمربندش و دستورالعمل رو با صدای بلند اعلام کرد:

- «شروع کنین آب خوردن. تا می‌تونین آب بخورین که اون تو معطل نشین. نیم ساعتِ دیگه شش نفر، شش نفر می‌خونم، میاین تو... همه فهمیدین؟» / «بععله.» / «اگه کسی معتاده بگه...همه فهمیدین؟» / «بععله» / «کسی معتاده؟» / «نَننخیر.»

نیم ساعت بعد، همه در حالِ حرکات موزون بودیم که این پس‌اندازِ ذی‌قیمت نریزه. حالا مگه میخوند اسما رو؟ همونجور در حالِ این پا و اون پا شدن، دوست داشتم عین کانگورو رو هوا بپرم و بکوبم تو صورتش که بالاخره این استاد شناسایی معتادین، زبون باز کرد:

- «همه آب خوردن؟...» / «بَععله... بععله...»

شروع کرد خوندنِ اسمها. جزو ۶ نفرِ اول بودم. دولا دولا رفتم تو. لیوان‌های عملیات رو داد بهمون.

- «خب... شروع کنین.»

اینو گفت و صاف اومد پشت من وایستاد و یهو هوار زد: «سریع... سریع... مردم منتظرن... بدو ببینم.»

در اون لحظه باشکوه، احساس کردم که کل آب‌های درون بدنم تبخیر شده. نمی‌فهمیدم این اندوخته کجا رفت؟... از بیرون، صدای خواهش و تمنایِ دوستان هم میومد که این کار رو سخت‌تر می‌کرد.

سعی می‌کردم تمرکز کنم اما حضور اون بزرگوار که فقط فریاد می‌زد، کار رو سخت کرده بود.

- «بدو... بدو... مردم منتظرن.»

در همون حالت بدن، سرم رو چرخوندم سمتش و گفتم:

- «دکتر... باور کن حضورت کمکی نمیکنه. استرس نده جونِ هر کی دوست داری. اصلا شما یه دقیقه برو بیرون، مشکل حله.»

- «برم بیرون؟... برم بیرون؟ ... دیگه چی؟... معتادی؟ آره؟ بیا بیرون...»

ای لعنت بر این دهان من که همیشه بی موقع باز میشه و باعث میشه به صورت اختصاصی و رخ به رخ و «وی آی پی»، آزمایش عدم اعتیاد بدم.

روزنامه‌خوانی در شصت سال پیش - ۱۲۹ (این پاورقی استثنائا امروز منتشر شد)

آرش خوشخو

تبعات سخت درآوردن حلقه ازدواج

۲۰ بهمن ۱۳۴۳. صفحه اول به ادامه تحقیقات قتل منصور و ذکر مطالبی درباره ضاربین و حامیان آنها بوده است و همین طور ادامه پاورقی درباره تاریخ فدائیان اسلام. محمدرضا فردا عازم پاکستان می‌شود تا جواب سفر ژنرال ایوب‌خان به تهران در اوایل امسال را بدهد. مهم‌ترین آگهی سینمایی این شماره به فیلم هاملت محصول سینمای شوروی و ساخته گریگوری کوزینتسف اختصاص دارد که در سینما سعدی اکران شده است. به غیر از هاملت، فیلم‌های خوبی مثل سابرینا و هفت عروس برای هفت برادر هم در حال اکران هستند. یک شهروند شکایت کرده که چندین سال است که قرار است خیابان کریم خان زند را آسفالت کنند اما این اتفاق نمی‌افتد و عبور و مرور معمولی در این خیابان موجب برپاخاستن مقادیر زیادی گرد و خاک می‌شود. یک شهروند اهل طالقان هم نامه داده که منطقه طالقان فاقد درمانگاه، شعبه بانک و راه آسفالت است. از بازار داروی ناصر خسرو گزارشی کار شده که طبق آن این منطقه پر از داروهای اشانتیون است. داروهایی که معمولا به رایگان در اختیار اطبا قرار می‌گیرند و حالا سر از بازار ناصر خسرو درآورده‌اند. یک مرد کاشانی به نام سقراط حکیم، فرشی را به دفتر روزنامه آورده که حاوی تصویری از لیندن جانسون رئیس جمهور وقت آمریکاست. و بالاخره داستان مرد جوان روستایی به نام علی که به خاطر یک رقابت عشقی بر سر یک دختر با جوان دیگری در صحرا دوئل می‌کند و طی دوئل با ضربه بیل آن یکی را ناکار می‌کند و می‌کشد. او از ترس به تهران فرار می‌کند و برای این که لو نرود به زندگی مخفی روی می‌آورد و شب‌ها همراه یک دزد حرفه‌ای هم به سرقت از خانه‌ها می‌رود تا این که روزی در تهران همان رقیب عشقی مقتول(!) را با همان دختر مورد علاقه می‌بینند که دست در دست در حال قدم زدن هستند و آقای مقتول(!) با دیدن علی او را می‌بوسد و می‌گوید که آن شب بر اثر ضربه بیل فقط بی‌هوش شده بود و هفته بعد هم با دختر ازدواج کرده است. پسر که حیران ماجرا بود به روستای خود باز می‌گردد که از بخت بدش به خاطر پرونده سرقت‌هایش در تهران و دستگیری شریکش، بازداشت می‌شود و راهی زندان.

خبر آمده که ویگن از آن سانحه تصادف چند روز قبل جان سالم به در برده (قاعدتا) و به زودی از بیمارستان مرخص خواهد شد.

۲۲ بهمن ۱۳۴۳. محمدرضا وارد پاکستان شده و ژنرال ایوب‌خان از او استقبال کرده است. باز هم کلی مطلب درباره بازجویی‌های دستگیر شدگان پرونده ترور منصور و همین طور بازخوانی فعالیت‌های فدائیان اسلام. اعلام شده که فرانسه و انگلیس از طریق یک تونل در اعماق آب‌های کانال مانش به هم وصل می‌شوند. در صفحه ۱۲ در بخش آشنایی با یک هنرمند ایرانی از ایران درودی یاد شده است که امروز عصر نمایشگاه آثارش در تالار فرهنگ افتتاح خواهد شد. در گزارشی ذیل این متن نوشته شده که ژان کوکتو از تحسین کنندگان کارهای خانم درودی جوان بوده است. هفته فیلم ایتالیا در محل انجمن ایران و ایتالیا شروع به کار خواهد کرد و فیلم‌هایی مثل هشت و نیم و زمین می‌لرزد و داستان یک عشق اکران خواهند شد. مگردون گالیسانیان اغذیه فروش خیابان شادمان در جاده قدیم شمیران (حوالی خیابان بهار شیراز) به شکلی غیرمترقبه خودش را در محل مغازه‌اش دار زده و خودکشی کرده است. این داستان بامزه از دادگاه خانواده را هم برایتان نقل می‌کنم. مردی ۲۴ ساله و تازه داماد که عادت داشته هر روز در خارج از خانه حلقه‌اش را در بیاورد و هنگام ورود به خانه دوباره آن را در انگشت خود کند، دیروز فراموش کرده و همسرش دست بدون حلقه او را دیده و جنجال به پا شده و مرد جوان هم شرمنده از کار خود چنان انگشت خود را گاز می‌گیرد که کار به بیمارستان و پانسمان می‌کشد. زن اما وقعی به این انگشت پانسمان شده و چهره شرمنده مرد نگذاشته و بر گرفتن طلاق اصرار می‌کند. آن سال‌ها درآوردن حلقه چنین عقوبتی داشته است.

یک مطلب سیاسی هم درباره ژنرال دوگل کار شده و به این فکر افتادم که تنها دو سال قبل چرچیل و خروشچف و کندی و دوگل همزمان سکان امور چهار کشور بزرگ جهان را در دست داشتند. البته که کندی ترور شد و چرچیل هم سکته کرد و خروشچف هم برکنار شد. و بالاخره این که آقای غلامرضا دادخواه کارگر معدن در منطقه اصفهان به خاطر کشتن یک پلنگ به شش ماه حبس و پرداخت ۶۵۰ تومان جریمه محکوم شده است.

آشنائی بایك هنرمند ایرانی

ایران درودی و کارهایش

این هنرمند ایرانی مورد تحسین ژان کوکتو و محافل هنری غرب قرار گرفته است

سراسر دنیا تاکنون درباره درودی مقالاتی انتشار داده‌اند. درودی ازسال ۱۹۵۸ تاکنون درشهر های فلوریدا ، نیویورك، تهران ، بروکسل ، میلان نمایشگاههائی ازآثار خودترتیب داده و در چندین نمایشگاه دسته جمعی در سراسر دنیانیز شرکت کرده است .

وجه تمایز نقاشی درودی در اینست که از ابتذال گریزان

است بطور کلی نقاشی های [illegible]
ما را از ابتدائی که اغلب [illegible]
نقاشی آبستره و شاید بیش [illegible]
پیش در هنر های تصویری [illegible]
دوره دیده میشود دورمیساز[illegible]
این اظهار عقیده ژان کوکت[illegible]
درباره درودی است و اگر [illegible]
هنرتان اطاعات از نافرمانبردار[illegible]
میکنید شما را میپذیرم و [illegible]
ترین آرزو های قلبی خود [illegible]
برای موفقیتتان میفرستم.

مظنونین همیشگی

به عنوان یک پرسپولیسی حق دارم از آقای بیژن حیدری عصبانی باشم. دقیقه ۸۳ ایشان تصمیم گرفتند سرنوشت و روند بازی را عوض کنند. در یک موضع لیبرالی! بی‌توجیه! یک خطای غیرعمد و نه چندان سخت را با کارت قرمز جریمه کردند. نمی‌دانیم در اتاق وار چه گذشت. می‌دانم که این نگاه لیبرال مسلکانه همه چیز و همه کس را سال‌هاست که تسخیر کرده است و مسئولان و داوران و تصمیم گیرندگان آماده هستند تا با کمترین توجیهی بار مسئولیت را از شانه خود بردارند. اینجا هم بدون هیچ توجیهی با یک مستمسک به عنوان اجرای قانون با یک مستمسک به عنوان صدمه نزدن به بازیکن همه ماهیت فوتبال را همه آن خشونت جذاب را فدا کرده‌اند و حالا تیم وار و البته استاد بیژن حیدری روی خطایی که مشخص است مستوجب اخراج نیست این گونه تیم را ده نفره می‌کنند. آن هم با اخراج موثرترین بازیکن تیم. آقای حیدری دست بردارید. شما در اجرای قانون روح قانون را در نظر نمی‌گیرید و مثل یک ربات رفتار می‌کنید. داور یک بازی بزرگ نباید این گونه رفتار کند. شما داور خوبی نیستید. همان‌گونه که مسعود مرادی هم هرگز داور خوبی نبود. شیوه داوری شما دقیقا مشابه مرادی است.

اما نفر دوم پرونده میلاد محمدی است. او در کارهای دفاعی همه چیز را فراموش کرده. در هر سه گل او مقصر اول بود. میلاد سازنده گل دوم بازی بود اما در کار دفاعی اشتباهاتش فلج کننده هستند. و البته مروری کنیم بر استاد سعید مهری که در دقایق ۵۰ تا ۶۰ به اندازه موی سر پاس به عقب داد. آن هم در حالیکه در تمام آنها هیچ کس مزاحم او نبود. این همه ترس در پای یک هافبک آن هم هافبک وسط غیرقابل تحمل است.

پرسپولیس دیروز تیم خوبی بود. آنها مستحق باخت نبودند.

سایت‌نگار

هیاهوی تاسیان، تب ولنتاین، ترانه‌های بانوان

محمدصادق افراسیابی، معاون کاربران و تنظیم‌گری اجتماعی ساترا در گفت‌وگو با ایران آنلاین در واکنش به حواشی پیش‌آمده برای سریال تاسیان عنوان کرد: عصر امروز جلسه‌ای در همین رابطه با حضور مسئولان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار خواهدشد و متعاقبا خروجی جلسه اطلاع‌رسانی می‌شود.

بر اساس این گزارش، روز جمعه اولین قسمت از سریال تاسیان به کارگردانی تینا پاکروان از پلتفرم نماوا پخش شد. سریالی که پس از خاتون، بار دیگر مخاطب را به یک برهه از تاریخ معاصر ایران می‌برد تا روایت یک عاشقانه پر از التهاب را آغاز کند. پس از پخش همان قسمت اول ستاد امر به معروف و نهی از منکر کشور از مدیران ساترا و عوامل پلتفرم فیلیمو شکایت کرد.

حجت‌الاسلام یاسر خلیلی، مدیرکل حقوقی ستاد امر به معروف و نهی از منکر کشور درباره علت شکایت از مدیران ساترا عنوان کرد: متاسفانه مدیران ساترا به فیلمی اجازه پخش داده‌اند که به صورت مشخص موضوع حیا و عفت در جامعه را هدف قرار داده است. در سریالی به نام تاسیان رقص مختلط و بوسه و بغل و بدون پوشش بودن، نمایش داده شده است.

با طرح شکایت رسمی ستاد امربه معروف از مدیران ساترا و عوامل فیلیمو به‌زودی پاسخ آنها را در جلسه دادگاه و حین محاکمه خواهیم داد.

بخشی از یادداشت خواندنی محمد هادی جعفرپور در خبر آنلاین:

از محکمه که خارج شدم چشم‌انتظار رسیدن تاکسی بودم که بگومگوی دختر نوجوانی که با پابند به نیمکت سیاه ایستگاه اتوبوس قفل شده بود! با مامور بدرقه‌اش توجه‌ام را جلب کرد. آن‌سوتر سرباز جوانی حین گزارش به مافوق خویش می‌گفت؛ بازپرس دستور داد تا متهم ۲۴ ساعت تحت نظر باشد، متهم حاضر نیست هزینه تاکسی را پرداخت کند، منم پول ندارم! اتیکت سرباز را که خواندم متوجه شدم، مسیرشان با من یکی است لذا با ایما و اشاره به سرباز فهماندم که می‌تواند با من همراه شود.

تاکسی که رسید تازه متوجه شدم، منظور سرباز از متهم، همان دختر نوجوانی است که به ایستگاه اتوبوس قفل شده بود!

روی پوشه سبز و سفید کلانتری با خط درشت و رنگ قرمز نوشته شده بود:

در کمتر از چند دقیقه گپ و گفت با مامور بدرقه متوجه شدم مصداق این اتهام برای دختر نوجوان رقصیدن و انتشار فیلم رقص در پلتفرم اینستاگرام تعریف شده! و علت آن از زبان دختر، رفتاری است که در فضای مجازی با عنوان چالش از آن یاد می‌شود.

دختر با همکلاسی‌هایش قرار می‌گذارند، چند دقیقه از رقصیدن خویش را منتشر کنند و دست بر قضا مدیر مدرسه فیلم را دیده و با گزارشی مفصل بچه‌ها را به دادسرا معرفی کرده! همینطور که سرگرم صحبت بودیم، یکدفعه دختر با لحنی اعتراضی گفت: می‌دونی چیه؟ من و همکلاسی‌هام هر روز از اینجا رد می‌شیم و مطمئن هستم مدیر مدرسه یا آن آقای قاضی هم حتما یکبار از اینجا رد شده...و در ادامه با انگشت اشاره‌اش به نقطه‌ای اشاره کرد، امای بلندی گفت و سکوت کرد.

دختر نقطه‌ای از شهر را نشان داد که زنان و دخترانی حضور دارند که ساعت‌ها در کنار خیابان به انتظار ایستاده‌اند تا پس از توافق بر قیمت برای رفع نیاز یا عیش و نوشِ مشتری، راهی کار شوند!

به‌راستی کدامیک در انجام وظیفه کوتاهی می‌کنند؟

گشتی‌های کلانتری که بی‌تفاوت از کنار این جماعت می‌گذرند یا خانم مدیری که با دیدن رقص دختران به عوض انجام وظیفه خویش در مقام مدیر مدرسه، خودش را ضابط دادگستری دیده و دختران را به دادسرا معرفی کرده ؟!

علاوه بر مامور کلانتری و خانم مدیر، انسان‌های بسیاری اعم از مسئولان حکومتی تا کسبه و...در طول شبانه‌روز به کرات شاهد و ناظر صحنه چانه‌زنی کارگران جنسی هستند با خودروهایی که در صف ایستاده‌اند تا شریک جنسی خویش را برگزیده و ساعاتی از روز را با وی سر کنند! و هیچ یک به این موضوع فکر نمی‌کنند که ممکن است در طول شبانه‌روز دختر و ناموس خودشان شاهد چنین تصویری باشند و دیدن چنین صحنه‌ای، چه تبعاتی به همراه دارد.

بخشی از متنی که عبدالجواد موسوی درباره جشنواره نوشته است: امسال اگر فی‌المثل منوچهر شاهسواری همت نمی‌کرد و مسئولیت جشنواره را به عهده نمی‌گرفت و هیئت داوران نسبتا آبرومندی را تدارک نمی‌دید و همین چند فیلم توقیفی را به نمایش در نمی‌آورد و در افتتاحیه و اختتامیه کمی جسارت به خرج نمی‌داد، بازهم کسی دل و دماغ آمدن به جشنواره را نداشت. احتمالا همه آنهایی که در چند سال گذشته شعار می‌دادند که جشنواره فجر بار دیگر به بچه‌های انقلاب برگشت، از همین مقدار فضای متفاوت جشنواره سخت شاکی‌اند و هر طور هست می‌خواهند بگذرد این روزگار تلخ‌تر از زهر و بار دگر روزگار چون شکر آید. بله، آنها دمی از پا نخواهند نشست و تا جان در بدن دارند در تخریب این نحوه مدیریت سینما و دست اندرکاران این جشنواره خواهند کوشید. با آنها فعلا کاری ندارم که اقتضای طبیعتشان این است، اما من اگر جای مسئولان و نهادهای حاکمیتی بودم به دست و پای منوچهر شاهسواری و دوستانش می‌افتادم تا باردیگر از حیثیت و آبروی خود مایه بگذارند و حال و روز سینما را دگرگون کنند. آنها می‌توانند اما مشکل فقط در قبول و رد شاهسواری و دوستان او برای پذیرفتن مسئولیت نیست. بی‌تعارف بگویم. دیر شده است. یک نکته دیگر بگویم و تمام: آنهایی که جلوی اکران فیلم «قاتل و وحشی» را گرفتند، خوب می‌دانستند چه می‌کنند. آنها علاوه بر تنبیه همه آن دوهزار نفری که سه ساعت و ۱۰ دقیقه پای فیلم «پیر پسر» نشستند، خواستند به همه اهالی و علاقه‌مندان سینما حالی کنند که وزارت ارشاد و سازمان سینمایی خیلی هم کاره‌ای نیست و هنوز هم صاحب جشنواره و سینما کسان دیگری هستند. این نزاع بین ازمابهتران و اهالی فرهنگ و هنر بعد از این شدیدتر و شدیدتر خواهد شد تا ببینیم سرانجام چه‌ها خواهد شد.

راهکارهای پلیس فتا برای شهروندانی که می‌خواهند طلاهایشان از چنگ سارقان مجهز به طلایاب در امان بماند: سکه‌ها و شمش‌های طلای خود را در ظرفی قرار دهید که با موادی پوشانده شده است که سیگنال‌های فلزی را مسدود یا به هم می‌زند. به عنوان مثال، می‌توانید از یک ظرف پلاستیکی که با مواد مسدودکننده فلز پوشانده شده است، یا یک ظرف ساخته شده از مواد غیر فلزی مانند چوب یا سرامیک استفاده کنید.

گزینه دیگر این است که طلای خود را در یک ظرف پر از اشیاء فلزی دیگر ذخیره کنید. این کار تداخلی ایجاد می‌کند که تشخیص دقیق محل طلا را برای فلزیاب دشوار می‌کند. به عنوان مثال، می‌توانید سکه‌ها و شمش‌های طلای خود را در ظرفی پر از میخ، سکه یا سایر اشیاء فلزی قرار دهید.

علاوه بر مخفی کردن طلاهای خود و استفاده از ظروفی که سیگنال‌های فلزی را مسدود می‌کنند یا به هم می‌ریزند، همچنین مهم است که طلای خود را در مکانی نگهداری کنید که به راحتی در دسترس دزد نباشد. به عنوان مثال، می‌توانید طلای خود را در مکان‌های غیرقابل دسترس، مانند قفسه‌های بلند یا گنجه‌ای که اغلب استفاده نمی‌شود، قرار دهید.

نوشین پاسدار عضو شورای سیاستگذاری چهلمین جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر در تشریح جزئیات این دوره از جشنواره ضمن اشاره به حذف بخش موسیقی رپ در جشنواره گفت:

بانوان به‌رغم محدودیت‌ها، نقش قابل توجهی در رویدادهای موسیقایی دارند و بسیار قوی و با کیفیت آثارشان را اجرا می‌کنند. امسال نیز تعداد بانوان در جشنواره موسیقی فجر نسبت به سال گذشته افزایش ۴۰ درصدی داشته و ۱۲ کنسرت ویژه بانوان در گونه‌های مختلف موسیقی طی دو سانس در فرهنگسرای نیاوران برگزار می‌شود.

این آهنگساز و نوازنده عود گفت: وجود محدودیت‌ها برای حضور بانوان در حوزه موسیقی، توسط هنرمندان فعال و مسئولان مربوطه در این حوزه انجام نمی‌شود، محدویت‌های موسیقی بانوان به موضوع‌هایی مرتبط است که شریعت و فقه نیز در این باره نظرهای صریحی ارائه نکرده و متاسفانه شاید به طور جدی به آن پرداخته نشده است، محدودیت‌هایی در حوزه موسیقی بانوان هست اما بانوان سعی می‌کنند تا جایی که برای آنان امکان داشته باشد در رویدادهای موسیقایی حضور پیدا کنند.

علی مطهری درباره قسمت نخست سریال تاسیان در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: آنچه در قسمت اول سریال خانگی تاسیان مشاهده شد نشان می‌دهد که مسئولان ساترا و صداوسیما و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی کمر همت بسته‌اند برای اینکه به تدریج رقص مختلط و مانند آن را عادی جلوه دهند و بخشی از مسئولیت تهاجم فرهنگی را به عهده بگیرند. باید به آنها گفت طیّب الله!

مصباحی مقدم رئیس شورای فقهی بانک مرکزی گفت: تمام بانک‌های ما یک ناظر شرعی دارند؛ به عبارتی به تعداد بانک‌ها ناظر شرعی داریم.

این مقام مسئول در خصوص وظیفه ناظران شرعی در بانک‌ها اظهار کرد: وظیفه ناظران شرعی در بانک‌ها این است که با حضور در هر بانک نظارت کنند بر آنچه که قانون عملیات بانکی بدون ربا مشخص کرده است به دقت پیاده شود.

رئیس شورای فقهی بانک مرکزی در ادامه افزود: همچنین این ناظران شرعی نظارت می‌کنند تا مصوبات شورای فقهی به دقت اجرایی شود و اگر طرح‌هایی را خود بانک‌ها می‌خواهند اجرا کنند این طرح‌ها با مصوبات شورای فقهی منطبق باشد و اگر جای تردیدی داشته باشند طرح ارجاع می‌شود تا بیشتر بررسی شود.

گزارش ایسنا از تب پنهان ولنتاین زیر پوست تهران: عبور و مرور خرس‌های صورتی و قرمز دو یا سه متری در خیابان‌ها بر کمتر کسی پنهان مانده است. عروسک‌هایی که بالای ۲ میلیون تومان قیمت دارند و بعضا تا ۱۰ میلیون تومان هم به فروش می‌رسند. این عروسک‌ها ممکن است در صندوق‌عقب پرایدی جا خوش کرده باشند یا با لندکروز جابجا شوند؛ و این امر، ولنتاین را تبدیل به تنها نقطه اتصالی خواهد کرد که شکاف طبقاتی معنایش را از دست بدهد، حتی با اجناس قسطی یا دست‌دوم!

پیشتر تصویری از یک خرس ۴۴ میلیونی در فضای مجازی دست به دست می‌شد که با استفاده از رزهای قرمز هلندی ساخته شده بود. هرچند بررسی‌های قیمت ۳۶۰ نشان داد که این قیمت مربوط به سال ۱۴۰۰ است و قیمت فعلی آن ممکن است حتی ۱۰۰ میلیون تومان را هم رد کرده باشد!

عروسک را ارزان‌تر از این هم می‌فروشند. مثلا با ۷ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان می‌توان صاحب خرس دو و نیم متری ولنتاین شد. رقمی که دقیقا برابر با پایه حقوق یک ماه وزارت کار است.

با وجود این، به نظر می‌سد که قصه ولنتاین کاری به جیب مردم ندارد و هر ساله از اوایل بهمن‌ماه شاهد قرمز شدن مغازه‌های سطح شهر با انواع و اقسام خرس و شکلات‌های مخصوص ولنتاین هستیم. ماجرایی که پای خود را به فضای مجازی هم کشانده و کار را به فروش کادوی ولنتاین دست‌دوم رسانده است!

بازاریابی ولنتاین تا آنجا پیش رفته که پلتفرم‌های آنلاین را نیز بدل به محفلی برای خرید و فروش خرس و شمع دست دوم کرده است. مسئله‌ای که هدیه گرفتن در این روز را هم تجاری کرده است. هدایای سال پیش خود را بفروشید و سود کنید!

قیمت ۳۶۰ با بررسی پلتفرم‌های آنلاین به آگهی‌های فروش هدایای ولنتاین دست‌دوم رسید که در آن خرس یک متری ویژه ولنتاین با عنوان «در حد نو» به قیمت یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان برای فروش گذاشته شده بود.

از این قبیل آگهی‌ها کم نیست. حتی برای خرید باکس قرمز رنگ هم می‌توان خریدی «در حد نو» داشت و بجای ۴۰۰ هزار تومان، نیمی از مبلغ را پرداخت کرد. فروشنده نیز ضمانت می‌دهد که جعبه را بدون خط و خش به دستتان برساند تا کار کرده بودن جنس مشخص نشود! یکی از این آگهی‌ها، خرس دو متری مناسب ولنتاین را به دلیل کارکرده بودن، زیر قیمت بازار به فروش گذاشته است، ۵ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان ناقابل.

فروش عروسک‌های دست‌دوم به جایی رسیده است که دیگر نه خرس بودن آن مهم است نه قرمز بودن؛ شخصی عروسک پولیشی فیل خاکستری رنگی را با تگ «ولنتاین» برای فروش گذاشته بود. برای خرید این عروسک دست دوم که ربطی هم به ولنتاین ندارد، ۶۰۰ هزار تومان درخواست شده است.

در روزهای مانده به ولنتاین، هر اتفاق عجیبی ممکن است، حتی فروش سنگ قبر مخصوص ولنتاین!

در تبلیغ این سنگ قبر به افرادی که شریک زندگی خود را از دست داده‌اند، پیشنهاد شده است تا به مناسبت ولنتاین سنگ قبر بخرند!

قیمت سنگ قبر ولنتاین با نصب رایگان، ناقابل ۸۷۰ میلیون تومان اعلام شده است.

خوراکی‌های جنجالی در قلمرو توییتر فارسی
صفحه ۰۶

حرف‌های داغ هفته

مریلا زارعی

حس ما در نقش‌مان و روی پرده دیده می‌شود و اگر شما به عنوان تماشاگر حس خوبی از فیلم «موسی کلیم‌الله» دریافت کردید، بنابراین ما هم حس خوبی داریم. وظیفه سنگینی بر دوش داشتم و همه تلاشم را کردم که بهترین بازی را داشته باشم که امیدوارم موفق بوده باشم.
افتخار می‌کنم که توانستم نقش یک مادر دیگر را بازی کنم و لباس مادری بر تن کنم. اینکه شما بتوانید نقش زنان تأثیرگذار را چه مثبت و چه منفی، پیدا و خودتان را در آن وقف کنید، بسیار کم پیش می‌آید. خدا را شکر می‌کنم که این توفیق را به من داد و این نقش نصیب من شد.

تسنیم
۱۹ بهمن

نوید پورفرج

«گوزن‌های اتوبان» تجربه‌ای چالش‌برانگیز و ارزشمند محسوب می‌شد. در روند آماده‌سازی برای این نقش، تحقیقات میدانی گسترده‌ای انجام دادم. مدتی در کنار پیک‌های موتوری زندگی کردم و تقریباً در تمام این مدت سوار موتور بودم. این تجربه چنان در من تأثیر گذاشت که حتی در خیابان‌ها دیگر صدای ماشین‌ها را نمی‌شنیدم و تنها صدای موتور در گوشم می‌پیچید. علاوه بر این، روی فیزیک بدنم نیز کار کردم تا بتوانم هرچه بهتر در قالب شخصیت فرو بروم. صحنه‌های بسیاری از موتورسواری ضبط شد که برخی از آن‌ها در نسخه نهایی مورد استفاده قرار نگرفتند. حتی در یکی از صحنه‌ها، در سرعت بالا موتور سر خورد اما خوشبختانه آسیب جدی ندیدم.

جشنواره فجر
۲۱ بهمن

مینا وحید

اینکه بگوییم سینما در پرداختن به مسائل زنان به‌طور کامل موفق بوده، جای بحث دارد. فیلم‌های جدید بیشتر به مسائل مربوط به حقوق زنان پرداخته‌اند اما در نهایت سینما تا جایی می‌تواند درباره این موضوعات صحبت کند که محدودیت‌ها و ممیزی‌ها اجازه بدهند. خیلی از دغدغه‌های زنان، به قوانینی مربوط می‌شود که برای ما وضع شده‌اند؛ مسائلی مانند طلاق، حضانت فرزند و.... اینها موضوعاتی هستند که باید درباره‌شان در سینما صحبت شود اما اگر این صحبت‌ها به‌نوعی به قوانین شرعی و دینی مرتبط شوند، پرداختن به آنها با محدودیت‌هایی همراه خواهد بود. به همین دلیل، پرداختن به حقوق زنان در سینما تنها تا حد مشخصی ممکن است.

جشنواره فجر
۲۱ بهمن

ساناز سعیدی
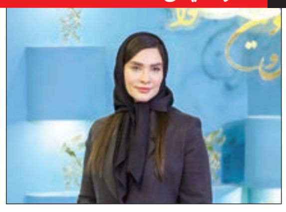

نقش فرحناز رسولی در فیلم «پیشمرگ» که به‌عنوان همسر شهید قهاری به تصویر کشیده شد، از جنبه‌های دراماتیک و عاطفی بسیار حائز اهمیت بود. زندگی این شخصیت، همراه با مقاطع سخت و چالش‌های متعددی که با آنها روبه‌رو بوده، به‌خوبی می‌توانست در قالب داستانی عمیق‌تر روایت شود. اگر به این نقش بیشتر پرداخته می‌شد، می‌توانست اثری ماندگارتر و به‌یادماندنی‌تر خلق شود. این کمبود از همان روزهای نخست مطالعه فیلمنامه مشهود بود. البته، در روند تولید یک فیلم، تصمیم‌گیری‌های گروهی و دیدگاه‌های کارگردان و نویسنده تأثیر بسزایی دارند. هرچند این موضوع باعث دلخوری نیست اما می‌توان گفت نقش همسران شهدا همچنان جای کار بیشتری در سینمای ایران دارد.

جشنواره فجر
۲۰ بهمن

کریستف رضاعی

آهنگسازی «زیبا صدایم کن» چالش‌برانگیز بود، چون رسول صدرعاملی بسیار روی موسیقی فیلم حساس است. تا بتوانم تم را پیدا کنم زمانی طول کشید. به نظرم آنقدر داستان قوی است که غرق آن می‌شویم و این موضوع کار مرا راحت‌تر کرد. از ابتدا می‌دانستم باید به سمت موسیقی ظریف از منظر سازی بروم. جوانان در زمینه موسیقی فیلم بسیار با استعدادند. در زمینه موسیقی متن، مشکلات فنی زیادی داریم. در جهان معمولا موسیقی با دیالوگ و افکت‌ها هماهنگ است، اما در ایران هنوز مشکلاتی در میکس موسیقی داریم و این ممکن است باعث شود که موسیقی در فیلم کمتر شنیده شود. موسیقی «زیبا صدایم کن» نیز می‌توانست بهتر باشد.

جشنواره فجر
۱۹ بهمن

چهره هفته | میناسادانی

هدیه نفیس آبان

سال ۸۷ در همین حوالی بود که نام یک بازیگر به واسطه حضور در فیلم «عیار ۱۴» سر زبان‌ها افتاده بود. مینا ساداتی اگرچه قبل‌تر تجربیاتی از حضور مقابل دوربین داشت اما بعد از اکران فیلم پرویز شهبازی در جشنواره فجر بود که توجهات به سمت او جلب شد. این بازیگر در ادامه تلاش کرد با انتخاب‌های مناسب و پرهیز از هیاهو مسیر را به درستی طی کند. گاه اما بخت یار نبوده و مثلا سریال «آمستردام» از ادامه بازماند تا فرصتی برای عرض اندام ساداتی فراهم نشود. یا «هفت» این امکان را داشت تا او را چند گام بالاتر ببرد ولی کیفیت منفی سریال روی عملکرد خوب بازیگر هم سایه افکند. مینا ساداتی سال پیش مزد تلاش خود در شبکه خانگی را با نقشی متفاوت در سریال «دفتر یادداشت» گرفت. حالا نیز او را در قامت شخصیت مرموز هدیه در سریال «آبان» می‌بینیم که همزمان با رونمایی از کاراکتر تحسین‌ها به سمت بازیگر سرازیر شد. هدیه با یک مرد قرار عاشقانه گذاشته که البته نقطه اتصال اصلی آنها یک سرقت چند میلیاردی است. ساداتی آنقدر تبحر و تجربه دارد که توانسته نقش را از کلیشه عبور دهد و اتفاق مهم دیگری در کارنامه‌اش به ثبت برساند. همچنان می‌توان منتظر غافلگیری‌های ساداتی با کاراکتر هدیه در سریال «آبان» ماند.

این فیلم‌ها را ببینید

عطرآلود / وقتی داری می‌میری!

- کارگردان: هادی مقدم‌دوست
- تهیه‌کننده: یوسف منصوری
- نویسنده: حسین حسنی
- بازیگران: مصطفی زمانی، هدی زین‌العابدین
- محصول: ایران / ۱۴۰۱

«داری می‌میری و هنوز خری!» این یکی از اصلی‌ترین دیالوگ‌های کاراکتر اصلی فیلم «عطرآلود» است. جوانی مستعد در عرصه عطرسازی که حالا به او خبر داده‌اند زمان اندکی از زندگی‌اش باقی مانده و او باید بخشی از رویاهایی که به دنبال‌شان بوده است را محقق کند. مصطفی زمانی در یکی از موفق‌ترین تجربه‌های بازیگری خود، ایفای نقش اصلی این فیلم را برعهده داشته و نقش مقابل او را هم هدی زین‌العابدین ایفا می‌کند. هادی مقدم‌دوست پیش‌تر فیلم «سر به مهر» و «هیهات» را کارگردانی کرده بود و «عطرآلود» سومین تجربه سینمایی اوست.

آریاشهر دو نفر / یک فانتزی کودکانه

- کارگردان: حمید بهرامیان
- تهیه‌کننده: آذر معماریان
- نویسنده: حمید بهرامیان
- بازیگران: محسن کیایی، مهران احمدی، پانته‌آ پناهی‌ها، علی اوجی، هومن حاجی‌عبداللهی
- محصول: ایران / ۱۴۰۲

هرچند حضور فیلم‌های کمدی در جشنواره فجر به‌رغم تعداد بالا، اتفاق ویژه‌ای را برای این آثار رقم نزد اما همچنان در اکران عمومی این آثار حرف اول را در جذب مخاطبان به سینما می‌زنند. فیلم تازه حمید بهرامیان یکی از کمدی‌های تازه‌نفس در اکران است. ماجرای «آریاشهر دو نفر» درباره یک کیف دلار مرموز است که به‌طور تصادفی وارد زندگی دو شخصیت اصلی می‌شود و آن‌ها را درگیر ماجراهای خنده‌دار و غیرمنتظره‌ای می‌کند. این کیف به‌جای حل مشکلات، چالش‌های تازه‌ای را به وجود می‌آورد که نه‌تنها زندگی آنها، بلکه روابط‌شان با دیگران را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

ساعت جادویی / سفر به تاریخ

- کارگردان: محمدعلی بصیری
- تهیه‌کننده: محمدمهدی نخعی‌راد
- نویسنده: محمدعلی بصیری
- محصول: ایران / ۱۳۹۹

خالقان این انیمیشن معتقدند این فیلمی است که می‌تواند با مخاطبان ۹ تا ۱۵ سال ارتباط برقرار کند. داستان انیمیشن «ساعت جادویی» از جایی آغاز می‌شود که یک پسربچه به واسطه هدیه‌ای که از پدربزرگ خود دریافت می‌کند، موفق به سفر در زمان می‌شود و به دوران کودکی مادربزرگ خود می‌رود.
در این سفر، این پسربچه شغل خانوادگی خودشان یعنی نمدمالی را از نزدیک می‌بیند که در گذشته رونق بسیاری داشته است.
این سفر در زمان مصادف با قیام گوهرشاد می‌شود و اشاره‌هایی به فرهنگ پوشش در آن زمان هم می‌شود.

پیشنهاد ویژه هفته

سریال تلماسه: پیشگویی

نمای کلی

- کارگردان:
آنا فورستر، جان کامرون
- نویسنده:
کور آدانا، جردن گلدبرگ
- تهیه‌کننده:
برایان اچ. کارول
- بازیگران:
امیلی واتسون، اولیویا ویلیامز، تراویس فیمل، جودی می، مارک استرانگ، سارا سوفی بوسنینا
- محصول:
آمریکا / ۲۰۲۴
- زبان:
انگلیسی / زیرنویس و دوبله
- زمان:
۶۰ دقیقه

درباره سریال

«تلماسه: پیشگویی» یک سریال علمی-تخیلی آمریکایی است که الیسن شپِکر و دایان ادمیوجان برای شبکه اچ‌بی‌او خلق کرده‌اند؛ دو نویسنده و تهیه‌کننده‌ای که دومی سریال‌های مطرحی چون «نام مستعار»، «فرینج» و «کربن تغییریافته» را در کارنامه دارد. سریال «تلماسه: پیشگویی» که ماجراهایش در جهان داستانی تلماسه روی می‌دهد، بر خاستگاه انجمنی با نام «بنی جیسیرت» تمرکز دارد؛ یک نیروی مقتدر اجتماعی، مذهبی و سیاسی که اعضایش قدرت‌های فرابشری دارند و توانایی‌های آن‌ها به‌واسطه سال‌ها ممارست جسمی و روحی به دست آمده است. از این رو، سریال «تلماسه: پیشگویی» سرآغازی بر فیلم سال ۲۰۲۱ تلماسه اثر دُنی ویلنوو به شمار می‌رود و از نیمه اول رمان سال ۱۹۶۵ فرانک هربرت اقتباس شده است. فیلمبرداری سریال تلماسه: پیشگویی قرار بود از دوم نوامبر ۲۰۲۰ در بوداپست و اردن شروع شود اما این امر با تاخیری ۲۰ روزه همراه شد. سریال در نهایت با عنوان موقت تلماسه: انجمن خواهران جلوی دوربین رفت. بیشتر منتقدان نظر مثبتی درباره فصل اول این سریال شش قسمتی دارند.

درباره داستان

اگر اهل تماشای فیلم‌های آخرالزمانی و تخیلی هستید، حتما فیلم «تلماسه» را می‌شناسید و دو نسخه سینمایی آن را دنبال کرده‌اید و در جریان فضای کلی آن هستید. داستان سریال «تلماسه: پیشگویی» را اینطور می‌شود تعریف کرد؛ بیش از ۱۰ هزار سال قبل از تولد و معراج پل اتریدیز، خواهران والیا و تولا هارکونن به انجمن بنی جیسیرت ملحق می‌شوند تا به عنوان حقیقت‌خوان تعلیم ببینند و به خاندان‌های بزرگ امپراتوری خدمت کنند. وقتی مادر ارشد راکوئلا برتو-آنیرول پس از ترسیم ذهنی بدنی سوزان می‌میرد، والیا از «صدا» (وویس) استفاده می‌کند تا دوروتیا، نوه و جانشین راکوئلا (پیش از این که بتواند برنامه تولید مثل انجمن خواهران را از بین ببرد) خودش را بکشد. ۳۰ سال بعد والیا که حالا مادر ارشد شده، ترتیب ازدواج شاهدخت اینز، دختر امپراتور جاویکو کورینو را با پرووِت ریچیز ۹ ساله می‌دهد تا نسل‌های بعدی امپراتوری طبق برنامه شکل بگیرند. در این بین، جاویکو هم کنترل سیاره بیابانی آراکیس و ماده ارزشمند اسپایس را به دست می‌آورد.

واکنش منتقدان

انترتینمنت ویکلی در نقدی روی این سریال نوشت: «فقط چهار قسمت اول این سریال در زمان نگارش این نقد در دسترس بود و بر این اساس مشخص نیست که تلماسه: پیشگویی در نهایت می‌تواند پایان درست و موثری بر اسرار پرشماری داشته باشد که تا اینجا با موفقیت آن‌ها را ساخته و پرداخته است یا نه؛ با وجود این و فارغ از اینکه چه کسی جان سالم به‌در می‌برد یک امر قطعی به نظر می‌رسد: این سریال یورشی مقتدرانه به قلمروهای دوردست در جهان داستانی تلماسه است.» منتقد تلگراف هم معتقد است: «شکی نیست که تماشای سفینه‌های فضایی نامتقارن و لباس‌های خاص هیات‌های حاکم بر جغرافیای این فرنچایز زیبا است اما تلماسه: پیشگویی سریالی است که روی پای خودش می‌ایستد و حتی اگر با منبع اقتباس آن چندان آشنا نباشید می‌توانید از آن لذت ببرید.» ورایتی اما نوشت: «این سریال از هیچ منظری یک ضیافت به‌شمار نمی‌رود اما می‌تواند تماشاگران مهربان و علاقه‌مند به این جهان داستانی را راضی کند.»

عکس هفته

ناامیدمان نکن جناب شهیدی‌فرد

محمدرضا شهیدی‌فرد مجری و برنامه‌ساز شاخص تلویزیون است که هنوز عملکرد ویژه‌اش در حافظه‌ها باقی مانده. از «مردم ایران سلام» که باعث تحول در برنامه‌سازی صبحگاهی سیما شد تا نقشی بسزا که در افزایش کیفیت «خندوانه» در مقام مشاور داشت. او بارها مجری جشنواره‌های سینمایی بوده و آداب مدیریت این رویدادها را می‌داند. همین سابقه باعث شد دلخوش به یک اجرای متفاوت از سوی او در آیین پایانی چهل و سومین جشنواره فیلم فجر باشیم. شهیدی‌فرد اما نمره قبولی نگرفت و داد همه را درآورد. تلاش او برای بازمزه بودن جواب نداد و بدتر اینکه بارها دچار گاف شد. شهیدی‌فرد همچنین بیش از اندازه هوای «موسی کلیم‌الله» را داشت و این شائبه شکل گرفت که گویی زبان صدا و سیما برای تبلیغ محصول جدید این سازمان شده است. مثلا چند بار از تهیه‌کننده خواست که زودتر فیلم اکران شود... شهیدی‌فرد همچنین گرفتار مطول‌گویی شد و به ریتم اختتامیه لطمه زد.

ترین‌های هفته

عملکرد هفته | شکست به سبک شبکه نمایش
تلویزیون تصمیم گرفت مراسم اختتامیه جشنواره چهل و سوم فیلم فجر را به شکل زنده پخش کند. ایراد اول جایی به چشم آمد که حمید ترابیان (مجری) آداب مواجهه با مراسم را بلند نبود. شبکه نمایش همچنین از یک کارشناس مطرح و مسلط دعوت نکرد. فاجعه مهمتر مربوط است به قطع پخش زنده؛ اتفاقی که با ادعای تلویزیونی‌ها مبنی بر پیشرفت‌های فنی جور در نمی‌آید. بدتر اینکه در فاصله قطع پخش زنده، شبکه نمایش آیتم‌های مرتبط با جشنواره در اختیار نداشت و سراغ پخش سرود می‌رفت. عدم پخش اجرای زندوکیلی هم اعتراضات را به اوج رساند.

ذوق‌زدگی هفته | صدا و سیما روابط عمومی ندارد؟
مدیریت کنونی تلویزیون که با شعار تحول کارشان را ادامه می‌دهند، حسابی ویژه روی سریال «پایتخت» باز کرده‌اند. خود می‌دانید که این سریال محصول مدیریت اسبق سیما است اما مسئولان فعلی با ساخت فصل هفتم آن و طی یک عملیات رسانه‌ای می‌خواهند بخشی از فشارها مبنی بر عملکرد ضعیف خود را جبران کنند. مسئله دیگر اینکه اطلاع‌رسانی درباره زمان دقیق پخش «پایتخت ۷» نه توسط روابط عمومی صدا و سیما که توسط شخص رئیس سازمان انجام شده! پیمان جبلی روز گذشته در جمع خبرنگاران گفته: «با پایان لیالی قدر سریال پایتخت ۷ پخش می‌شود.»

بازار خودرو

سبقت موتورهای بی‌صدا از یکدیگر؛ ژرمن‌ها در صدر جدول

بررسی ۶ خودروی برقی برتر ۲۰۲۵

متین شیری | امروز دیگر نمی‌توان کسی را یافت که اسم خودروی برقی را نشنیده باشد؛ شاید به دلیل نبود زیرساخت‌های کافی و مناسب یا قیمت بالا و عرضه کم این خودروها در ایران ما خودروهای برقی را زیاد نبینیم اما فارغ از علاقه و تمایل عاشقان خودرو به صدا و غرش موتورهای بنزینی و دیزلی، باید پذیرفت که آینده و حتی حال صنعت حمل و نقل و خودروسازی جهان به معنی خودروی برقی است. این تغییر رویه عظیم و بزرگ بسیاری از معادلات را نه‌تنها در صنعت خودروسازی بلکه در تمام عرصه‌های جهان تغییر داده است که از مشهودترین این تغییرها می‌توان به تبدیل شدن چین به قطب جدید و ابرقدرت خودروسازی جهان و همچنین حذف، ادغام یا حتی تشکیل اتحادهای گوناگون تعدادی از باسابقه‌ترین خودروسازان جهان برای بقا اشاره کرد. در پرونده امروز به بررسی ۶ خودروی برتر سال ۲۰۲۵ که تا این لحظه تولید شده‌اند، با معیار نسبت قیمت به میزان کارایی و امکانات خودرو پرداخته‌ایم.

۱ فولکس‌واگن ID.۲ یک ژرمن مردمی | قیمت پایه: ۲۵هزار دلار - (۲ میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان)

فولکس‌واگن ID.۲، این آلمانی جذاب که از دیار نازی‌ها آمده، یک هاچ‌بک برقی با ترکیبی فوق‌العاده از کارایی و قیمت است. موتور بی‌سروصدای این نازی نسل جدید در اوج سکوت و با تغذیه از یک پک‌باتری ۵۷ کیلووات‌ساعتی با متریال جدید لیتیوم-یون فسفات به راحتی ۱۳۵ کیلووات توان معادل ۱۸۱ اسب‌بخار را تولید می‌کند تا شما با آرامش و آسایش هرچه بیشتر وبدون نیاز به هیچ‌گونه توقفی از نقطه مبدا به مقصد دلخواه خود بروید؛ اما بدون توقف پیمودن این مسیر تنها یک شرط دارد و آن هم این است که فاصله مبدا تا مقصد شما بیش‌از ۴۵۰ کیلومتر نباشد. این آلمانی جذاب و مردمی به راحتی نیازهای روزانه شما را با امکانات خود پوشش می‌دهد. نمایشگر مرکزی ۱۲ اینچی، سیستم ترمز احیاکننده و کروز کنترل تطبیقی از جمله ویژگی‌های پیشرفته‌ای هستند که تجربه رانندگی راحت و هوشمندانه را به ارمغان می‌آورند. ID.۲ بهترین عملکرد را نسبت به قیمت خود در میان رقبایش دارد.

۲ بی‌وای‌دی اتو ۲، محصولی از امپراتور برقی‌ها | قیمت پایه: ۲۵هزار دلار – (۲میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان)

با برقی شدن خودروها، بدون شک باید گفت اگر همین وضعیت ادامه داشته باشد، شرکت عظیم چینی بی‌وای‌دی در آینده همانند چندسال اخیر عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده خودرو برقی در جهان را نصیب خود خواهد کرد و به بیان ساده‌تر جایگاه بی‌وای‌دی را می‌توان همانند تویوتا در دهه‌ای که گذشت بدانیم. بی‌وای‌دی اتو ۲، یک خودروی برقی با طراحی مدرن و ویژگی‌های پیشرفته، گزینه‌ای جذاب برای علاقه‌مندان به خودروهای برقی است. با توان ۱۵۰ کیلووات (۲۰۱ اسب‌بخار) و برد پیمایش ۴۰۶ کیلومتر، این خودرو پاسخگوی نیازهای رانندگی طولانی‌مدت بوده و قدرت کافی برای سفرهای شهری و جاده‌ای را ارائه می‌دهد. باتری لیتیوم-فوسفات (LFP) با ظرفیت ۶۳ کیلووات‌ساعت و امکان شارژ سریع DC، فرآیند شارژ را به یک تجربه سریع و کارآمد تبدیل کرده است. سیستم اطلاعات و سرگرمی پیشرفته و سیستم‌های کمک‌راننده و ایمنی، تجربه رانندگی را به یک سطح جدید ارتقا می‌دهد. این خودرو با نسبت قیمت به عملکرد عالی، یک انتخاب هوشمندانه برای افرادی است که به دنبال تکنولوژی و عملکرد بی‌نقص هستند.

۳ رنو ۵ برقی، بازگشت یک اسطوره با قلبی برقی | قیمت پایه: ۲۳هزار دلار –(۲میلیارد و ۱۱۶ میلیون تومان)

رنو ۵ برقی جدید ۲۰۲۵ با طراحی نئو-رترو و الهام از مدل کلاسیک خود، ترکیبی بی‌نظیر از مدرنیته و گذشته را به نمایش می‌گذارد. این خودرو برای اغلب مردم دنیا یادآور روزگاری است که خودروها معنا و مفهوم داشتند و با رنگ‌آمیزی و طراحی‌های خود در قلب مردم جا داشتند و تنها وسیله‌هایی برای حمل و نقل نبودند و شرکت رنو با فهم این موضوع و طراحی دوباره این خودرو سعی در جذب مشتری دارد.مدل پایه با توان ۹۵ اسب‌بخار و برد ۳۰۰ کیلومتر، برای استفاده‌های روزمره عالی است. همچنین مدل‌های بالاتر با توان ۱۲۰ و ۱۵۰ اسب‌بخار، بردی بین ۳۱۲ تا ۴۰۵ کیلومتر را ارائه می‌دهند. باتری لیتیوم-یون با ظرفیت‌های ۴۰ و ۵۲ کیلووات‌ساعت و شارژ سریع DC، این خودرو را به یک انتخاب هوشمندانه برای علاقه‌مندان به خودروهای برقی تبدیل کرده است. سیستم‌های کمک‌راننده پیشرفته و صفحه نمایش لمسی از دیگر امکانات رنو ۵ برقی هستند که تجربه رانندگی فرد را ارتقا می‌دهند.

۴ نیسان لیف ۲۰۲۵، ظرافت یک سامورایی | قیمت پایه: ۳۸هزار دلار –(۵میلیارد و ۴۹۶ میلیون تومان)

نیسان لیف ۲۰۲۵، خودرویی که شاید همانند برادران بزرگ‌جثه و کهنه‌کار خودش برای ما ایرانیان آشنا نباشد اما می‌تواند با آلایندگی بسیار کمتر، توانی بسیار بیشتر را تولید کند. این سامورایی کوچک با توان ۱۵۰ کیلووات (۲۰۱ اسب بخار) و برد پیمایش ۵۶۰ کیلومتر، قادر است تجربه‌ای مطلوب از رانندگی برقی را ارائه دهد. لیف ۲۰۲۵ مجهز به نمایشگر دیجیتال، سیستم نیمه‌خودران و شارژ سریع است که از آن یک گزینه عالی برای افرادی می‌سازد که به دنبال راحتی و عملکرد بالای یک خودرو برقی هستند. همچنین، اپلیکیشن مدیریت خودرو امکان کنترل و نظارت بر وضعیت خودرو را در دسترس رانندگان قرار می‌دهد. با توجه به امکانات و برد عالی، نسبت قیمت به عملکرد این خودرو بسیار رقابتی است. نیسان لیف را باید به عنوان یک رقیب کاملا جدی برای هاچ‌بک‌های رقیب چینی خود در تمامی بازارهای مشترک دانست.

۵ فورد F۱۵۰ لایتنینگ؛ وقتی غول‌ها برقی می‌شوند | قیمت پایه: ۵۳هزار دلار - (۴ میلیارد و ۸۴۲ میلیون تومان)

شاید کمتر کسی فکر می‌کرد که روند برقی شدن خودروها، به پیکاپ‌ها برسد یا حتی این فناوری روی این خودروها پاسخگو باشد، اما پیکاپ‌های آمریکایی بسیار سریع این روند را در آغوش گرفتند و با قدرتی شگرف‌تر راهی کوه و بیابان شدند. فورد F-۱۵۰ لایتنینگ، با دو موتور برقی، توان ۴۵۲ اسب بخار (۳۰۰ کیلووات) و گشتاور ۱۰۵۱ نیوتن‌متر و همچنین شتاب صفر تا ۱۰۰ کیلومتر برساعت ۴/۵ ثانیه‌ای هر جاده‌ای را به سادگی درمی‌نوردد. با باتری استاندارد ۹۸ کیلووات‌ساعتی، F-۱۵۰ لایتنینگ حدود ۳۷۰ کیلومتر و با باتری بزرگ‌تر ۱۳۱ کیلووات‌ساعتی، این خودرو ۵۱۵ کیلومتر را بدون نیاز به توقف به راحتی می‌پیماید. این پیکاپ با سیستم چهارچرخ محرک و قابلیت یدک‌کشی تا ۴/۵ تن، توانایی‌های آفرود و کاربری بالایی دارد. همچنین، با سیستم Pro Power Onboard، می‌تواند انرژی لازم برای ابزارها و تجهیزات برقی را تأمین کند.کابین این آمریکایی با نمایشگر ۱۲ اینچی و امکانات پیشرفته، آسایش را برای راننده و سرنشینان فراهم می‌کند.

۶ ب.ام.و iX۳–برقی؛ راحتی به سبک باواریایی | قیمت پایه: ۶۵هزار دلار - (۵ میلیارد و ۹۸۰ میلیون تومان)

شاید بتوانید هر تغییری را در افراد و اشیا ایجاد کنید اما تغییر ذات آنها کار ساده‌ای نیست، تا جایی که برخی آن را ناممکن می‌دانند، شاید موتور ب.ام.و برقی شده باشد، اما ذات راحت ولی لوکس و پرهزینه‌اش چندان تغییری نکرده است. این SUV جدید با توان ۲۱۰ کیلووات (۲۸۲ اسب بخار) و برد پیمایش ۵۵۰ کیلومتر، انتخابی بی‌نظیر خواهد بود. طراحی منحصر به فرد این خودرو به همراه سیستم تعلیق هوشمند و صفحه‌نمایش ۱۴ اینچی، راحتی و آسایش را در کنار قدرت و کارایی بالا فراهم می‌آورد. دستیار رانندگی پیشرفته و نورپردازی داخلی لوکس نیز به سطح جدیدی از تجربه رانندگی افزوده است. با توجه به امکانات پیشرفته و کیفیت ساخت بالا، این خودرو از نظر نسبت قیمت به عملکرد در سطح متوسط قرار دارد. البته واژه متوسط در این جمله به معنای کیفیت ضعیف این خودرو نیست،چراکه این خودرو بیشتر مورد استفاده لوکس دارد تا یک خودروی کاربردی.

دنده عقب

هیلمن مینکس؛ سدان جمع‌وجور بریتانیایی در خیابان‌های ایران

هیلمن مینکس، خودرویی که از دهه ۳۰ میلادی به تولید رسید، یکی از محصولات موفق شرکت روتس موتورز بود. این سدان جمع‌وجور در دوران خودش به عنوان یک خودروی خانوادگی قابل اعتماد و اقتصادی شناخته می‌شد. ورود این خودرو به ایران هم ماجرایی خاص دارد؛ چراکه مینکس یکی از اولین خودروهایی بود که در دهه ۴۰ شمسی توانست جایگاهی در دل ایرانی‌ها پیدا کند.

هیلمن مینکس معمولاً با موتورهای ۴ سیلندر خطی ارائه می‌شد. یکی از محبوب‌ترین نسخه‌ها، پیشرانه ۱/۵ لیتری با توان تولید حدود ۴۵ اسب بخار بود. این موتور، با یک گیربکس ۴ سرعته دستی جفت می‌شد که نیروی محرکه را به چرخ‌های عقب انتقال می‌داد. شاید امروز این اعداد کم به نظر برسند اما در زمان خودش، این خودرو برای استفاده شهری و حتی سفرهای طولانی ایده‌آل بود. مصرف سوخت اقتصادی و هزینه‌های نگهداری پایین، از نقاط قوت آن محسوب می‌شدند. سیستم تعلیق مستقل در جلو و محور عقب صلب با فنرهای تخت، سواری نرم و پایداری در جاده‌ها را تضمین می‌کرد.

طراحی مینکس با خطوط ساده و کلاسیک بریتانیایی همراه بود. کاپوت کشیده، جلوپنجره‌ای با پره‌های عمودی و چراغ‌های گرد، چهره‌ای دلنشین به این خودرو می‌داد. بدنه‌ی دو رنگ در برخی مدل‌ها، جذابیت ظاهری آن را دوچندان می‌کرد. نسخه‌های دو در و چهار در، برای پاسخگویی به نیازهای مختلف خریداران عرضه شدند.

فضای داخلی مینکس ساده و کاربردی بود. داشبورد فلزی با نشانگرهای آنالوگ، فرمان بزرگ و صندلی‌هایی که با پارچه یا چرم پوشیده شده بودند، حس و حال خودروهای دهه ۴۰ میلادی را تداعی می کردند. صندوق عقب بزرگ و فضای جادار داخل کابین، این خودرو را به یک انتخاب مناسب برای خانواده‌ها تبدیل کرده بود.

در دهه ۴۰ و ۵۰ شمسی، هیلمن مینکس به عنوان یک خودروی وارداتی در بازار ایران حضور داشت و بین خانواده‌های طبقه متوسط و حتی کارمندان دولتی محبوب شد. این خودرو به دلیل استهلاک پایین، راحتی در تعمیرات و دسترسی به قطعات یدکی، خیلی زود به یکی از گزینه‌های اصلی خیابان‌های ایران تبدیل شد. مکانیک‌های قدیمی هنوز از آسانی تعمیرات آن تعریف می‌کنند؛ به‌ویژه که قطعات ساده‌اش نیاز به ابزار پیچیده‌ای نداشت.

خوراکی‌های جنجالی در قلمرو توییتر فارسی

روایتی از چند تلاش تبلیغاتی، برندینگ و بازاریابی در محیطی خطرناک و پرریسک

آبان فرزیان | توییتر فارسی جای خطرناکی است؛ فرقی نمی‌کند چپ بروید، راست بروید یا حتی صاف سرجایتان بایستید. بالاخره یکی از راه می‌رسد و چون رفتارتان مطابق میلش نبوده، گرفتارتان می‌کند. در این فضای ملتهب و تب‌آلود، بعضی برندها با جسارت تلاش می‌کنند پرچم تبلیغات، برندینگ و بازاریابی خود را توی زمین فرو کنند. چند نمونه موفقیت‌آمیز وجود دارد اما حتی همان‌ها هم معمولا پس از مدتی نتیجه عکس می‌دهند. باور نمی‌کنید؟

پای‌سیب پرحاشیه

جنجال پای‌سیب در توییتر فارسی از جایی شروع شد که کاربری، تصویری از یک پای‌سیب منتشر کرد و خبر داد که آن را در خانه تهیه می‌کند و ۷۷۰ هزار تومان می‌فروشند. کاربران توییتر فارسی در واکنش به این اتفاق، به دو گروه تقسیم شدند؛ گروهی به این قیمت بالا اعتراض داشتند و گروهی دیگر از فروشنده حمایت کردند. معترضان گفتند قیمت ۷۷۰ هزار تومان برای یک پای‌سیب بسیار زیاد است و با قیمت دیگر شیرینی‌فروشی‌ها همخوانی ندارد. مدافعان اعتقاد داشتند فروشنده حق دارد محصول خود را به هر قیمتی که می‌خواهد بفروشد.

کیک ارزان‌قیمت معینی‌پور

یک کیک ساده برای مدتی نسبتا طولانی در صدر مباحثه کاربران توییتر قرار گرفت. این کیک کاملا ساده و ارزان‌قیمت است و منتقدانش می‌گویند ترکیبی بی‌معنی از شیرینی دانمارکی و نارگیلی و شکلاتی است. در موج اول، کاربران با خرید کیک معینی‌پور که در سوپرمارکت‌ها، بقالی‌ها و حتی دکه‌های مطبوعاتی در دسترس قرار داشت درباره آن به شکل اغراق‌آمیز تعریف و تمجید می‌کردند اما به مرور زمان، گروه دیگری از کاربران دست به کار شدند و به انتقاد از طعم، کیفیت و مزه کیک معینی‌پور پرداختند. حتی طرفدارانش هم می‌گویند با بسته‌بندی ساده این محصول شوخی می‌کنند. ماجرا هنوز زیر پوست توییتر ادامه دارد در حالی که تقریبا بقیه برندها هم از کیک معینی‌پور تقلید کرده‌اند.

شکلات ایرانی مقابل شکلات خارجی

درینا یک برند شکلات ایرانی است که تلاش می‌کند خود را به عنوان محصولی باکیفیت معرفی کند. جنجال زمانی آغاز شد که یک کاربر توییتر مدعی شد شکلات درینا ایده پدرش است اما بلافاصله با واکنش سایر کابران روبه‌رو شد. مخالفان می‌گفتند شکلات درینا یک کپی از محصولی خارجی به نام میلکاست. میلکا یک برند شکلات سوئیسی و بسیار محبوب جهانی است که به خاطر کیفیت قابل‌قبول بین عموم مردم شناخته می‌شود اما چون خارجی است و قاچاقی وارد می‌شود قیمتش بالا می‌رود. با این حال کاربران توییتر، با انتشار تصاویر و مقایسه قیمت شکلات درینا و میلکا، تاکید کردند قیمت درینا به طور غیرمنطقی بالا و حتی گران‌تر از میلکاست.

بستنی‌های عجیب فوردو

ماجرای بستنی ارده خرما و کدوحلوایی در توییتر حول محور طعم‌های جدید و غیرمعمول، قیمت و واکنش‌های طنزآمیز کاربران به این محصولات شکل گرفت. تابستان امسال، شرکت کاله بستنی‌های جدید و نسبتاً غیرمتداول به بازار عرضه کرد که به خاطر طعم «ارده خرما» و «کدو حلوایی» بلافاصله توجه کاربران شبکه‌های اجتماعی را به خود جلب کرد. شیوه محدود عرضه این بستنی‌ها در سطح شهر هم به نوعی در شهرتشان تاثیر گذاشت. پس از عرضه بستنی‌ها به بازار و امتحان کردن آن‌ها توسط کاربران، طیف وسیعی از نظرات در توییتر منتشر شد و گروهی از کاربران طعم این بستنی‌ها را دوست نداشتند و آن‌ها را نامطلوب، عجیب و ناخوشایند توصیف کردند. عده‌ای طعم کدوحلوایی را به دلیل شباهت به طعم نوع پخته‌شده‌اش مورد انتقاد قرار دادند و برخی دیگر گفتند بستنی ارده خرما بیش از حد شیرین یا سنگین است. قیمت نسبت بالای این بستنی‌ها هم مورد انتقاد قرار گرفت.

پاستا با رنج صف

جنجال پاستا در توییتر فارسی، برخلاف مثال‌های قبلی که بیشتر حول محور قیمت، طعم غیرمعمول یا کیفیت یک خوراکی خاص بودند، حول محور نحوه ارائه و فروش یک غذای نسبتاً ساده یعنی پاستا شکل گرفت. ماجرا پس از تاسیس رستورانی تازه شروع شد که چون در مرحله آزمایشی قرار داشت قادر نبود با توان کامل به مشتریان خود خدمات ارائه دهد و چون جدید بود، مشتریان جلوی آن صف می‌کشیدند. پاستا، مواد اولیه خود را به صورت دستی تهیه می‌کند اما با توجه به اینکه هنوز غذایی ساده می‌فروشد، انتشار عکس صف بستن مشتریان در شبکه‌های اجتماعی و توییتر باعث شکل گیری انتقادات شد. ماجرا تا همین اواخر ادامه پیدا کرد. کاربری به‌تازگی از جلوی رستوران رد شده و نوشته خبری از تشکیل صف نیست و طعم غذا هم کاملا معمولی است.

ساندویچ آماده با طعم امیرعلی نبویان

برخی از کاربران دشمن قسم‌خورده تبلیغات کاپو، به ویژه تبلیغی که در آن امیرعلی نبویان حضور دارد، هستند. چرا؟ چون به نظرشان کیفیت ساندویچ‌های کاپو پایین است یا مثلا اعتقاد دارند این ساندویچ‌ها ارزش غذایی چندانی ندارند و قیمت‌شان بالاست اما بیشتر از اینکه طعم و کیفیت مورد هجمه قرار بگیرد احتمالا آنچه در تبلیغات به عنوان شعار تبلیغاتی انتخاب شده آزارشان می‌دهد. چیزهایی مثل اینکه مثل امیرعلی نبویان می‌توانید سروته یک مهمانی ناخوانده را با دادن ساندویچ آماده کاپو هم بیاورید. در شبکه اجتماعی که بیشتر کاربرانش هنوز قصه کوکب خانم در کتاب‌های درسی را به خاطر می‌آورند این واکنش کمی غیرمعمول به نظر می‌رسد.

۴ هزار تن

توزیع برنج برای کاهش التهاب بازار

رئیس جهاد کشاورزی تهران از توزیع چهار هزار تن برنج، دو هزار تن شکر، هزار و ۳۰۰ تن گوشت قرمز منجمد، سه هزار و ۴۰۰ تن گوشت مرغ منجمد از شنبه ۲۷ بهمن ماه خبر داد. جبرئیل برادری با اشاره به آخرین وضعیت بازار برنج گفت: با عرضه برنج تنظیم بازاری با قیمت هر کیلوگرم ۴۸هزار و ۲۵۰ هزار تومان، پیش‌بینی می‌شود بازار به آرامش برسد و التهابات قیمتی اخیر کمتر شود. علاوه بر این نظارت‌های دقیق بازرسان سازمان و کنترل فرآیندهای تأمین و توزیع عمده کالا و جلوگیری از سودجویی‌ها و گران‌فروشی نیز ادامه خواهد داشت. برادری با تاکید بر اینکه تدابیر لازم برای تنظیم بازار ایام پایانی سال، اندیشیده شده، اعلام کرد: هر کیلو گوشت مرغ منجمد با قیمت ۶۵هزار و ۷۰۰ تومان، هر کیلو شکر با قیمت ۴۹هزار و ۵۰۰ تومان، هر کیلو گوشت قرمز با میانگین قیمتی ۳۶۰ هزار تومان عرضه می‌شود. رئیس سازمان جهاد کشاورزی استان تهران همچنین از توزیع خرما و میوه ویژه ماه مبارک رمضان و شب عید خبر داد و گفت: این اقلام نیز از نیمه دوم اسفندماه در تهران توزیع می‌شود.

نبض بازار

از افزایش سقف پرداخت رمزارزها تا وام ۶۵۰میلیونی ساخت مسکن

- سقف روزانه درگاه پرداخت صرافی‌های مجاز رمزارز از ۲۵میلیون به ۲۰۰میلیون تومان افزایش یافت. پس از دستور رئیس‌جمهوری به رئیس کل بانک مرکزی، درباره ساماندهی بازار رمزپول‌ها (رمزارز) این بانک با ارائه مجوز به صرافی‌های رمزارزی که الزامات را پذیرفته‌اند، میزان تراکنش روزانه آنها را افزایش داد. این افزایش میزان سقف درگاه روزانه به ۲۰۰میلیون تومان شامل صرافی‌های رمزارز مجازی است که اخیرا درگاه‌های پرداخت آنها بازگشایی شده است. کارگزاری‌ها حدود ۵۰صرافی هستند که الزامات بانک مرکزی را رعایت کرده و مدارک و مستندات مورد نظر تنظیم‌گر این حوزه را به شرکت شاپرک ارائه کرده‌اند. به گفته یک منبع آگاه در بانک مرکزی، تعداد قابل توجه دیگری از این کارگزاران در حال ارائه مستندات لازم بوده و به‌زودی تعداد صرافی رمزارز مجاز بیشتر خواهد شد.

- سرمایه‌گذاران دو رمزارز بزرگ بازار روز گذشته بیش از ۲۰۰میلیون دلار خروج سرمایه ثبت کردند. براین اساس صندوق‌های قابل معامله در بورس (ETF) بیت‌کوین و اتریوم، با خروج سرمایه‌گذاران شاهد تغییرات قابل توجهی بودند. صندوق‌های قابل معامله در بورس بیت‌کوین، خروجی خالص ۱۸۶/۲۸ میلیون دلاری ثبت کردند و صندوق‌های اتریوم، شاهد خروج ۲۲/۴۶ میلیون دلار از بازار بودند. با وجود این خروجی‌ها، بازار گسترده‌تر ارزهای دیجیتال فعال باقی‌مانده است. کارشناسان بازار معتقدند این خروجی‌ها هنوز روند قطعی را نشان نمی‌دهند، اما اگر ادامه پیدا کنند، نشان‌دهنده تغییر در احساسات بازار هستند. از طرف دیگر گزارش جدید شرکت بریز نشان می‌دهد که بیت کوین در حال بازگشت به نقش اولیه خود به عنوان «پول دیجیتال» است. در حال حاضر بیش از ۶۵۰ میلیون نفر در سراسر جهان به بیت کوین دسترسی دارند که شامل کاربران صرافی‌های متمرکزی مانند کوین بیس و بایننس و پلتفرم‌های همتا به همتا می‌شود. این گزارش می گوید که در کشورهای در حال توسعه با تورم بالا، بیت کوین به عنوان پول دیجیتال می‌درخشد. برای مثال، فروشگاه‌های زنجیره‌ای Pick n Pay در آفریقا از لایتنینگ برای پرداخت‌های بیت کوینی استفاده می کند. این گزارش همچنین استدلال می کند که بیت کوین نسبت به استیبل کوین‌ها مزایایی دارد، زیرا غیرمتمرکز است و ارزش آن بر اساس اجماع جهانی تعیین می‌شود. با این حال، اکثر دارندگان بیت‌کوین هنوز آن را بیشتر برای سرمایه‌گذاری نگه می‌دارند تا اینکه بیت کوین خود را خرج کنند.

- ایلان ماسک، میلیاردر معروف آمریکایی و مالک توییتر یا ایکس دوباره در بازار رمزارزها جنجال درست کرد. وقتی ایلان ماسک نام کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس را به هری بولز تغییر داد، یک میم کوین جدید با همین نام در شبکه سولانا بالا آمد و در کمتر از ۳۰ دقیقه رشد خیره‌کننده ۱۷ هزار درصدی را تجربه کرد. این میم کوین فقط در دو دقیقه اول عرضه، ۵۰۰ درصد رشد کرد و در ادامه با رشد ۱۷/۹۹۴ درصدی به ارزش بازار ۳/۶۸میلیون دلار رسید. با این حال، مثل بیشتر میم کوین‌ها، قیمت آن بعد از رسیدن به اوج ۸۵ درصد سقوط کرد، ولی همچنان ۳/۳۰۰درصد بالاتر از قیمت اولیه معامله می‌شود. در حال حاضر این میم کوین که در پلتفرم پامپ‌فان در شبکه سولانا عرضه شده، با قیمت ۰/۰۰۲۲ دلار معامله می‌شود و بسیاری معتقدند که این میم کوین یک کلاهبرداری است. البته این اولین بار نیست که ماسک از این نام کاربری استفاده می کند، قبلا هم در سال ۲۰۲۳ نام خود را به هری بولز تغییر داده بود.

- هیئت عالی بانک مرکزی با افزایش سقف فردی تسهیلات ساخت نهضت ملی مسکن از ۵۵۰میلیون تومان به ۶۵۰میلیون تومان موافقت کرد. هیئت عالی بانک مرکزی در جلسه روز سه شنبه ، سقف فردی تسهیلات نهضت ملی مسکن را با در نظر گرفتن توان متقاضیان در بازپرداخت اقساط تسهیلات، از ۵۵۰میلیون تومان به ۶۵۰میلیون تومان در همه شهرهای کشور افزایش داد. در دولت سیزدهم، شورای‌عالی مسکن در اردیبهشت‌ماه امسال با افزایش سقف وام نهضت ملی مسکن به ۸۰۰ میلیون تومان موافقت کرد. این در حالی بود که رئیس کل بانک مرکزی روال طی شده برای افزایش وام در شورای‌عالی مسکن را یک بدعت غیر کارشناسی عنوان کرد و طی نامه‌ای به وزیر راه و شهرسازی خواستار حذف آن شده بود.

کدام کسب‌وکارها در ایران از مالیات معاف‌اند؟

آنچه باید درباره تفاوت نرخ صفر مالیاتی و معافیت و عدم شمول مالیات بدانید

هانیه اشتغالی
وکیل پایه یک دادگستری

وقتی سخن از معافیت از مالیات در فضای کسب‌وکارها به میان می‌آید، با سه مفهوم متفاوت در حقوق مالیاتی مواجهیم: عدم شمول، معافیت و نرخ صفر. با کمی اغماض تخفیف‌های مالیاتی را نیز می‌توان در این موضوع مورد توجه قرار داد که هریک از این عناوین تعاریف و شرایط خاص خود را دارند.

در عدم شمول ما با وضعیتی مواجه هستیم که حوزه غیرمشمول اساسا موضوع قوانین و مقررات مالیاتی قرار نمی‌گیرد. نهادهای مذکور در ماده ۲ قانون مالیات‌های مستقیم از این دسته‌اند: وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی، دستگاه‌هایی که بودجه آن‌ها به وسیله دولت تأمین می‌شود، شهرداری‌ها و دهیاری‌ها، بنیادها و نهادهای انقلاب اسلامی دارای مجوز معافیت از طرف حضرت امام خمینی و مقام معظم رهبری. این نهادها به دلیل وظایف حاکمیتی و ذاتا غیرتجاری خود از شمول قوانین و مقررات مالیاتی خارج شناخته شده‌اند. البته چنانچه فعالیتی با ماهیت اقتصادی و تجاری انجام دهند هم‌چون اشخاص حقوقی حقوق خصوصی در مورد آن فعالیت‌ها مشمول ۲۵ درصد مالیات بر سود خواهند بود. برای مثال اگر این نهادها ملکی را اجاره دهند یا منتقل نمایند، مشمول مالیات نیستند، اما چنان‌چه املاکی را بسازند و بفروشند مشمول مالیات‌اند.

اما مفاهیم معاف و نرخ صفر که بسیار پیش می‌آید که به جای هم به کار روند و در بیان عامه معاف تلقی می‌شوند، یعنی چه؟ این فعالیت‌ها، فعالیت‌هایی هستند که فعالین مربوطه به موجب قانون و برای تشویق گسترش این فعالیت‌ها از پرداخت مالیات بر سود ناشی از درآمد این فعالیت‌ها کلا یا به طور موقت معاف شده‌اند.

این اختلاط و نزدیکی معنایی به ماده ۱۹۱ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه (۱۳۹۰-۱۳۹۵) برمی‌گردد که بر اساس آن دولت موظف شد تا در راستای هدفمندسازی معافیت‌های مالیاتی و شفاف‌سازی حمایت‌های مالی سیاست اعتبار مالیاتی نرخ صفر را جایگزین معافیت‌های قانونی مالیاتی سازد. اهمیت این تکلیف در این نکته نهفته است که برای بهره‌مندی از سیاست‌های مالیاتی نرخ صفر شخص مشمول باید کلیه تکالیف مالیاتی از جمله ارسال اظهارنامه، نگهداری و ارائه اسناد و مدارک و مانند آن را انجام دهد و سازمان امور مالیاتی نیز بر اساس بند الف ماده ۱۳۲ قانون مالیات‌های مستقیم حسابرسی‌های مربوطه را انجام می‌دهد، اما در نهایت سود به‌دست‌آمده در صفر ضرب می‌شود. با پیاده‌سازی این سیاست سازمان امور مالیاتی می‌تواند به اطلاعات مربوط به فعالیت‌های اقتصادی نرخ صفر احاطه داشته باشد.

در همین راستا تبصره دوم ماده ۱۹۱ قانون برنامه پنجم توسعه، تأکید می‌کند «تسلیم اظهارنامه مالیاتی در موعد مقرر شرط برخورداری از هرگونه معافیت مالیاتی است.» در ادامه ماده ۱۴۶ مکرر قانون مالیات‌های مستقیم با ذکر مورد تصریح کرد که مقصود از موارد زیادی از معافیت‌های قیدشده در این قانون، شمول نرخ صفر بر این فعالیت‌هاست و بنابراین تکلیف قیدشده در ماده ۱۳۲ قانون مالیات‌های مستقیم در مورد فعالین این حوزه‌ها باید رعایت شود. البته اجرای این حکم در خصوص فعالان «فعالیت‌های کشاورزی، دامپروری، دامداری، پرورش ماهی و زنبور عسل و پرورش طیور، صیادی و ماهیگیری، نوغانداری، احیای مراتع و جنگل‌ها، باغات اشجار از هر قبیل و نخیلات» که مصادیق بارز معافیت‌های مالیاتی و موضوع ماده ۸۱ قانون مالیات‌های مستقیم است به اجرای تدریجی و ایجاد زیرساخت‌ها واگذار شد.

در این راستا ادارات امور مالیاتی در صورت وجود نقص مدارک در مدارک ارائه‌شده صاحبان کسب‌وکارهای مشمول نرخ صفر مالیاتی، آن‌ها را به استناد تکلیف ماده ۱۳۲ قانون مالیات‌های مستقیم از بهره‌مندی از این مزیت محروم می‌کردند تا این که بخشنامه ۲۰۰/۹۸/۲۴ سازمان امور مالیاتی مصوب ۱۳۹۸/۳/۲۱ از این موضوع رفع ابهام کرده و بیان داشت: «عدم ارائه بخشی از اسناد و مدارک (اعم از اسناد درآمدی یا هزینه‌ای) موجب محرومیت از نرخ صفر و هرگونه معافیت یا مشوق مالیاتی مندرج در این قانون و سایر قوانین در اجرای این تبصره درخصوص درآمدهای ابرازی در اظهارنامه مالیاتی نخواهد بود.» هرچند با وجود این بخشنامه همچنان برخی از ممیزین مالیاتی با بهانه نقص مدارک ابرازی امکان استفاده مؤدی از نرخ صفر مالیاتی را سلب می‌کنند، می‌توان در صورت وقوع چنین امری با استناد به این بخشنامه نسبت به آن اعتراض کرد.

در گفتاری دیگر در خصوص مصادیق فعالیت‌های مشمول سیاست مالیاتی نرخ صفر گفت‌وگو خواهیم کرد.

*** برای ارتباط با وکیل، از طریق ایمیل hanie.eshteghali@gmail.com یا شماره تلفن ۰۹۱۲۲۱۴۲۹۸۲ اقدام کنید.**

نکته

آنچه باید در مورد الزام به تنظیم سند رسمی بدانید

درسنامه‌های حقوقی برای زندگی روزمره — ۱۱۵

مهتاب سحابی
وکیل دادگستری

این هفته به ۶ سوال در خصوص دعوی الزام به تنظیم سند رسمی در حوزه دعاوی ملکی پاسخ می‌دهیم.

۱ آیا طرح دعوی الزام به تنظیم سند رسمی فقط بایستی علیه مالک رسمی صورت گیرد یا علیه تمامی ایادی پس از آنکه به صورت سند عادی منتقل شده است؟

پاسخ: شخصی که قصد الزام به تنظیم سند رسمی دارد مکلف است دعوی را علیه مالک رسمی مطرح کند اما اگر میان مالک رسمی تا این شخص، ایادی وجود داشته باشند یعنی ملک بین افراد دیگری نیز دست به دست شده باشد؛ در این صورت خواهان دعوی الزام به تنظیم سند رسمی مکلف است رابطه میان خود تا مالک رسمی ملک را احراز کند. ضمن اینکه به موجب ماده ۲۲ قانون ثبت اسناد و املاک دادگاه کسی را مالک رسمی ملک می‌داند که ملک به نامش باشد. بنابراین پاسخ صحیح این است که دعوی الزام به تنظیم سند رسمی علیه مالک رسمی ملک هم باید تنظیم شود.

۲ آیا در خصوص املاکی که سند رسمی و پلاک ثبتی ندارند، می‌شود دعوی الزام به تنظیم سند رسمی علیه فروشنده مطرح کرد؟

پاسخ: خیر. با توجه به اینکه شخص فروشنده امکان انتقال سند را ندارد و با طرح دعوی الزام، او را الزام به تکلیفی کرده‌ایم که به موجب قانون امکان انجامش را ندارد و اصطلاحا تکلیف مالایطاق است. لذا طرح این دعوی با قرار عدم استماع دعوی مواجه خواهد شد و بایستی دعوی صحیح مطرح شود.

۳ در مورد املاک فاقد سند رسمی، دعوی صحیح برای اخذ سند چیست؟

پاسخ: دعوی صحیح بسته به مورد اثبات مالکیت، اثبات وقوع بیع، تنفیذ بیع و از این دست عناوین است.

۴ اگر شخصی ملک متعلق به شخصی را به دیگری بفروشد، آیا می‌توان علیه فروشنده دعوی الزام به تنظیم سند رسمی را مطرح کرد؟ دعوی صحیح در این مورد چیست؟

پاسخ: خیر. راه صحیح طرح شکایت کیفری با عنوان انتقال مال غیر و طرح دعوی مطالبه وجه به جهت مستحق للغیر بودن به انضمام مطالبه خسارت است.

۵ در صورت مستحق للغیر درآمدن ملک، خریدار چگونه دعوی حقوقی می‌تواند مطرح کند؟

پاسخ: دعوی صحیح در این خصوص مطالبه خسارت است. در صورتی که میزان خسارت در قرارداد درج شده باشد مثلا به موجب قرارداد فرضا ۱۰ درصد ارزش ثمن؛ همین مبلغ میزان خسارت اوست در غیر اینصورت اگر در قرارداد مبلغی تعیین نشده باشد، به موجب رای وحدت رویه ۷۳۳ و ۸۱۱ عمل می‌شود بدین شرح که: در موارد مستحق للغیر درآمدن مبیع و جهل خریدار به وجود فساد، مبیع و ثمن در ملکیت فروشنده و خریدار باقی می‌ماند و فروشنده در این صورت بایستی از عهده غرامات وارده به خریدار از جمله کاهش ارزش ثمن، برآید. علاوه بر آن هرگاه ثمن (قیمت) وجه رایج کشور باشد غرامت را مطابق عمومات قانونی مربوط به نحوه جبران خسارت از جمله صدر ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ عندالزوم با ارجاع امر به کارشناس و بر اساس میزان افزایش قیمت (تورم) اموالی که از نظر نوع و اوصاف مشابه همان مبیع هستند، تعیین می‌کند و موضوع از شمول ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی خارج است.

بنابراین دعوی صحیح مطالبه خسارت بر اساس رای وحدت رویه‌های فوق است و در صورتی که در قرارداد فی مابین قید شده باشد، به موجب قرارداد تحت حاکمیت ماده ۱۰ قانون مدنی و اصل آزادی قراردادهاست.

۶ در صورتی که شخص فروشنده، به موجب تصمیم قاضی دادسرا ممنوع‌المعامله باشد و اقدام به معامله کند و ملکش را بفروشد، آیا این معامله صحیح است یا باطل؟

پاسخ: این معامله باطل است. با توجه به ممنوع‌المعامله بودن شخص، اذن در انتقال اموالش را نداشته و معامله فاسد و باطل است و به موجب ماده ۳۶۵ قانون مدنی بیع فاسد اثری در تملک ندارد. علت اصلی فساد در چنین معامله‌ای این است که اشخاص در معامله بایستی اهلیت تصرف داشته باشند و شخص ممنوع‌المعامله فاقد این وصف است.

*** راه ارتباطی با وکیل:**
وب سایت: sahabigroup.com
اینستاگرام: @vakil_sahabii

روزی روزگاری وکالت (۴۴)

بالاخره «لایحه استقلال» یا «قانون استقلال»؟

ابراهیم ایوبی
وکیل دادگستری

روز سه‌شنبه ۱۶ بهمن جلسه معارفه رئیس جدید شورای تشکل‌های کانون وکلای دادگستری مرکز برگزار شد. سخنران اول مراسم دکتر سیدمحمود کاشانی بود. او در میان سخنانش به «قانون استقلال کانون وکلای دادگستری» با تاریخ تصویب ۵ اسفند ۱۳۳۳ اشاره داشت. ابهام برای حاضرین از آن جا شروع شد که وکلا هر ساله روز ۷ اسفند را به عنوان روز استقلال کانون وکلا از دادگستری جشن می‌گیرند. دیگر سخنران، دکتر حسین عسگری‌راد بود که در توضیح کوتاهی در این باره داد و دلیل گرامی‌داشت روز هفتم اسفند را تاریخ تصویب «لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری» در سال ۱۳۳۱ عنوان کرد. ولی ابهام چندان برای جمع برطرف نشد. همچنان در استنادات قانونی و یادداشت‌های وکلا، به لایحه استقلال اشاره می‌شود. برای روشن شدن موضوع، نیازمند آگاهی از سلسله مراتب قوانین، مفهوم لایحه قانونی و رخدادهای دوران نخست وزیری مصدق هستیم.

اگر بخواهیم قوانین را از زاویه اعتبار و سلسله مراتب طبقه‌بندی کنیم؛ نخست «قانون اساسی» قرار دارد. در مرحله دوم «قانون عادی» که همان مصوبات پارلمان باشد. در پیش از انقلاب ۱۳۵۷ «مجلسَین شورای ملی و سنا» و اکنون «مجلس شورای اسلامی» نهاد قانون گذاری را تشکیل می‌دهد. در مرتبه آخر و پایین‌ترین رتبه «مقرره» است که خود طیف وسیعی از مصوبات (آیین نامه، بخشنامه، تصویب‌نامه و دستورالعمل) را شامل می‌شود.

اما معنای «لایحه قانونی» چیست؟ لایحه قانونی در حقیقت همان قانون عادی است که در شرایطی اضطراری به دلیل فقدان پارلمان، به تصویب نهاد دیگری که به شکل موقت جایگزین پارلمان گردیده، رسیده است. این موضوع نه تنها در دوران مشروطه، بلکه پس از انقلاب اسلامی نیز پیشینه دارد.

بعد از بهمن ۱۳۵۷ نهاد «شورای انقلاب» در خلأ وجود مجلس به قانون گذاری پرداخت که از جمله مصوبات آن می‌توان به «لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت» در ۱۷ بهمن ۱۳۵۷ اشاره کرد. وجه تسمیه «لایحه قانونی» این است که ابتکار پیشنهاد تنها از سوی دولت بوده و نه نمایندگان که بتواند عنوان «طرح» داشته باشد.

در مردادماه ۱۳۳۱ مجلس شورای ملی، ماده واحده‌ای با عنوان «قانون مربوط به اعطای اختیارات برای مدت شش ماه به شخص آقای دکتر محمد مصدق نخست وزیر» را از تصویب می‌گذراند که همان گونه که از نام بر می‌آید، هدف تفویض اختیار قانون‌گذاری به دولت در جهت تسریع پیشبرد برنامه‌هاست. صرف‌نظر از موافقت یا مغایرت این مصوبه با قانون اساسی مشروطیت؛ این قانون در دی ماه ۱۳۳۱ با تصویب مجلس تمدید می‌شود. «لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری» در ۷ اسفند ۱۳۳۱ به استناد همین قانون در هیأت وزیران به ریاست مصدق (که خود وکیل دادگستری) به تصویب می‌رسد. پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، مجلس تلاش می‌کند که تکلیف این لوایح قانونی را مشخص و قوانین موقتی را نهایی کند.

در ۱۸ آبان ۱۳۳۳ ماده واحده‌ای با عنوان «قانون الغاء کلیه لوایح مصوب آقای دکتر مصدق ناشیه از اختیارات» به تصویب می‌رسد که بر اساس آن کلیه لوایح قانونی مصوب دولت مصدق بر اساس قانون اختیارات الغاء می‌شود. اما در تبصره پیش‌بینی می‌شود: «لوایح قانونی که در ظرف مدت اختیارات شش ماهه، به امضای آقای دکتر محمد مصدق نخست‌وزیر رسیده یا برسد، بایستی تا انقضاء مدت مزبور، کلا به مجلس شورای ملی تقدیم شود و همچنین هر یک از لوایح قانونی که در ظرف یک سال دوره تمدیدی در حدود اختیارات تهیه و به موقع اجرا گذارده می‌شود بایستی از تاریخ امضاء نخست‌وزیر فعلی منتها تا سه ماه برای تعیین تکلیف قطعی به مجلس شورای ملی تقدیم شود».

از جمله مواردی که به تصویب نهایی می‌رسد، «لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری» است که در ۵ اسفند ۱۳۳۵ به تصویب کمیسیون مشترک مجلسَین می‌رسد و از این تاریخ عنوان «قانون استقلال کانون وکلای دادگستری» می‌گیرد. در ماده ۲۴ این قانون آمده است: «لایحه قانونی استقلال کانون وکلا مصوب اسفند ماه ۱۳۳۱ و آن قسمت از قانون وکالت مصوب بهمن ماه ۱۳۱۵ ...نسخ می‌شود».

به عنوان جمع بندی: اکنون «لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری» نسخ گردیده و «قانون استقلال کانون وکلای دادگستری» اعتبار دارد.

جالب این که آیین‌نامه جدید (صرف نظر از اختلاف اعتبار آن) عنوان «آیین‌نامه اجرایی لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری» را دارد که نه تنها به تغییرات ۵ اسفند ۱۳۳۳ توجهی ندارد، بلکه کلمه «قانونی» نیز از قلم افتاده است! از ارسطو نقل شده است: «من استادم افلاطون را دوست دارم، اما حقیقت را از وی بیشتر دوست می‌دارم». می‌توان گفت: ما مصدق را دوست داریم، اما حقیقت را از وی بیشتر دوست داریم.

*** برای ارتباط با وکیل می‌توانید به ایمیل زیر یا آی دی EbrahimAyoubi در شبکه ایکس (توییتر) رجوع کنید.**
ebrahim.ayoubi@ut.ac.ir

درسنامه

حبس تعلیقی چیست؟

آنچه یک شهروند باید از حقوق کیفری بداند— ۵۹

آرمان احمدی
وکیل پایه یک

این نوع مجازات، حبسی است که برای محکوم تعیین شده اما به صورت تعلیقی درآمده و اجرا نمی‌شود. در واقع دادگاه پس از محکومیت فرد به حبس، با توجه به شرایط خاص پرونده و شخصیت محکوم، اجرای حکم حبس را برای مدت معینی به تعویق می‌اندازد. این رویکرد، فرصتی است برای اصلاح مجرم، از اثرات منفی حبس بر زندگی شخصی و اجتماعی وی جلوگیری کرده و به کاهش جمعیت زندان‌ها و هزینه‌های نگهداری زندانیان کمک می‌کند. با این حال، اعمال حبس تعلیقی نیازمند ارزیابی دقیق شرایط پرونده، سوابق کیفری و خطرات احتمالی برای جامعه است. همچنین قضات نیز در تصمیم‌گیری ویژگی‌های شخصیتی محکوم، مانند سن، وضعیت تأهل، شغل، وضعیت اقتصادی و سوابق کیفری را نیز مد نظر قرار می‌دهند. در صورتی که محکوم به دستورات دادگاه عمل کند، حکم حبس لغو می‌شود، ولی در صورت تخلف یا ارتکاب جرم جدید، حکم تعلیق لغو و حبس اجرا خواهد شد. در نهایت، حبس تعلیقی تلاشی برای جایگزینی مجازات‌های زندان‌محور با شیوه‌های ترمیمی و اصلاحی است و هدف آن بازگرداندن مجرم به جامعه است.

آیا حبس تعلیقی نیاز به وثیقه دارد؟ حبس تعلیقی نیازی به وثیقه ندارد. البته در برخی موارد خاص و با توجه به شرایط پرونده، ممکن است قاضی تصمیم به اخذ وثیقه یا تضمین‌های دیگر بگیرد تا مطمئن شود محکوم از شرایط حکم پیروی خواهد کرد.

بر اساس ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی، حبس تعلیقی فقط در مورد حبس‌های تعزیری درجه سه تا هشت قابل اعمال است و شامل مجازات‌های حدی یا حبس‌های تعزیری درجه یک و دو نمی‌شود. اگر فرد در طول مدت تعلیق مرتکب جرم جدیدی نشود و شرایط را رعایت کند، پس از پایان مدت تعلیق، حکم حبس لغو می‌شود. اما در صورت ارتکاب جرم جدید یا عدم رعایت شرایط، قاضی دستور اجرای مجازات حبس را صادر خواهد کرد.

*** برای ارتباط با ایشان می‌توانید با شماره ۰۹۱۲۴۳۹۴۹۵۸ تعامل کنید.**

پارکه / مصطفی آرانی

مادرم ایرانی است؛ چطور شناسنامه بگیرم؟

پاسخ به سوالی در خصوص شکایت از فردی که می‌دانیم کاری علیه ما انجام داده ولی سندی علیه او نداریم

این هفته دو سوال از سوالات مخاطبان روزنامه را بررسی می‌کنیم:

۱ طبق بند ۴ ماده ۹۷۶ قانون مدنی، اتباعی که یکی از والدین آن‌ها متولد ایران باشند می‌توانند شناسنامه بگیرند. مادر من متولد ایران است ولی در خانه و نیز یکی از وکلای محترم گفتند که با شهادت شهود چنین چیزی (صدور شناسنامه) ممکن است. می‌خواستم بدانم نیاز به چند شاهد دارم و اگر سن شاهدها خیلی کمتر از مادر من باشد مشکلی ندارد؟ مثلا پسرخاله‌ام و خاله‌ام می‌توانند شهادت بدهند؟

پاسخ: طبق قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی مصوب سال ۱۳۸۵ و اصلاحی سال ۱۳۹۸؛

«فرزندان حاصل از ازدواج شرعی زنان ایرانی با مردان غیرایرانی که قبل یا بعد از تصویب این قانون متولد شده یا می‌شوند، قبل از رسیدن به سن هجده سال تمام شمسی به درخواست مادر ایرانی در صورت نداشتن مشکل امنیتی (به تشخیص وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) به تابعیت ایران در می‌آیند.

فرزندان مذکور پس از رسیدن به سن هجده سال تمام شمسی، در صورت عدم تقاضای مادر ایرانی، می‌توانند تابعیت ایران را تقاضا کنند که در صورت نداشتن مشکل امنیتی (به تشخیص وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) به تابعیت ایران پذیرفته می‌شوند. پاسخ به استعلام امنیتی باید حداکثر ظرف مدت سه‌ماه انجام شود و نیروی انتظامی نیز مکلف است نسبت به صدور پروانه اقامت برای پدر غیرایرانی در صورت نداشتن مشکل امنیتی (به تشخیص وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) اقدام کند.

تبصره ۱. در صورتی که پدر و یا مادر متقاضی در قید حیات نبوده و یا در دسترس نباشند، در صورت ابهام در احراز نسب متقاضی، احراز نسب با دادگاه صالح می‌باشد.

تبصره ۲. افراد فاقد تابعیتی که خود و حداقل یکی از والدین‌شان در ایران متولد شده باشند، می‌توانند پس از رسیدن به سن هجده سال تمام شمسی، تابعیت ایرانی را تقاضا کنند که در صورت نداشتن سوءپیشینه کیفری و نیز نداشتن مشکل امنیتی (به تشخیص وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) به تابعیت ایران پذیرفته می‌شوند.

طبق ماده ۲ از آیین‌نامه این قانون، ملاک ایرانی بودن مادر، اسناد سجلی اوست. بنابراین در صورتی که مادر شما شناسنامه ایرانی داشته باشند شما نیز می‌توانید شناسنامه ایرانی دریافت کنید و نیازی به شهادت شهود نیست. هم چنین شما را دعوت می‌کنیم که برای مطالعه جزییات اجرایی قانون به آیین نامه اعطای تابعیت ایران به فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی مصوب سال ۱۳۹۹ مراجعه کنید.

۲ متن‌هایی حاوی توهین به صورت تایپ شده در برگه آ۵ در اطراف محل کار و محل سکونت من نصب شده و بعد از هر بار نیز که با ۱۱۰ تماس گرفتم صورتجلسه شده است. می‌دانم کار چه کسی است اما دلیل و مدرک ندارم. چکار می‌توانم بکنم؟

پاسخ: شما می‌توانید در این زمینه شکایت خود را مطرح کنید و در مرحله بازپرسی اعلام کنید به فردی مظنون هستید و از قاضی بخواهید که برای دریافت فیلم دوربین‌های مداربسته اطراف این محل، دستور قضایی صادر کند. این فیلم‌ها می‌تواند در این زمینه به کمک شما بیاید.

پارکه پنجشنبه هر هفته در همین صفحه، به پرسش‌های حقوقی شهروندان پاسخ می‌دهد. شما هم می‌توانید سوالات خود را به دو نشانی الکترونیکی زیر یا پیامک ۰۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷ ارسال کنید:
PR@7sobh.com
Mo.masjedi@gmail.com

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان همدان
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک اسدآباد
هیأت موضوع قانون تعیین وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سندرسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی وساختمانهای فاقد سندرسمی

برابررای شماره۱۴۰۳/۱۰۰۷۵مورخه۱۴۰۳/۱۰/۲۲هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقدسندرسمی مستقردرواحدثبتی حوزه ثبت ملک اسدآبادتصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی علی سحاب اعلا فرزندسبزعلی بشماره شناسنامه ۱۸۷۹صادره ازاسدآباد درششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۴۸۳/۴۴مترمربع درقسمتی ازپلاک شماره ۱۰۱اصلی واقع در بخش ۶ همدان حوزه ثبت ملک اسدآباد اراضی روستای چنارعلیا خریداری ازمالک رسمی چراغعلی عزتی فرزند محمد محرزگردیده است.لذابه منظوراطلاع عموم مراتب دردو نوبت به فاصله ۱۵روز آگهی می شودودرصورتی که اشخاص نسبت به صدورسند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشندمی توانندازتاریخ انتشاراولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خودرا به این اداره تسلیم وپس ازاخذرسید،ظرف مدت یک ماه ازتاریخ تسلیم اعتراض،دادخواست خود رابه مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است درصورت انقضای مدت مذکوروعدم وصول اعتراض طبق مقررات سندمالکیت صادرخواهدشد.

محسن حضرتی
رئیس ثبت اسناد واملاک اسدآباد

نوبت چاپ اول: ۱۴۰۳/۱۱/۱۰
نوبت چاپ دوم: ۱۴۰۳/۱۱/۲۵
م الف : ۲۰۴۱

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان همدان
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک اسدآباد
هیأت موضوع قانون تعیین وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سندرسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی وساختمانهای فاقد سندرسمی

برابررای شماره۱۴۰۳/۱۰۰۷۶مورخه۱۴۰۳/۱۰/۲۲هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقدسندرسمی مستقردرواحدثبتی حوزه ثبت ملک اسدآبادتصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی علی سحاب اعلا فرزندسبزعلی بشماره شناسنامه ۱۸۷۹صادره ازاسدآباد درششدانگ یک قطعه باغ محصور به مساحت ۱۶۳۹/۶۰مترمربع درقسمتی ازپلاک شماره ۱۰۱اصلی واقع در بخش ۶ همدان حوزه ثبت ملک اسدآباد اراضی روستای چنارعلیا خریداری ازمالک رسمی چراغعلی عزتی فرزند محمد محرز گردیده است.لذابه منظوراطلاع عموم مراتب دردو نوبت به فاصله ۱۵روز آگهی می شودودرصورتی که اشخاص نسبت به صدورسند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشندمی توانندازتاریخ انتشاراولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خودرا به این اداره تسلیم وپس ازاخذرسید،ظرف مدت یک ماه ازتاریخ تسلیم اعتراض،دادخواست خود رابه مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است درصورت انقضای مدت مذکوروعدم وصول اعتراض طبق مقررات سندمالکیت صادرخواهدشد.

محسن حضرتی
رئیس ثبت اسناد واملاک اسدآباد

نوبت چاپ اول: ۱۴۰۳/۱۱/۱۰ نوبت چاپ دوم: ۱۴۰۳/۱۱/۲۵
م الف : ۲۰۴۳

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان اصفهان
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک غرب اصفهان

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر آرا صادره هیات های موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی منطقه غرب اصفهان تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضیان محرز گردیده است لذا مشخصات متقاضیان و املاک مورد تقاضا به شرح زیر به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود. در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نماید.

۱- برابر رای شماره ۲۱۰۶۰ مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۰۶ هیات اول مالکیت آقای محمد علی شکری ساز به شناسنامه شماره ۳۷۹ کد ملی ۱۸۱۶۶۹۱۰۰۳ آبادان اصفهان فرزند حاجی نسبت به سه دانگ مشاع از ششدانگ ساختمان مسکونی به مساحت ۱۲۶/۸۳ متر مربع پلاک شماره ۶۷ اصلی واقع در اصفهان بخش ۱۴ حوزه ثبت ملک غرب اصفهان از مالکیت حسین و حسنعلی نجاران عاشق ابادی فرزندان ابوالقاسم تائید و محرز گردیده است.

۲- برابر رای شماره ۲۱۰۵۸ مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۰۶ هیات اول مالکیت خانم ساره فضل اله زاده به شناسنامه شماره ۲۳۱ کد ملی ۱۸۱۷۸۳۸۱۴۸ آبادان اصفهان فرزند محمد تقی نسبت به سه دانگ دانگ مشاع از ششدانگ ساختمان مسکونی به مساحت ۱۲۶/۸۳ متر مربع پلاک شماره ۶۷ اصلی واقع در اصفهان بخش ۱۴ حوزه ثبت ملک غرب اصفهان از مالکیت حسین و حسنعلی نجاران عاشق ابادی فرزندان ابوالقاسم تائید و محرز گردیده است.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۱۱/۱۰
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۱۱/۲۵
رییس منطقه ثبت اسناد و املاک غرب اصفهان – شهریاری
۸۱۲

SMS Telegram WhatsApp
0920 200 17 07
شماره اختصاصی روزنامه هفت صبح برای دریافت پیام متنی، تصویری و ویدئویی از طریق پیامک، تلگرام و واتس‌اپ

شناسه آگهی : ۱۸۸۲۳۸۸

آگهی مناقصات

وزارت راه و شهرسازی
سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای
استان اذربایجان غربی

کارفرما : اداره کل راهداری و حمل ونقل جاده ای استان اذربایجان غربی
آدرس : ارومیه - خیابان والفجر ۲ - نرسیده به پل میثم - اداره کل راهداری و حمل ونقل جاده ای استان آذربایجان غربی

ردیف	نام پروژه	شماره‌مناقصه	برآورداولیه	تضمین
۱	لکه گیری و روکش آسفالت محور سلماس-ارومیه از سمت سلماس گردنه قوشچی -قولنجی	۸۲-ر-۰۳	۲۷۲،۷۹۲،۴۹۳،۴۸۳	۱۳،۶۳۹،۶۲۴،۶۷۵

- پیمانکاران دارای رتبه حداقل ۵ رشته راه و ترابری از سازمان برنامه و بودجه میتوانند در این مناقصه شرکت نمایند .
۱) تحویل (فروش) اسناد مناقصه از تاریخ ۱۴۰۳/۱۱/۲۱ تا تاریخ ۱۴۰۳/۱۱/۲۵ می‌باشد. (فقط از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir)
۲) مهلت ارسال پاسخ فراخوان تا ساعت ۱۹:۰۰ پنجشنبه مورخ ۱۴۰۳/۱۲/۰۹
۳) تاریخ بازگشایی پیشنهادها از طریق سامانه ستاد روزشنبه ساعت ۰۸:۰۰ مورخ ۱۴۰۳/۱۲/۱۱
۸۴۰

نکته بازی

یعنی کارتال و ماتزاری بعدا شکایت نمی کنند؟

خبر این است: «کمیته تدوین و تنظیم مقررات فدراسیون فوتبال به هیات رئیسه فدراسیون پیشنهاد داده تا مربیان، بازیکنان، مشاوران و ... خارجی که طی سالیان اخیر باشـگاه‌های ایرانی را در فیفا یا دادگاه حکمیت ورزش محکوم کردند، اجازه حضور دوباره در فوتبال ایران را نداشته باشند و ورودشان ممنوع شود.» اگر این پیشنهاد تصویب شود افرادی مثل مارک ویلموتس، پیتسو موسیمانه، آندره‌آ استراماچونی، گابریل کالدرون، بوژیدار رادوشوویچ، آنتونی استوکس و ... دیگر اجازه حضور و فعالیت در ایران را نخواهند داشت. تبریک می گوییم. واقعا با این قانون از میلیاردها دلار هزینه اضافی در فوتبال ایران جلوگیری خواهد شـد. فکرش را بکنید! از این به بعد هر مربی و بازیکن خارجی که بخواهد به ایران بیاید، به این فکر می کند که اگر به هر دلیل در ایران به مشکل خورد و به فیفا شکایت کرد، دیگر نمی‌تواند به ایران بیاید و خب از تصمیمش منصرف می‌شود! آقایان مدیر! یعنی واقعا با این تصمیم، مشکلات در فوتبال ایران کمتر می‌شود؟ الان دوستان مطمئن هستند که اگر یکی مثل استراماچونی دوباره به ایران می‌آمد، باز هم به فیفا شکایت می کرد؟ این دوستان حاضرند امضا و تعهد بدهند که مربیان جدید مثل همین کارتال یا ماتزاری، به فیفا شکایت نکنند؟ اساتید! مشکل از مربیانی که شکایت کرده‌اند نیست! مشکل از مدیران فوتبال ماست که قراردادها را جوری می‌بندند که در هر صورت در فیفا محکوم می‌شوند! به جای این پیشنهاد، لطفا مدیران را ملزم کنید که از قوانین حقوقی مطلع باشند و از افراد معتبر و «این کاره» برای بستن قرارداد با خارجی‌ها استفاده کنند. تا وقتی مدیران باشگاه‌ها و خود فدراسیون، قدمی برای آگاهی و یادگیری برندارند، این مشکل حل نخواهد شد. مطمئن باشید.

لابد شما هم بهترین مدیرعامل تاریخ هستید!

«کارتال بزرگ‌ترین مربی خارجی است که به ایران آمده، حتی بزرگ‌تر از کی‌روش و برانکو.» این جمله را رضا درویش مدیرعامل باشگاه پرسـپولیس بر زبان آورده اسـت. واقعا نمی‌توانیم درک کنیم که یک مدیرعامل چرا باید چنین حرفی را بر زبان بیاورد. آیا صرف اینکه خود او این مربی را به ایران آورده و روی نیمکت تیمش نشانده، کافی است تا او را بزرگ‌ترین مربی خارجی تاریخ فوتبال ایران بداند؟ البته هواداران پرسپولیس ممکن است او را از کی‌روش بالاتر بدانند. به هرحال این مربی پرتغالی اختلافات عمیقی با سرمربی محبوب تیم‌شان برانکو داشت اما خودشان هم خوب می‌دانند که لااقل الان نمی‌توان این نظریه را قبول کرد. ما هم به کی‌روش کاری نداریم. اما اینکه یک مربی را به ایران بیاورید و بعد از دو سه هفته او را از پرافتخارترین و محبوب‌ترین مربی خارجی تاریخ باشگاه خودتان هم بهتر بدانید، چه معنی دارد؟ الان می‌خواهید او را بزرگ کنید یا خودتان را؟ بگذارید بنده‌خدا چند هفته کار کند، تاثیر بگذارد، یک جام بگیرد، بعد از او تعریف کنید تا کسی نفهمد که در اصل دارید خودتان را تبلیغ می کنید! با این دست‌فرمانی که در پیش گرفته‌اید، لابد نبیل باهویی هم بهترین مهاجم خارجی تاریخ باشگاه پرسپولیس است. آقای درویش! اصلا به فرض اینکه حرف شما درست است. می‌توانید نظرتان را درباره نبیل باهویی که با انتخاب مستقیم و شخصی شما به پرسپولیس آمد بگویید؟ راستی خوان کارلوس گاریدو چطور بود؟ اصلا همه این حرف‌ها به کنار! انصاف است که با این جملات، سرمربی تازه‌وارد خود را تحت فشار بگذارید؟ بعد از این همه سال مدیریت در سایپا و پرسپولیس، دارید تجربه و مدیریت خود را به مردم نشان می‌دهید؟

بازهم باخت بازهم ۱۰ نفره شدن

در یک اتفاق تکراری اما عجیب، پرسپولیس مقابل سپاهان اخراجی داد و شکست خورد

نادر نامدار | سپاهان و پرسپولیس در چارچوب دیداری حساس از مرحله یک هشتم نهایی جام حذفی فوتبال از سـاعت ۱۵:۳۰ روز چهارشـنبه در ورزشگاه نقش جهان اصفهان به مصاف هم رفتند که این مسابقه در ۹۰ دقیقه، با نتیجه تساوی ۲ - ۲ به پایان رسید و کار به وقت‌های اضافه کشیده شد. در وقت‌های اضافه سپاهان از برتری عددی خود نسبت به پرسپولیس استفاده کرد و توانست در همان دقایق ابتدایی وقت‌های اضافه دروازه پرسپولیس را برای بار سوم باز کند و پس از آن نیز تلاش پرسپولیس برای جبران نتیجه فایده‌ای نداشت و زردپوشان اصفهانی در نهایت با نتیجه ۳ بر ۲ از سد پرسپولیس گذشتند. محمدمهدی محبی (۱۴)، محمد دانشـگر (۸۸) و میلاد زکی‌پور (۹۳) برای سپاهان و علی علیپور (۴۱) و فرشاد احمدزاده (۷۲) برای پرسپولیس گلزنی کردند.

سال فاجعه پرسپولیس مقابل سپاهان

پرسپولیس برای هشـتاد و پنجمین بار مقابل سپاهان قرار گرفت و این بازی در حالی برگزار شد که اسماعیل کارتال امید زیادی داشت تا با کسـب پیروزی در این مسابقه مسیر تیمش به سـمت قهرمانی در جام حذفی را پیش ببرد و این امید با زدن گل دوم توسط فرشاد احمدزاده بیشتر هم شـد اما بعد از اخراج امید عالیشاه، سپاهان به بازی برگشت و روی دو ارسال، نسخه قرمزها را پیچید.

سپاهان در حالی بیسـت و چهارمین برد خود مقابل پرسپولیس را به دسـت آورد که در این بین رکورد جالب سـپاهان، کسب سومین برد متوالی در یک سال مقابل پرسپولیس است که هرگز در هماوردی این تیم تکرار نشـده بود و حتی پرسپولیس هم نتوانسته بود در یک سال خورشیدی سه بار سپاهان را شکست دهد. طلایی‌پوشان ابتدا در لیگ برتر ۲-۱ توانستند پرسپولیس را از پیش رو بردارند و بعد نوبت به بازی سـوپرجام رسید که سـپاهان با تک گل اسـتیون انزونزی موفق به کسب پیروزی شد و دیروز هم شاگردان پاتریس کارترون با سه گل پرسپولیس را شکست دادند و این تیم را از جام حذفی کنار زدند. جالب اینکه در شـش بازی اخیر بین پرسپولیس و سپاهان، تیم زردپوش پنج بار برنده شده و پرسپولیس از برد ناکام مانده تا سـپاهان تبدیل به تیم برتر مطلق در جدال با پرسپولیس در سال‌های گذشته لقب بگیرد. البته هشتاد و ششـمین مصاف پرسپولیس و سـپاهان دیداری اسـت که نیم فصل دوم در ورزشگاه آزادی برگزار خواهد شد و پرسپولیس می‌تواند با یک برد و حمله بـه صدر، همه این باخت‌ها را به باد فراموشی بسپارد.

نقش پررنگ استقلالی‌های سابق

۳ بازیکـن که سـابقه حضور در اسـتقلال را دارند، نقش مهمی در پیروزی سـپاهان مقابل پرسـپولیس داشـتند. گل دوم سـپاهان در شرایطی به ثمر رسید که این تیم دو بر یک از پرسپولیس عقب بود و دقایقی قبل‌تر پرسپولیس با اخراج امید عالیشاه ۱۰نفره شده بود. در صحنه گل دوم سپاهان، ابتدا سیاوش یزدانی روی توپ ارسال شده تاثیر گذاشـت و در ادامه محمد دانشگر روی تیر دو با ضربه سر دوم، دروازه پرسپولیس را باز کرد. این دو بازیکن دو فصل پیش در اسـتقلال همبازی بودند. جالب اینکه ارسال این توپ هم توسـط محمد کریمی انجام شد که او هم در نقل و انتقالات مد نظر استقلال بود. گل دانشگر، خیلی‌ها را به یاد گل او در دربی انداخت. گلی که خیلی‌هـا را به یاد گل تسـاوی‌بخش او مقابل پرسپولیس در شـهرآورد نیمه‌نهایی جام حذفی ۱۳۹۹ انداخت. جایی که دانشـگر در آن دیدار نیز روی ارسال عالی هرووویه میلیچ با ضربه سر چکشی موفق به باز کردن دروازه پرسپولیس در وقت‌های تلف شده شد تا بازی به تساوی ۲-۲ کشیده شـود و در نهایت اسـتقلال در ضربات پنالتی موفق به شکست پرسپولیس شود. ضمن آنکه این سومین گل دانشـگر مقابل پرسپولیس بود. او نخسـتین بار در آذرماه ۱۳۹۴ توانست با پیراهن نفت تهران دروازه پرسپولیس را باز کند و دومین گلش را نیز با پیراهن استقلال در همان شهرآورد مقابل سرخپوشـان پایتخت شد. تاثیر استقلالی‌ها در این بازی مختص به گل دوم نبود. گل سوم سـپاهان را هم میلاد زکی‌پور زد که در نیم‌فصل اول بازیکن استقلال بود. عجیب اینکه او در اسـتقلال نمایش‌های خوبی نداشت و صدای اعتراض هـواداران را درآورده و کادر فنی هم با جدایی او به راحتی موافقت کرده بود.

سریال ادامه‌دار ۱۰ نفره شدن مقابل سپاهان

دیروز امید عالیشـاه در نیمه دوم با خطا روی بازیکن سپاهان و پس از بررسی صحنه توسط VAR اخراج شـد و بلافاصله بعد از این اخراج سپاهان به گل دوم رسـید. حدود دو ماه پیش هم در تقابل این دو تیم در دور رفت لیگ برتر، گئورگی گولسیانی در نیمه اول اخراج شده بود و سپاهان در نیمه دوم با زدن گل دوم به برتری رسـیده بود. در بازی برگشت فصل گذشته دو تیم هم امید عالیشاه در دقایق پایانی اخراج شد و خوش‌شانس بود که فرصت‌های سپاهان بعد از این اتفاق به گل تبدیل نشد و بازی با تساوی بدون گل به پایان رسـید. در بازی رفت دو تیم هم که با سـوپرگل رضا اسدی به سود سپاهان به پایان رسـید، شـهاب زاهدی در وقت‌های تلف‌شده اخراج شـده بود. دو فصل قبل‌تر هم اخراج لئاندرو پریرا در نیمه اول، پرسپولیس را در تهران ۱۰ نفره کرد و در نهایت این سپاهان بود که بـا گل کریمی در وقت‌های تلف‌شـده میزبانش را شکست داد.

گزارش

بازگشت در شش دقیقه

آمار گل‌های خورده منچسترسیتی در این فصل به بدترین رکوردهای دوران گواردیولا نزدیک می‌شود

بازگشت باشکوه رئال مادرید در شـب پرماجرای اتحاد برنامه‌های گواردیولا را به هم ریخت تا کهکشـانی‌ها با پیروزی ۳ بر ۲ برای مسابقه برگشت در سانتیاگو برنابئو آماده شوند. منچسترسیتی تا ۴ دقیقه مانده به پایان وقت قانونی با نتیجه ۲ بر یک پیش بود اما براهیم دیاس، بازیکن سابق منچسترسـیتی و جود بلینگام با ۲ گل دیرهنگام همه‌چیز را از ریشه تغییر دادند.

تیم کم‌روحیه و کم‌تمرکز

منچسترسیتی چگونه این برتری خانگی را از دست داد؟ سیتیزن‌ها با تنها ۳ پیروزی از ۸ مسابقه مرحله لیگ مقابل ضعیف‌ترین رقبا به پلی‌آف رسـیدند و گواردیولا تیمش را با توجه به عملکرد ضعیف، سـزاوار قرعه رئال مادرید می‌دانست. روحیه و ذهنیت آشفته یاران منچسترسیتی ۸۶ دقیقه دوام آورد اما خبری از پیروزی غیرمنتظره نبود. رئال مادرید بهتر از هر تیم دیگر در سراسـر اروپا از نقاط ضعف رقبا استفاده می کند. پاس‌های نابجای ادرسون و مدافعان به بازیکنان تحت فشار دردسرساز شد و دفع توپ اشتباه سنگربان برزیلی، گل دوم رئال مادرید را ساخت.

فرار میلی‌متری هالند از آفساید

گل نخست منچسترسیتی با هنرنمایی یوشکو گواردیول در محوطه جریمه رئال مادرید همراه شد. مدافع تنومند کروات که با اختلاف بهترین بازیکـن تیم گواردیولا در مسابقه سه‌شنبه شـب بود با فرار از تله آفساید خود را به پشت سر مدافعان حریف رساند و با کنترل سینه توپ را برای گلزنی هالند مهار کرد. مهاجم نروژی هنگام دریافت پاس آخر در موازات توپ قرار داشت و بررسی این صحنه نزدیک ۳ دقیقه و ۴۸ ثانیه در اتاق VAR زمان برد.

دفاع لرزان رئال

رئال مادرید بازی را بهتر آغاز کرد و در ۱۵ دقیقه ابتدایی ۳ حمله خطرناک روی دروازه حریف ایجاد شد اما دفاع پرمشـکل و مصدومیت‌زده مادرید تنبیه شـد. فدریکو والورده برای شرکت در کارهای تهاجمی پیش رفته بود و اورلین شوامنی و رائول آسنسیو هیچ مهارتی برای مهار هالند از خود نشان ندادند. برج نروژی توپ را به گریلیش سپرد، به پشت دفاع حریف نفوذ کرد و گل نخست را به ثمر رساند. مصدومیت همزمان دنی کارواخال، ادر میلیتائو، آنتونیو رودیگر، داوید آلابا و لوکاس واسکس دفاع رئال را به وضعیت اورژانسی رسانده است.

امباپه خوش‌شانس

رئال مادرید در طول مسـابقه بارها تا یک قدمی دروازه حریف رسـید اما ضربات نهایی فایـده و دقت چندانی نداشت. حتی پاس گل وینیسـیوس روی گل سوم هم چیزی جز یک شـوت کم‌توان نبود. امباپه، جدیدترین ستاره کهکشانی در نیم‌فصل اول لحظات پردردسری را پشت سر گذاشت اما اخیراً به فرم خوب نزدیک می‌شود و در ۲ مسابقه اخیر تیمش ۲ گل تساوی‌بخش ارزشمند را به ثمر رساند. با این حال هر ۲ گل با کمی خوش‌شانسی همراه بود و کم‌دقتی او در ضربات آخر همچنان مشهود اسـت. گل او در مقابل اتلتیکو بدون سوار شدن توپ بر پا و با برخـورد آن به زمین به ثمر رسـید و در این بازی هم ضربه نامتعـادل مهاجم فرانسـوی روی پاس عالی سبایوس، به دلیل تکیه اشـتباه پای ادرسون به گوشه دروازه پرواز کرد.

هالند و طلسم مادرید

سـریال ناکامی‌های ارلینگ هالند مقابـل رئال مادرید به پایان رسـید اما ۲ گل او هم برای پیروزی کافی نبود. عملکرد ساکن و کم‌رمق هالند در فصل ۲۳-۲۰۲۲ و در ورزشگاه برنابئو باعث شکل‌گیری انگاره خاموش بودن او در مسابقات بزرگ شد و آنتونیو رودیگر به بهترین شکل او را مهار کرد. هالند جز به ثمر رسـاندن ۲ گل در دفع کرنرهای حریف روی تیر نخست هم موفق نشان داد.

مربع تهاجمی

کارلو آنچلوتی همچنـان هر ۴ مهـره تهاجمی تیمش را همزمان به خدمت می‌گیرد اما سه‌شـنبه شـب هم به محض به‌هم خـوردن این ترکیب و خـروج امباپه و رودریگو، بازگشت شکل گرفت. بلینگام در حضور ستاره فرانسـوی آزادی عمل تهاجمی خود را از دسـت داده و در دقایق پایانی موفق ظاهر شـد و گل پیروزی را به ثمر رساند. بلینگام به عنوان نخسـتین بازیکن تاریخ فوتبال انگلیس با پیراهن ۲ تیم خارجـی مختلف (دورتموند و رئال مادرید) مقابل یک رقیب هموطن در لیگ قهرمانان اروپا گل می‌زند.

سوژه روز

آبی‌ها از رحمتی انتقام می گیرند؟

همین چند هفته پیش استقلال در ورزشگاه آزادی و مقابل دیدگان هزاران تماشاگر خود مغلوب شمس‌آذر شد و برای اولین بار مقابل این تیم قزوینی شکست خورد. حالا آبی‌ها امیدوار هستند با حذف کردن شمس‌آذر انتقام شکست چند هفته گذشته را از شاگردان مهدی رحمتی بگیرند.

آمار رحمتی مقابل استقلال: مهدی رحمتی تاکنون با هدایت تیم‌های شهر خودرو، آلومینیوم، نساجی، هوادار و شمس‌آذر مقابل استقلال قرار گرفته و اگر تقابل آخر او و تیم سابقش را فاکتور بگیریم رحمتی در بقیه مصاف‌های خود با استقلال دست پایین‌تر را داشته و نتوانسته نتایج خوبی کسب کند.

خاطرات خوش استقلال از قزوین: استقلال در طی ۲ فصل اخیر سه بار در ورزشگاه آزادگان شهر قزوین به مصاف رقبای خود رفته که در هیچ کدام بازنده نبوده است. یک بار شمس آذر را شکست داده و یک بار به تساوی مقابل این تیم رضایت داده است. ضمن اینکه یک بار هم با ملوان، مساوی کرده است.

نوشداروی سهراب برای استقلال؟ سهراب بختیاری‌زاده بعد از کلی جار و جنجال دوباره به نیمکت استقلال برگشت تا هدایت این تیم را در مسابقه حساس امروز مقابل شمس‌آذر برعهده بگیرد. سهراب خودش در کنفرانس خبری بعد از مسابقه با مس رفسنجان اذعان کرده بود که به هیچ وجه دوست ندارد دیگر سرمربی استقلال باشد و حتی در کادر فنی این تیم مسئولیت را عهده‌دار باشد اما دوباره اتفاقاتی افتاد که او به استقلال برگشت و باید دید در قزوین چه نتیجه‌ای کسب خواهد کرد.

آخرین حذف استقلال در مرحله یک هشتم نهایی ؛ ۶ سال قبل: آخرین باری که استقلال در مرحله یک هشتم نهایی جام حذفی با شکست مواجه شد به ۶ سال قبل برمی گردد. جایی که هدایت استقلال برعهده شفر بود و این تیم در خانه خود مغلوب سایپایی شد که علی دایی هدایتش را به عهده داشت.

غایبان پرشمار استقلال

در این بازی استقلال غایبان زیادی دارد. جوئل کوجو، جلال‌الدین ماشاریپوف، مهرداد محمدی و روزبه چشمی چهار بازیکنی هستند که در این مسابقه غایب خواهند بود. البته روزبه چشمی در تمرین آبی‌ها حضور داشت اما بعید به نظر می‌رسد که با توجه به مصدومیت زانو کادرفنی استقلال روی این بازیکن ریسک کند و او را در ترکیب اصلی قرار دهد. آرش رضاوند دیگر بازیکن استقلال است که در این مسابقه غایب بود، هافبک آبی‌ها در بازی مقابل مس رفسنجان با دریافت دو کارت زرد از زمین مسابقه اخراج شد و در این مسابقه غایب خواهد بود. دیروز اما به تعداد مصدومان و غایبان استقلال اضافه شد. محمدحسین مرادمند در تمرین آسیب دید و این بازی را از دست داد. برای ایمان سلیمی هم همین اتفاق افتاد اما تکلیف او مشخص نیست و ممکن است به این بازی برسد.

گوشه و کنار مستطیل سبز

بارسا به اتلتیکو خورد؛ رئال به سوسیه‌داد

مراسم قرعه‌کشـی مرحله نیمه‌نهایی جام حذفی اسپانیا موسـوم به کوپا دل‌ری از ساعت ۱۵:۳۰ روز چهارشنبه (به وقت تهران) در مقر فدراسیون فوتبال اسپانیا واقع در شهر مادرید برگزار شد و چهار تیم حاضر در این مرحله رقبای خود را شناختند. طبق قرعه‌کشی آتلتیکومادرید به مصاف بارسلونا خواهد رفت و رئال سوسیه‌داد هم با رئال مادرید بازی خواهد کرد. بازی‌ها به صورت رفت و برگشت برگزار خواهد شد.

تمدید یک ساله قرارداد لواندوفسکی

روبرت لواندوفسکی که این فصل روی فرم خوبی اسـت و در ۳۳ بازی از رقابت‌های مختلف موفق به زدن ۳۱ گل شده، با این عملکرد خوبش مدیران باشگاه بارسلونا را به این فکر انداخته تا پیش از اینکه شرایط برای فعال کردن بند تمدید یک ساله او فراهم شود، قرارداد این مهاجم لهستانی را برای یک فصل دیگر تمدید کنند. قرارداد فعلی این مهاجم ۳۶ ساله تا پایان ماه فصل جاری اعتبار دارد اما طبق بندی که در قرارداد او با بارسلونا وجود دارد، در صورت حضور او در ۵۰ درصد بازی‌های فصل جاری قراردادش به طور اتوماتیک برای یک فصل دیگر تمدید خواهد شد که حالا مدیران باشگاه تصمیم گرفته‌اند پیش از رسیدن به این عدد، قرارداد لواندوفسـکی را تمدید کنند. روزنامه «موندو دپورتیوو» چاپ کاتالونیا در این خصوص گزارش داد؛ بارسلونا تنها برای تمدید قرارداد روبرت لواندوفسکی تا پایان ماه ژوئن ۲۰۲۶ به توافق رسیده است و بندی برای تمدید قرارداد او تا پایان ماه ژوئن ۲۰۲۷ وجود ندارد. طبق این گزارش؛ مهاجم لهستانی بارسلونا در سال‌های اخیر پیشنهادهای زیادی از عربستان دریافت کرده اما او تمامی این پیشنهادات را رد کرده، چون همیشه می‌خواسته در بارسلونا بماند.

فصل برای کای هاورتز تمام شد

کای هاورتز پس از پارگی همسترینگ در جریان تمرینات آماده‌سازی کمپ این تیم در دوبی، بقیه فصل را از دست خواهد داد. هنوز مشخص نیست که آیا این بازیکن ۲۵ ساله برای این مشکل نیاز به جراحی دارد یا خیر اما از همین امروز تمرکز او روی کسب آمادگی کامل برای شروع مسابقات فصل ۲۶-۲۰۲۵ خواهد بود. دوری طولانی مدت هاورتز به چالش‌های آرسنال در خط حمله اضافه شده است. بوکایو ساکا به همراه تیم به دبی سفر کرد اما پیش‌بینی می‌شود که پس از انجام عمل جراحی همسترینگ در ماه دسامبر، تا ماه مارس از میادین دور باشد. همچنین بعید به نظر می‌رسد که گابریل مارتینلی پس از مصدومیت همسترینگ در ۵ فوریه مقابل نیوکسل، در عرض کمتر از یک ماه بازگردد و گابریل ژسوس هم پس از پارگی رباط صلیبی قدامی زانوی چپ حداقل تا پایان فصل دور از میادین خواهد بود. هاورتز در این فصل تقریباً در هر بازی برای آرسنال در دسترس بوده و در ۳۴ بازی در تمامی رقابت‌ها ۱۵ گل زده و ۵ پاس گل هم ارسال کرده است. آرسنال در پنجره نقل و انتقالات زمستانی تلاش زیادی برای جذب حداقل یک مهاجم داشت اما هیچ بازیکنی به آن‌ها ملحق نشد.

راه‌حل خرید ویرتز از زبان اولی هوینس

اولی هوینس اظهارنظر جالبی درباره فلوریان ویرتز داشته است. رئیس افتخاری بایرن مونیخ بار دیگر در مورد انتقال رویایی خود یعنی جذب فلوریان ویرتز از بایرلورکوزن صحبت کرده است. او اخیرا در مصاحبه با تی آنلاین گفته بود: «اگر می‌توانستم رویایی داشته باشم، پس می گفتم فلوریان ویرتز باید به بایرن برود.» او بعد از ظهر دیروز درباره این بازیکن به بیلد گفت: «ما ویرتز را می‌خواهیم. اما این انتقال به جدایی سه بازیکن نیاز دارد. او هنوز یک قرارداد طولانی مدت با لورکوزن دارد. من شانس خرید او را ۱۰ درصد می‌بینم!» تعجب‌آور است اما هوینس شانس بایرن در این انتقال را بسیار کم می‌بیند. هوینس قبلاً یکی از دلایل اصلی این موضوع را در مصاحبه خود با تی آنلاین فاش کرده بود. به گفته او، کل بسته مالی که ویرتز نیاز دارد به قدری زیاد است که او در حال حاضر نمی‌داند آیا بایرن می‌تواند در تابستان آن را نهایی کند یا خیر.

دستیار و وکیل ماتزاری وارد تهران شدند

صبح روز چهارشنبه جیان دومینیکو کستی، دستیار والتر ماتزاری به همراه دونینی وکیل رسمی والتر ماتزاری سرمربی ایتالیایی برای بازدید از اماکن ورزشی استقلال و مذاکره با مدیران ارشد این باشگاه وارد تهران شدند. دستیار ماتزاری به همراه وکیل قانونی وی قرار است امروز از امکانات سخت افزاری باشگاه استقلال بازدید کنند. طبق برنامه از پیش تعیین شده آنها عصر امروز با مدیرعامل و اعضای هیات مدیره باشگاه اسـتقلال ملاقات می کنند تا مذاکرات نهایی خود در خصوص عقد قرارداد با باشگاه استقلال را به صورت رسمی انجام دهند.

محکومیت ۲۳۸ هزار دلاری پرسپولیس در پرونده پریرا

لئاندرو پریرا مهاجم برزیلی سابق پرسپولیس که به صورت توافقی از این تیم جدا شده بود، به دلیل عدم پایبندی باشگاه پرسپولیس به توافقات خود، این باشگاه را در فیفا به پرداخت ۱۶۳ هزار دلار به علاوه ۷۵ هزار دلار غرامت دیرکرد محکوم کرد. پس از صدور این حکم، باشگاه پرسپولیس پرونده را به دادگاه CAS ارجاع داد که اکنون دادگاه CAS نیز رأی اتاق حل اختلاف فیفا را تأیید و باشگاه پرسپولیس در مجموع به پرداخت ۲۳۸ هزار دلار محکوم کرد. این اتفاق در حالی رقم خورد که طبق توافق باشگاه پرسپولیس با لئاندرو پریرا، این باشگاه در صورت پرداخت ۱۴۳ هزار دلار در موعد مقرر در توافق نامه، می توانست این پرونده را مختومه کند، اما عدم پایبندی باشگاه پرسپولیس به توافق خود با این بازیکن باعث شد تا این باشگاه اکنون با جریمه حدود ۹۵ هزار دلاری مواجه شود و در مجموع رقمی حدود ۲۱ میلیارد به این بازیکن پرداخت کند. باشگاه پرسپولیس مدعی است این بدهی از محل مطالباتش در فیفا پرداخت خواهد شد.

شانس طارمی برای دربی ایتالیا از بین رفت

با وجود اینکه مارکوس تورام در نیمه اول آخرین دیدار اینتر مقابل فیورنتینا به دلیل مصدومیت از زمین خارج شـد ولی امیدها به بازگشت زودهنگام او بالاست. سیمونه اینزاگی در دقیقه ۲۸ این مهاجم فرانسوی را با مارکو آرناتوویچ تعویض کرد و وضعیت او از آن زمان نگران کننده بوده است، زیرا گزارش‌ها حاکی از وجود مشکلی در مچ پای چپ او بود با این حال، روزنامه کوریره دلو اسـپورت گزارش می‌دهد که این مهاجم ۲۷ ساله تنها دچار یک کبودی جزئی شده است و انتظار می‌رود او به موقع برای دربی ایتالیا در روز یکشنبه بهبود یابد. این مسابقه در ورزشگاه آلیانز برای هر دو تیم به ویژه اهمیت زیادی دارد و بازگشت تورام می تواند یک نیروی تقویتی قابل توجه برای اینتر باشد. تیمی که با یک امتیاز اختلاف نسبت به ناپولی در رده دوم است و می خواهد از دربی ایتالیا برنده خارج شود. توانایی تورام در غلبه بر مدافعان در نبردهای یک‌به‌یک بی‌نظیر است و به همین دلیل حضور او باعث می‌شود بخش مهمی از تمرکز مدافعان یووه به او معطوف شود. تورام با ۱۳ گل از ۲۴ بازی در سری آ، بهترین گلزن اینتر است.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان همدان
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک اسدآباد
هیأت موضوع قانون تعیین وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سندرسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی وساختمانهای فاقد سندرسمی.

برابررای شماره۱۴۰۳/۱۱۴۳۹مورخه۱۴۰۳/۱۱/۱۳هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقدسندرسمی مستقردرواحدثبتی حوزه ثبت ملک اسدآبادتصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی ذبیح الله رشیدی فیضی فرزندنبی بشماره شناسنامه ۴۰۲۸ صادره ازاسدآباد درششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۰۲۱/۳۵مترمربع درقسمتی از پلاک شماره ۶۷اصلی واقع در بخش ۶ همدان حوزه ثبت ملک اسداباد اراضی روستای خاکریزخریداری ازمالک رسمی ابراهیم زیوری فرهادفرزندرشیدمحرز گردیده است. لذابه منظوراطلاع عموم مراتب دردو نوبت به فاصله ۱۵روز آگهی می شودودرصورتی که اشخاص نسبت به صدورسند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشندمی توانندازتاریخ انتشاراولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خودرا به این اداره تسلیم وپس ازاخذرسید،ظرف مدت یک ماه ازتاریخ تسلیم اعتراض،دادخواست خود رابه مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است درصورت انقضای مدت مذکوروعدم وصول اعتراض طبق مقررات سندمالکیت صادرخواهدشد. م الف : ۲۱۴۹

محسن حضرتی
رئیس ثبت اسناد واملاک اسدآباد

نوبت چاپ اول: ۱۴۰۳/۱۱/۲۴ نوبت چاپ دوم: ۱۴۰۳/۱۲/۰۹

ابراهیم افشار

درد دلت را به سنگ نگو!

۱ شما بازی جعفرآقا را دیده بودی؟ یکی از تکنیکی‌ترین مهاجمین تاریخ باشگاه استقلال -و بعدها غریب‌ترین ستاره فوتبال ایران. وقتی موهایش سفید شد در گوشه‌ای از تهران درندشت گم و گور شد و گفت «پول یک بطری آب معدنی را هم ندارم من.» نه یک چادر برای پناه گرفتن در شب‌های ظلمات تهران داشت و نه دیگر خانواده‌ای و پشتیبانی. جعفر مختاری‌فر، مردی که با استقلال قهرمان جام باشگاه‌های آسیا (۱۹۹۱) شده و سال‌ها با تیم ملی درخشیده بود وقتی موهایش سفید سفید شد حتی یک جوان خاخول نسل جدید هم او را در کوچه‌های بی‌کسی نشناخت. نه تنها نسل جدید بلکه خود استقلالی‌ها هم وقتی یک روز جعفر به ساختمان باشگاه آبی مراجعه کرد نشناختند و بجا نیاوردندش. فوتبالی که او را طرد کرد، در کنار یک ازدواج ناکام سه‌ماهه، زندگی او را به تیرگی کشاند. مردی که فوتبال را از ۱۳سالگی در محله جوادیه تهران و باشگاه مهرنور آغاز کرده و سپس در دارایی توپ درخشیده بود در سال ۱۳۶۲ به باشگاه آبی پیوست و بعد از ۹ فصل توپ زدن در این تیم، از تیم محبوبش دیپورت شد؛ «من در بهترین شرایط فوتبالی خود بودم اما بعضی‌ها برای اینکه بازوبند کاپیتانی به من نرسد مجبورم کردند از استقلال بروم.» او دلشکسته و مغموم به سایپا رفت تا ثابت کند که هنوز تمام نشده است. اندکی بعد وقتی با پیراهن سایپا به دیدار تیم سابقش رفت دو پاس گل داد و سایپا ۴-۱ تیم سابقش را برد. این تلخ‌ترین بازی زندگی او بود. جعفر در عمر فوتبالی‌اش گل‌های بسیاری زد که در حافظه تاریخ ماند. مثل آن چهار گلی که در سال ۱۳۶۴ با چهار پاس رضا احدی در دروازه تیم برق کاشت. یا مثل گل استثنایی‌اش به هما در جام باشگاه‌های تهران (۱۳۶۴). اما ماندگارترین گل زندگی‌اش به پرسپولیس در دربی ۱۳۶۷ بود که آن را هم هرگز به نیکی یاد نکرد: «آن گل باعث شد سه هوادار قرمز سکته کنند و یکی‌شان از دنیا برود. من هرگز دلم این را نمی‌خواست که باعث مرگ کسی شوم.» مختاری‌فر در سال‌های آخر زندگی‌اش وقتی به مصاحبه با مطبوعات نشست گفت «من درددلم را به سنگ بزنم آب می‌شود. خواهشا وقتی در فلاکت و بدبختی مُردم نمی‌خواهم برایم ختم بگیرند و در قطعه نام‌آوران دفنم کنند. کاش مدیران استقلال حتی یک پست نگهبانی در باشگاه‌شان را به من می‌دادند تا گذران امور کنم.»

جعفر ابتدا در ۱۷سالگی در تیم دارایی تهران درخشید (۵۴ تا ۶۱) و طی ۹ فصل حضور در استقلال (از ۱۳۶۲ تا ۷۱) منهای یک سالی که اواسطش به تیم العربی قطر رفت (۱۳۶۹) در ۹۶ بازی به میدان رفت و بیش از ۳۵ گل برای تیمش به ثمر رساند. همچنین طی ۵سال حضور در تیم ملی (۱۳۶۲ تا ۶۶) در ۱۵ بازی به میدان رفت. بدترین مصدومیت او زمانی بود که به همراه تیم ملی در جام صلح و دوستی (کویت- سال ۱۳۶۸) شرکت کرد و در بازی با گینه مصدوم شد. مصدومیتش چنان بود که همه فکر کردند دیگر فوتبالش تمام شد. حتی مربی تیم ملی سلطان پروین همان جا گفت «فوتبال جعفر تمام شد.» مختاری‌فر اما دست روی زانو گذاشت و یک سال بعد به میدان برگشت. اگرچه طلای بازی‌های آسیایی پکن ۱۹۹۰ توسط تیم ملی را از دست داد اما با استقلال قهرمان و نایب‌قهرمان آسیا شد. او در تمام عمرش «خود» را باعث بدبختی‌هایش می‌دانست و هنگام گل کردن حرف‌هایش در مطبوعات می‌گفت «یک ازدواج نافرجام باعث شد زنم ۳۲ میلیون پول مرا بردارد و ببرد. آن زمان با این پول‌ها می‌شد هفت هشت دستگاه خانه در حوالی ستارخان خرید. حالا اگر کمک‌های محسن (تهرانی- گلر سابق استقلال) نبود از تنهایی و فقر گوشه تهران می‌مردم.» آخرین حضور او در میدان در ۴۷سالگی بود که باشگاه استقلال تصمیم گرفت در تیرماه ۱۳۸۴ برای او و عباس سرخاب ۳۹ ساله بازی خداحافظی برگزار کند و استقلال در دیداری دوستانه به مصاف تیم سائوپولوی برزیل رفت. آن روز جعفر در حالی که ۱۴ سال از دوری‌اش از فوتبال (آخرین تیمش شموشک نوشهر بود) می‌گذشت مغموم و خسته به مدت ۱۵ دقیقه روی چمن‌ها دوید. چمنی که یک عمر، نوستالژیک‌ترین عطر دنیا را برای او داشت. چمنی که زمستان، سیاه و کبودش کرد. بوی چمن را از او دور نگه دارید رفقا!

۲ هرچه زندگی جعفر در کدورتی بی‌پایان به پیش رفت هستی هم‌تیمی‌اش رضا احدی نیز دستکمی از او نداشت. مردی که مثل یک قوی بی‌جفت و تنها مرد. بی‌درمان و بی‌ملاقاتی و در درّه‌های بی‌کبک. رضا «پا پرانتزی» یا همان «رضای رودی فولر» یک روزی ستاره بی‌بدیل این آب و خاک بود اما در دوران میانسالی وقتی داشت مسافرکشی می‌کرد هیچکس یادش نبود. رضا نداف احدی، معروف به رضا جاز. معروف به «رضای میدون مدنی.» با آن پاس‌های مواجش و تکنیک وحشتناکش، آن روزها که به خاطر مشکلات اعصاب در بیمارستان افتاده بود و هیچ احدی حال رضا «احدی» رو نمی‌پرسید اما دم پروفسور «میشائیل ولینگ» رئیس وقت باشگاه آلمانی «روت وایس اسن»، گرم که در همان روزهای فراموش‌شدگی برایش پیغام فرستاد که «ما تو را از یاد نبردیم.» بچه میدون نامجو وقتی در زمین شیخ‌صفی و با تیم «جاز» گل کرد استقلالی‌ها عاشقش شدند و در ۱۷سالگی به تیم ملی دعوت شد. یک ستاره موفرفری با یک جفت پاهای پرانتزی، همه را توی یک وجب دستمال می‌رقصاند. وقتی در استقلال درخشید به آلمان رفت و ناگهان ستایش مجله معتبر کیکرز را از او دیدیم که برای تیمش «روت وایس اسن» در مقابل اونیون زولینگن درخشیده و گل زده است. اواسط دهه ۶۰ وقتی از آلمان بازگشت و تیم محبوبش استقلال را در اوضاع وخیمی دید بی‌دریغ به کمک تیمش شتافت اما بعدها که حجازی او را به دستیاری خود برگزید (۱۳۸۶) هیات‌مدیره با حضورش مخالفت کردند که «او ۶۰ دقیقه در تیم رقیب‌مان پرسپولیس بازی کرده است» و دلشکستگی رضا بیشتر شد. رضا پا پرانتزی گول رفاقت را خورد و شریکش، دار و ندارش را بالا کشید و به مستاجری افتاد. او از چنان حجب و حیایی برخوردار بود که بعدها پیمان معادی -بازیگر معروف ایرانی بهترین خاطره نوجوانی‌اش را برخورد با رضا احدی عنوان کرد که تازه از بازی‌های آسیایی دهلی بازگشته بود و «با مهربانی تمام از صندوق عقب ماشینش یک دانه موز به من داد. آن زمان‌ها موز به عنوان یک میوه لوکس محسوب می‌شد.» احدی که مدرک مربیگری B یوفا را داشت بعدها در همان زمان کوتاه مربیگری‌اش در تیم‌های پایه باشگاه استقلال، ستاره‌هایی چون وحید طالب‌لو، خسرو حیدری، مجتبی جباری، امیرحسین صادقی، فرزاد آشوبی، پیروز قربانی و آندو تیموریان را به فوتبال ایران معرفی کرد و در ۵۲ سالگی با دلشکستگی تمام به گور رفت. کاپیتان اسبق استقلال حتی جسدش نیز از جامعه فوتبال ایران شاکی بود. همین چند روز پیش که مدیران بهشت‌زهرا، «مهدی حاج‌محمد» را بدون اجازه خانواده احدی در قبر مشترکی با او خواباندند بچه‌هایش شاکی شدند که چرا قبر پدر ما را کندید و روحش را آزردید؟ عیبی ندارد. آقارضا یک عمر به دلشکستگی و فقر عادت داشت.

حمید رستمی

در راه ماندگان درمانده!

۱ این روایت پدر از بی‌پولی هر چقدر زهراگین و سمی بود، در درونش یک طنز تلخ‌تر و هوش هیجانی خاصی بود که به او جرأت می‌داد آن را بارها و بارها با جزئیات تعریف کند و ما از نداری خود هم غرق لذت و غرور شویم! داستانی که بعد از ۴۰ سال هنوز هم با تمام جزئیات و با لحن روایتگر پدر بر جسم و روح، نقش بسته و انگار همین دیروز بود که بر متکای گل گلی لم داده و در حالی که چای را در نعلبکی می‌ریخت تا زودتر سرد شود و از پنجره به حیاط نگاه کرده و در نیمه بازش را چک می‌کرد، مثل یک داستان هیچکاکی پر از تعلیق و بداعت تعریفش می‌کرد. اینکه ملول از رسم زمانه و مشکلات ریز و درشت مهاجرت از جایی به جایی دیگر و نبود شغل و بالا بودن هزینه خانواده ۱۲ نفره و این‌در و آن‌در زدن و حتی چوب حراج به فرش‌های خانه زدن، باز هم دستش تنگ مانده و به جایی بند نبوده و در روزی از روزها که ته‌جیبش حتی یک سکه یک تومانی وجه رایج مملکت نمانده، مجبور می‌شود مسیری طولانی را با پای پیاده طی کند و در میانه راه یکی از آشنایان که راننده تاکسی بوده می‌بینندش و تاکسی را نگه داشته و دعوت به سوار شدن می‌کند. از ایشان اصرار و از پدر انکار که بالاخره موفق می‌شود پدر را سوار کند و در صندلی جلوی تاکسی بنشاند و چاق سلامتی و حال‌واحوال و از شرایط روزگار گفتن، دقایقی بعد که دیگر نزدیک مقصد شده بودند پدر این جیب و آن جیب را می‌گردد تا یک تومنی پیدا کرده و کرایه تاکسی را بدهد و پیاده شود و از آشنای ما اصرار که امکان ندارد کرایه بگیرم و مهمان من هستید و از این حرف‌ها! اما شرم و حیای پدر اجازه نمی‌دهد که طرف فکر کند پولی در بساط ندارد و الکی ادای درآوردن سکه از جیبش و گذاشتنش در دخل تاکسی که یک قوطی کنسرو پر از سکه‌های ریز و درشت بوده، می‌کند و جوری هم این کار را با دقت و ظرافت انجام می‌دهد که صدای سکه‌ها هم در بیاید و آقای راننده جوانمرد و بامروت با کلی تشکر و امتنان و عذاب‌وجدان از گرفتن کرایه گیر می‌دهد که حتماً پول بیشتری از کرایه مقرر داخل دخل گذاشتی و باید تا دم در برسانمتان! شاید برای خیلی‌ها بی‌پولی نوعی ادا باشد و اگر صفرهای داخل حسابش کمی کمتر شود، توی سرزنان خود را بی‌پول بنامد ولی ما آن روز با گوشت و پوست و استخوان این کلمه را زیسته بودیم!

۲ مصطفی از روزگاری می‌گفت که تازه‌عروسی کرده و بیکار، علاوه‌بر آن مشغول به تحصیل در شهری دیگر در مقطع کارشناسی‌ارشد بوده و فردای آن روز باید برای امتحانی مهم عزم سفر می‌کرده، در حالی که حتی پول بنزین زدن به ماشین مدل پایینش را نداشته و برای خود، عار می‌دانسته که از پدر پول قرض بگیرد. روزگار جوانی و غرور و شق و رق راه رفتن و پز عالی و جیب خالی! مصطفی در خیابان‌های خلوت راه می‌رفت و فکر فردا می‌کرد به جای آنکه بنشیند سر درس و مشقش، در همین حال پسرکی را می‌بیند که دنبال پرنده‌ای زیبا کرده و قصد دارد بگیردش! جریان را می‌پرسد و طرف می‌گوید: «نمی‌دانم مال کیست انگار از قفس گریخته و خیلی توان پریدن ندارد ولی خیلی خوشگل است و صدای نازی هم دارد!» پسرک بعد از کمی تلاش برای گرفتن پرنده، خسته شده و ول کن ماجرا می‌شود و از اینجا به بعد قضیه برای مصطفی شروع شده و شکل جدی به خود می‌گیرد. انگار که این پرنده را از آسمان فرستاده‌اند تا مشکلش حل شود. کتش را درآورده و در چمن بلوار کنار خیابان دنبال پرنده می‌افتد و در فرصت مناسب کت را رویش می‌اندازد و صید در دام افتاده و اسیر می‌شود! پرنده در دستان مصطفی شبیه گنجی ناخوانده می‌شود که بی‌هیچ نقشه‌ای به دست آمده! به سرعت به اولین پرنده فروشی قابل دسترس مراجعه می‌کند و پرنده فروش از دیدنش ذوق کرده و قیمت ۳۰ هزار تومانی ۱۲ سال قبل را بر آن می‌گذارد. مصطفی به پرنده فروشی دوم می‌رود و این بار قیمت ۲۵ هزار تومانی را می‌شنود و به سرعت به مغازه اولی برگشته و ۳۰ هزار تومان پول نقد در برابر پرنده‌ای که اگر کمی بیشتر در کنار خیابان می‌ماند به‌سرعت طعمه گربه‌های ولگرد می‌شد، طلب می‌کند و با همان ۳۰ هزار تومان رفته و امتحانش را داده و بازمی‌گردد و چیزی هم ته جیبش می‌ماند.

۳ یکی از دلایل عمده‌ای که سعی کردم از همان ۱۰ سالگی یک شیفت کار کنم و یک شیفت به مدرسه بروم این بود که بتوانم تمام مجلات چاپ شده آن زمان را بخرم و بخوانم. برای کسی که پول توجیبی آنچنانی ندارد هر روز ۲۰-۳۰ تومان دادن بالای مجلاتی چون جوانان، اطلاعات هفتگی، دنیای ورزش، مجموعه جدول، کیهان ورزشی، گل‌آقا، فیلم، سروش، کیهان‌بچه‌ها، سروش نوجوان و.... اصلاً کار آسانی نبود و در نتیجه بعد از اتخاذ یک تصمیم کبری، کارم را شروع کردم. همان چهارم دبستان که بودم هر روز ۴ - ۵ کیلو شیرینی سه گوش و لطیفه می‌گرفتم و در حیاط دبیرستان دخترانه محل‌مان می‌فروختم تا منبع درآمدی برای خودم تعریف کرده باشم. آن روزها مدارس در و پیکر خاصی نداشتند و به‌راحتی می‌شد داخل حیاط رفت و یک گوشه‌ای برای خود بساط راه انداخت. سود یک‌تومانی از هر شیرینی درآمدی نزدیک ۱۰۰ تومان در روز را عایدم می‌کرد و می‌شد به‌راحتی بروی و هر مجله و روزنامه‌ای که دلت خواست بگیری و تا خود صبح سطر به سطرش را بجوی! کاش یک‌هزارم آن میل به خواندن در وجودمان باقی‌مانده بود یا حداقل یک‌صدم آن میل به پولدار شدن! حالا بعد از ۴۰ سال نه می‌توانیم بخوانیم و نه پولدار شویم! بساط دست‌فروشی به اقتضای فصل و زمان و مکان تغییر می‌کرد و یک جایی باید پشمک‌فروشی می‌کردی و برخی جاها بیسکویت و از این جور چیزها! در مناسبت‌ها هم تکلیف روشن بود؛ مثلاً روز تاسوعا بهترین کار فروختن شمع بود که گاهی می‌شد بیش از یک کارتن را هم فروخت یا اواخر اسفند، ماهی‌قرمز در مابقی روزها که بساط سیگارفروشی بجا بود. چراکه اصلاً نمی‌خواستم آن خاطره خریدن اولین مجله فیلم تکرار شود!

۴ در روزگاری که هنوز محصولات سینمایی را از قاب تلویزیون دنبال می‌کردیم و مجله سروش مهم‌ترین منبع برای بررسی چگونگی کمی و کیفی آثار بود، عکس داوود رشیدی روی جلد یک مجله که شکل و شمایل متفاوت‌تری از بقیه داشت و کاغذ کاهی و فونت منحصربه‌فردی دارا بود، نظرم را جلب کرد و با تورقی سطحی، مشتاق شدم که بخوانمش! روی جلد عدد ۲۵ را که دیدم به گمان ۲۵ ریال آمد و چند سکه از جیب درآورده و خواستم حساب کنم که آقای موسوی تذکر داد: «۲۵ تومان است!» دار و ندارم را روی دایره ریختم ۱۰- ۱۵ تومان بیشتر نشد که آقای موسوی بزرگوارانه گفت: ببر بعداً می‌دهی! همان یک تجربه برایم کافی بود تا به این نتیجه برسم که در این دنیا حتی اگر برای خوردن هم چیزی در بساط نداشته باشم باید برای مجله خریدن پول داشته باشم و البته در دهه‌های بعدی هم همان روال تداوم یافت و نهایتا در حد خریدن مجله و روزنامه و کتاب پولدار بودم و در سطوح بعدی نهایتا دلم خواست که خودم را به طبقه متوسط جامعه بچسبانم که البته این روزها این طبقه متوسط با سرعتی شگرف با طبقات بالا فاصله گرفته و در حال سقوط به قعر چاه فقرا و تنگدستان است!

۵ معمولا برای جماعت حقوق‌بگیر که هر سال با تورم ۵۰ درصدی فقیرتر از سال پیش می‌شوند، هفته آخر هر ماه مساوی‌ست با بی‌پولی و چنگ زدن به کارت‌های متعدد و تتمه مبالغ را درآوردن و گاهی اوقات حتی روشن کردن اپلیکیشن اسنپ و مسافر زدن و این حرف‌ها! همین چند ماه پیش بود که صبح علی‌الطلوع -شاید هم کمی قبل از طلوع- از خواب ناز بامدادی برخاستیم تا راه اداره را در پیش گیریم که با لاستیک پنچر شده مواجه شده و آن موقع روز با هزار زحمت آن را تعویض کرده و لاستیک آش و لاش را در صندوق عقب انداختیم تا عصر در اولین فرصت به آپاراتی مراجعه کرده و ترتیب مرمتش را بدهیم! یکی، دو تا آپاراتی که مراجعه کردیم گفتند قابل ترمیم نیست و باید لاستیک نو بخری از قرار سه، چهار میلیون در حالی که ته حسابت به نیم میلیون هم نمی‌رسد! آپاراتی سومی وقتی وضع جیب را آن گونه قمر در عقرب دید پیشنهاد لاستیک مستعمل و دست‌دوم داد و گفت با ۴۰۰- ۵۰۰ تومان سر و ته قضیه هم می‌آید. چاره‌ای نداشتم ولی اگر ۱۰ دقیقه بعد از آن می‌خواستم لیوانی شربت هم بخرم حساب خالی بود! با هزار جور شرمندگی به شهرام پیام دادم که اگر می‌شود از آن حساب پس‌اندازی که برای ارسلان باز کرده‌ای و برای آینده پس‌انداز می‌کنی یک تومن امانت بفرست تا آبرویمان نریخته زمین! و این داستانی چنان دنباله‌دار بود که اگر بنویسم باید کتاب ۱۰ جلدی درآید!

احد بابایی منیر

آغاز ویرانی

۱ جیب‌های خالی، قدّی خمیده و شانه‌هایی افتاده، چین بر پیشانی و نگاهی مات و خیره به پیش پا!

زن یا مرد؟ زیاد فرقی نمی‌کند، در واقع اصلا فرقی نمی‌کند!

هر آدمی انگار خود درد است که راه افتاده و پیاده‌روهای تنهایی و بی‌کسی و اندوه را قدم می‌زند این، حزن‌انگیزترین، اندوه‌بارترین و غم‌انگیزترین تابلویی است که می‌توانی - هرروز، هرروز!- ببینی و در خود مچاله شوی!

۲ بی پولی کاری با اصل و نسبات ندارد چشم‌اش را می‌بندد، شکارش را نشانه می‌کند و می‌رود سراغش، حتی اگر خواهرزاده «سیّد ضیا» و مدیر مجله «روشنفکر» و «دکترای حقوق» از فرانسه باشی و نامت: «دکتر رحمت مصطفوی!»

آجر به آجر آن ساختمان ویلایی دهه چهلی در حوالی خیابان ثریّا (سمیّه فعلی) اگر زبان داشت، هم داستان روزهای روشن دکتر را تعریف می‌کرد با جیب‌های پر از پول، هم از روزهایی که ته جیب‌های دکتر کارتنک می‌بست: روزهای سیاه‌تر از شب، ایّام نداری و بی پولی!

رستوران «بیستروپاپ» - لوبیستقوپوپ - که در دهه چهل به «رستوران کلوپ فرانسه» اشتهار داشت هم خاطره‌ها دارد از روزگاری که دکتر برای سال‌ها «میز مخصوص» داشت و همیشه

میزبان ناهار یا شام دوستان و آشنایان بود هم قصّه‌ها دارد از دهه شصت که «مدیر سابق مجله تعطیل شده روشنفکر» در همان «کلوپ» تنها برای دو وعده غذا و اندکی پول پشت صندوق می‌نشست و بر کار گارسن‌ها و پیشخدمت‌ها نظارت می‌کرد و غرولند مشتریان را تحمّل! کوتاه زمانی امّا با تعطیلی «کلوپ فرانسه» این دریچه امید نیز بسته شد و همان «آب باریکه» نیز، قطع!

فروردین ۱۳۶۳ مرگ به سراغ دکتر مصطفوی آمد، یک تاکسی به او زد و دستش را گرفت و از نداری و بی‌پولی و رنج نجاتش داد! در آگهی مرگ «دکتر» که امضای خواهرانش را داشت نوشته بودند که: سیّد رحمت مصطفوی نویسنده مشهور به رحمت خدا پیوست طبق وصیّت آن مرحوم مخارج ختم، هفتم و چهلم صرف امور خیریّه خواهد شد!

چند روز پیش از مرگش دکتر مصطفوی در دیدار با دوستی با اشاره به چند نان باگتی که در دست داشت با لبخندی تلخ گفته بود: تمام پولی که داشتم را، دادم و این نان‌ها را خریدم پس از تمام شدن این نان‌ها نمی‌دانم دیگر چه کار کنم ؟!

دمت گرم «پیکان نارنجی» که به موقع دکتر را از دغدغه نان رهانیدی.

دنیا، چقدر فراز و نشیب دارد چه لحظات سیاه و سپیدی!

۳ سال ۱۳۴۲ بود که «کارو» به پیشنهاد «دکتر علی بهزادی» دست به قلم شد تا زندگی برادرش «ویگن» را به صورت پاورقی در مجله «سپید و سیاه» بنویسد.

این سلسله یادداشت‌ها هم مطرح کردن هرچه بیشتر خودش بود - در کنار معرفی ویگن! -هم جیب‌های خالی کارو را با اسکناس آشتی می‌داد!

در گذر سال‌ها و با رفتن همسر سابق کارو و دو دخترش به آمریکا، «شاعر شکست سکوت» با مادرش زندگی می‌کرد: «بانو پارکوهی دردریان.»

پیشترها «رنه» پسر کارو در سوئد رحل اقامت افکنده بود.

تا زمانی که «ماما» زنده بود کارو غصّه‌ای نداشت با او زندگی می‌کرد خوراک و مخلّفات !براه بود و جیب‌های کارو، پُر!

ماما به پر کردن جیب کارو عادت داشت در بچّگی از «نخودچی کشمش» و در بزرگی از «اسکناس!»

ویگن از آمریکا برای ماما پول می‌فرستاد و ماما می‌دانست با این پول‌ها چه کند ولی سال ۱۳۶۶ که «ماما» مرد، در جیب کارو خزان شد، برگریزانی که بیا و ببین!

مرگ مادر، آغاز ویرانی بود: بی‌کسی و بی‌پولی!

ویگن پس از مرگ ماما دیگر فرستادن مرتب پول از آمریکا را وظیفه نمی‌دانست او هم البته گرفتاری‌های خود را داشت: قسط‌های سنگین، هزینه‌های دانشگاه بچه‌هایش و...

با عوض شدن شرایط در ایران، دیگر خبری از مجلّه‌های متعدد و حق‌التالیف‌ها نبود و تلویزیون پس از انقلاب هم، نیازی به کارو نداشت.

«روزهای بی‌پولی» به کارو پوزخند می‌زدند !تا بچّه‌ها و ویگن کارو را به دل کندن از ایران و رفتن به آمریکا راضی کنند. شاعر شوریده، طعم غربت در خانه را چشیده بود، کار حتی به فروختن کتابخانه شخصی او هم کشیده بود. جیب‌های خالی پول می‌خواستند، کتاب و عشق و شعر سیری چند ؟!

روزهای واپسین «آسایشگاه دهکده مریم» در کالیفرنیا، «کابوس‌های بی‌پولی کاراپت دردریان» -کارو - را لحظه‌ای راحت نمی‌گذاشت.

شاید هنوز حتی در زیر خاک در «گورستان گلندیل» کارو خاطره‌بازی می‌کند با رویای شیرین «روزهای جیب‌های پر از پول» و با کابوس تلخ «روزهای بی‌پولی»گذشته، دست از سر آدم برمی‌دارد مگر ؟!

رضا فراهانی

استحاله

۱ یک جایی از زندگی آدمی هست که می‌تواند تمام احساسات جهان را سر راهت قرار دهد،حس عشق‌های به دست آمده تا عشق‌های عریان نشده،احساس دوستی و خیانت و شرم و غرور، احساس زیبایی و زشتی و ... اما این میان این همه اوهام یک چیزی در آن روزها واقعی است و آن هم مواجهه عریان با «بی پولی» است.دردهای دانشجویی همه با درد بی‌پولی قوام می‌گیرد و بزرگ می‌شود و رنجش از لبه تیز وارد قلب می‌شود.

آدم دانشجو خرج‌های تازه‌ای پیدا می کند که خیلی‌هایشان دیگر برای خانواده قابل توجیه نیست،زندگی یک دبیرستانی با دانشجو زمین تا آسمان فرق دارد،خیلی بیشتر از فرق آدمی که یکسال بزرگ‌تر شده.

خرج‌های یک پسر دبیرستانی کامل شده خرج‌های یک کودک است و مخارج یک دانشجو پیش طرح مخارج یک پدر خانواده!! همه چیز در یکسال تغییر می‌کند و آدم یکباره می‌فهمد چقدر «کم پول» است.

به جر موارد خاص اغلب دانشجوها در رجنسن موقعیتی قرار گرفته‌اند و «کار دانشجویی» اصلا از چنین تمنایی به وجود آمده.

۲ من پایم را که در دانشگاه گذاشتم فهمیدم جزو آن اغلب دانشجوهایی هستم که باید دنبال کسب درآمدی بروم وگرنه نکبت زندگی بدون پول دانشجویی خیلی زود مغزم را می‌خورد و شاید همین دوره لیسانس را هم به اتمام نرسانم.

من با آن طبع بدغذا در همان روزهای اول فهمیدم که آن چنان نمی‌توان به غذاهای سلف ارتباط برقرار کند و جیب تهی و بی‌مقدارم هم اجازه هم آغوشی هر روزه با رستوران را نمی‌دهد و خوابگاه هم که اساسا محل پخت و پز تک نفره نیست و زیاده روی در ساندویچ اصغر کثیف هم که جلوتر از پول جانمان را به خطر می‌اندازد.همین بی پولی باعث شد که به فکر کار کردن بیفتم و تدریس خصوصی اولین گزینه پیش رویم بود.باورم نمی‌شد قضیه طوری پیش رود که تدریس در متن و دانشگاه در حاشیه قرار بگیرد اما شد، پسرک دانشجویی که به عشق رشته‌های مهندسی وارد دانشگاه شده بود حالا فهمیده بود که تدریس را بهتر از هر کاری در جهان بلد است و دوست دارد. شاید اگر آن روزها غذای دانشگاه خوشمزه‌تر بود، شاید اگر تمنای خروج از خوابگاه و نزدیک در خانه دانشجویی نبود، شاید اگر دانشگاه در شهر محل زندگی خودمان بود من هیچ وقت این مقدار بی‌پول نمی‌شدم که عصر یک روز پاییزی بروم دم در یک موسسه کنکوری و بگویم که «اینجا معلم یا مشاور لازم ندارید؟!» و نتیجه آن روز بشود کسی که حالا مدرک مهندسی دارد اما همه او را معلم و استاد دانشگاه می‌شناسند و کسی اصلا نمی‌داند ابتدای مسیر تحصیلش قرار چیز دیگری بوده.

بی پولی خیلی چیزها را می‌دهد. خیلی چیزها را...

رضیه انصاری

تمام ثروت مرا کاغذهای باطله‌ای که...

مایکل هیلمن، ایرانشناس آمریکایی و مولف کتاب «زنی تنها، فروغ فرخزاد و شعرهایش» (۱۹۸۷) در شرح جزئیات زندگی و آثار این شاعر، بر پایداری او در موقعیت‌های نه چندان خوشایند و گاه تأسف‌برانگیز در زندگی تاکید کرده است. یکی از این موارد شاید وضعیت مالی فروغ در دوران‌های مختلف زندگیش باشد. او با آن که در خانواده‌ای مرفه و تحصیل کرده پرورش یافته بود، در عمر کوتاهش بارها طعم بی‌پولی را چشید و با مشکلات مالی دست به گریبان شد. این در حالی است که هرگز از کار کردن ابایی نداشته و جایی در خاطرات سفرش به اروپا در سال ۱۳۳۵ نوشته است: «من یادم هست وقتی که به دبستان می‌رفتم، تمام تعطیلات تابستان را با برادرانم در خانه می‌نشستیم و کتاب‌های قدیمی و بی‌مصرف و روزنامه‌های باطله را به پاکت تبدیل می‌کردیم و نوکر ما پاکت‌ها را به مغازه‌ها می‌فروخت و هر قدر پول از این راه درمی‌آوردیم، به غیر از پول توجیبی که پدرم به ما می‌داد، اجازه داشتیم به هر مصرفی که دلمان می‌خواهد برسانیم. پدرم با این ترتیب می‌خواست به ما بفهماند که کار عار نیست و کسی که بتواند از بازوی خودش نان بخورد، حق دارد که خودش باشد و همیشه سرش را بلند نگه دارد.»

او همچنین در نامه‌ای از ثروتش این‌طور یاد می‌کند: «هنوز دفترچه‌های مشق کلاس دوم و سوم دبستانم را دارم... تمام ثروت مرا کاغذهای باطله‌ای تشکیل می‌دهد که در طول سال‌ها جمع کرده‌ام و به هر کجا که می‌روم، همراه می‌برم؛ کاغذهایی که دست دوستانم روزی بر آن‌ها نشانه‌ای نقش کرده، خطی کشیده یا تصویری طرح کرده است. از دیدن هر یک از آن‌ها به یاد یکی از روزهای از دست رفته زندگی‌ام می‌افتم و مثل این است که همه چیز برایم دوباره تجدید می‌شود.»

فروغ در نامه‌هایش به پرویز شاپور پیش و پس از ازدواج، به دفعات از پول و قرض و مشکل هزینه‌ها نوشته و از مخالفتش با خرج‌های زیادی و تزئینات مزخرفی یاد کرده که از نظر دیگران ضروری است اما نهایتا ممکن است مانع ازدواج و خوشبختی‌شان شود. ازدواجی که سر می‌گیرد اما ۵ سال بیشتر دوام نمی‌یابد.

پس از جدایی از پرویز شاپور اوضاع به هم می‌ریزد. فروغ که با مشکلات اقتصادی روبه‌رو شده به خانه پدری بر می‌گردد اما پدر او را از خانه بیرون می‌کند. زنی تنها که هم از منزل مشترک و خانه پدری رانده شده و هم از دیدار فرزند محروم مانده، ملال زده و نومید به خانه یک دوست پناه می‌برد: طوسی حائری، که همسر سابق احمد شاملوست و شاعر و تحصیلکرده فرانسه، به فروغ پیشنهاد می‌کند مدتی در خانه او زندگی کند. فروغ سه ماه نزد او می‌ماند و بعد از آن به خانه پدری می‌رود. داستان بی‌پولی او و زندگی‌اش در زیرزمین خانه یک دوست به همراه یک گربه که در کتابی از فرزانه میلانی روایت شده، احتمالا اشاره‌ای به همین سال‌های ابتدایی استقلالش از خانواده و تلاش برای فعالیت‌های ادبی و جدیت در شاعری است. کمی پیش‌تر از آن فروغ سه ماهی را هم نزد دوستی نقاش به نام مهری رخشا گذرانده بود.

فقر و تنهایی و سرخوردگی از جامعه مردسالار همواره از مضامین برجسته شعرهای فروغ بوده و محتمل است خوانندگان آثارش رواياتی غیرمستند را بر اساس حال و هوای اشعارش به او نسبت داده باشند. شفیعی کدکنی شعر او را جلوه رهایی از سنت در نیمه دوم قرن بیستم در ایران می‌داند و محمد حقوقی او را شاعر «من-سرا» نامیده؛ منی که در دوران اول شاعری فروغ، شخصی و ایرانی است و در دوران دوم، اجتماعی و جهانی. فریدون مشیری آغاز فعالیت او را در مطبوعات چنین توصیف کرده است: «دختری با موهای آشفته، با دست‌هایی که از جوهر خودنویس آغشته شده بود، با کاغذی تاشده که شاید هزار بار آن را میان انگشتانش فشرده بود، وارد اتاق هیأت تحریریه مجله روشنفکر شد و با تردید و دودلی، در حالی که از شدت شرم، کاملا سرخ شده بود و می‌لرزید، کاغذش را روی میز گذاشت. این دختر فروغ فرخزاد بود... اولین شعرش را به مجله روشنفکر سپرد و همان هفته بود که صدها هزار نفر با خواندن شعر بی‌پروای او، با نام شاعره‌ای آشنا شدند که چندی بعد به شهرت رسید و آثارش هواخواهان بسیاری یافت.»

دلیل مراجعه فروغ به استودیو گلستان در شهریور ۱۳۳۷ نیز عهده‌داری کارهای اداری برای عبور از بی‌پولی و گذران معیشت بود که به آشنایی و دوستی او با کارگردان بزرگ سینما انجامید. ابراهیم گلستان فروغ را به عنوان منشی استخدام کرد و او از این رهگذر ضمن برخورداری از حمایت مالی، به بازیگری، تدوین، فیلمنامه‌نویسی، کارگردانی و مستندسازی نیز روی آورد.

بعد از ظهر روز ۲۴ بهمن ۱۳۴۵، فروغ ۳۲ساله در راه بازگشت از استودیو هنگام رانندگی دچار سانحه شد و از دنیا رفت. او را در آرامگاه ظهیرالدوله به آغوش خاک سپردند و مراسم تدفینش با حمایت و حضور دوستان و اقوام و شخصیت‌های دولتی و فرهنگی آبرومند و باشکوه برگزار شد.

توضیح هفت‌صبح: بخشی از مطالب این صفحه برگرفته از شبکه‌های اجتماعی است و منبع اولیه آنها ذکر شده است. بدیهی است که استفاده از این مطالب مصداق استفاده منصفانه طبق ماده ۷ قانون مولفان، مصنفان و هنرمندان خواهد بود.

دیده‌ها و ندیده‌های سیمرغ ۴۳!

چهل‌وسومین جشنواره فیلم فجر بالاخره با یک داوری پر از غافلگیری به پایان رسید؛ در کنار قدردیده‌ها و سیمرغ گرفته‌ها، کدام چهره‌ها بدون سیمرغ درخشیدند؟

محمد صابری | بیراه نیست اگر مدعی شویم که همه پیش‌بینی‌ها درباره سیمرغ‌های چهل‌وسومین جشنواره فیلم فجر، غلط از آب درآمد! شب اختتامیه این رویداد، شب غافلگیری بود و این غافلگیری تنها محدود به آرا و نظرات داوران هم نبود، چه اینکه سیمرغ بهترین فیلم از نگاه تماشاگران هم به فیلمی رسید که هیچ‌کس انتظارش را نداشت! در بخش بازیگری هم این شرایط حاکم بود؛ در اوج چالش و طرح استدلال‌های مختلف برای انتخاب برگزیده سیمرغ بهترین بازیگری مرد میان شهاب حسینی و امین حیایی، ناگهان نام مصطفی زمانی مطرح شد و در رقابت میان مریلا زارعی و رویا افشار، ناگهان سیمرغ بهترین بازیگر زن به فریبا نادری رسید. این‌ها به معنای ناحق بودن این جوایز نیست، چراکه هم مصطفی زمانی و هم فریبا نادری، در جشنواره امسال بهترین‌های خود را ارائه کرده بودند اما وقتی پای رقابت و قیاس در میان است، گاهی یافتن مسیری برای کشف چارچوب‌های استدلالی داوران، بسیار سخت می‌شود! در پرونده حاضر، فراتر از رقابت و ارزش‌گذاری‌های مربوط به داوری، از ۱۰ بازیگری نوشته‌ایم که امسال حضورشان در فجر به چشم آمد؛ چه در بخش اصلی و چه در بخش ویژه، چه با سیمرغ و چه بی‌سیمرغ!

حسن پورشیرازی
پیرپسر

از آخرین فعالیت‌هایش چه می‌دانیم؟ چند سالی می‌شود که حضور جدی در سینما نداشته و آخرین فیلمی هم که با بازی او روی پرده رفت «حدود ۸ صبح» از منوچهر هادی بود که اساسا فیلم قابل اعتنایی نبود. حسن پورشیرازی که بالغ‌بر سه دهه در عرصه بازیگری حضوری فعال داشته در طیف گسترده‌ای از آثار با کیفیت‌های مختلف ایفای نقش کرده و هر از گاهی هم مانند فیلم «مهمان مامان» قدرت بازیگری خود را به رخ کشیده است. او در سال ۹۷ هم برای فیلم «قسم» نامزد سیمرغ شد.

با چه فیلمی در فجر ۴۳ بود؟ فیلم «پیرپسر» به کارگردانی اکتای براهنی هرچند از راه‌یابی به بخش اصلی جشنواره چهل‌وسوم بازماند و به‌طرز عجیبی علی‌رغم تصمیم هیأت انتخاب، در ترکیب نهایی فیلم‌های سودای سیمرغ قرار نگرفت اما بی‌تردید رونمایی از آن در قالب اکران ویژه از مهمترین اتفاقات این دوره از جشنواره فجر بود. حسن پورشیرازی در کنار لیلا حاتمی و حامد بهداد، بازیگران اصلی این فیلم تحسین‌برانگیز بودند.

چه نقشی را ایفا کرد؟ غلام باستانی، پدری سرکش و بی‌قاعده است که زندگی سالمی ندارد و حالا در کهنسالی با فرزندان جوانش، روبه‌رو شده است. حسن پورشیرازی با هیکلی فربه و مو و ریشی آشفته، شمایلی تکان‌دهنده از این پدر به تصویر درآورده که بی‌شک می‌تواند تا سال‌ها به‌عنوان یکی از منفی‌ترین و شرورترین شخصیت‌های سینمای ایران، مورد ارجاع قرار بگیرد. او در تقابل با پسر جوانش می‌خواهد زنی به نام رعنا را تسلیم خود کند.

واکنش‌ها به آن چه بود؟ تک جمله‌ای که مصطفی زمانی حین دریافت سیمرغ بلورین بهترین بازیگر مرد روی سن اختتامیه به زبان آورد، انعکاسی از همه تحسین‌ها از بازی حسن پورشیرازی بود. جایی که زمانی گفت، اگر حسن پورشیرازی در رقابت بود، سیمرغ بازیگری به هیچ یک از ما نمی‌رسید. واقعیت هم داشت. «پیرپسر» شاید از منظر محتوایی موافقان و مخالفانی پیدا کرد و همه نسبت به آن واکنش یکسانی نداشتند اما تحسین بازی درخشان پورشیرازی وجه مشترک همه واکنش‌ها بود.

امین حیایی
زیبا صدایم کن

از آخرین فعالیت‌هایش چه می‌دانیم؟ همین روزها سریال «آبان» را در حال پخش از شبکه نمایش خانگی دارد و اتفاقا حضورش در کنار شهاب حسینی در این فیلم با بازخوردهای مثبتی هم همراه شده است. همزمان اکران فیلم «برف آخر» با بازی او که دو سال در صف انتظار مانده بود، پیش از جشنواره، باردیگر تعریف از توانمندی‌های او را به نقل محافل سینمایی تبدیل کرد. امین حیایی که کمدی «کوکتل مولوتف» را هم در انتظار اکران دارد، در سال‌های اخیر، دوران پرکاری را پشت‌سر گذاشته و همواره هم حضوری موثر در فیلم‌ها و سریال‌ها داشته است.

با چه فیلمی در فجر ۴۳ بود؟ هر چند فیلم «غریزه» هم با نقش‌آفرینی حیایی در بخش اکران‌های ویژه روی پرده رفت اما آنچه باعث اهمیت حضور این بازیگر در جشنواره چهل‌وسوم شد، فیلم تحسین‌برانگیز و محبوب «زیبا صدایم کن» به کارگردانی رسول صدرعاملی بود. کارگردانی که در کنار ابراهیم حاتمی‌کیا و ابوالفضل جلیلی، نسل اول فیلمسازان بعد از انقلاب را در جشنواره امسال نمایندگی می‌کرد و اتفاقا حاصل کارش طرفداران بسیاری هم پیدا کرد. امین حیایی در این فیلم ایفاگر نقش اصلی بود.

چه نقشی را ایفا کرد؟ داستان «زیبا صدایم کن» درباره پدری مبتلا به بیماری روانی است که بعد از قریب به ۹ سال بستری در یک آسایشگاه، تصمیم می‌گیرد در روز تولد تنها دخترش از آسایشگاه فرار کند تا روزی خاطره‌انگیز را برای او رقم بزند. امین حیایی با ایفای نقش خسرو در این فیلم، شمایلی متفاوت از یک پدر را در سینمای ایران ترسیم کرد. پدری که حتی از سوی دختر خود هم پس زده می‌شود!

واکنش‌ها به آن چه بود؟ از همان روز رونمایی «زیبا صدایم کن» در برج میلاد، بسیاری از رسانه‌ها و منتقدان زبان به تحسین نقش‌آفرینی حیایی در نقش اصلی آن باز کردند و اتفاقا بسیاری هم او را شایسته‌ترین گزینه برای شکار سیمرغ بلورین بهترین بازیگری دانستند. داوران جشنواره اما جمع‌بندی متفاوتی داشتند و تنها به نامزدی این بازیگر برای سیمرغ قناعت کردند.

شهاب حسینی
رها

از آخرین فعالیت‌هایش چه می‌دانیم؟ اگر «مشق عشق» را فاکتور بگیریم، نزدیک به یک دهه می‌شود که شهاب حسینی فعالیت‌هایش در سینما را به همکاری با کارگردانان فیلم‌اولی محدود کرده است. او در مقام تهیه‌کننده و یا بازیگر نقش اصلی، همواره در کنار استعدادهایی قرار گرفته که به‌دنبال ساخت اولین فیلم بلند خود بوده‌اند. شاید برخی از این تجربه‌ها با شکست مواجه شده‌اند اما اصل رویکرد شهاب حسینی همواره مورد تکریم و تحسین بوده است. حسینی همزمان در شبکه خانگی فعال است و این روزها هم «آبان» با بازی او در حال پخش است.

با چه فیلمی در فجر ۴۳ بود؟ یکی از تازه‌ترین فیلم‌اولی‌هایی که همراهی شهاب حسینی شامل حالش شد، حسام فرهمند است که فیلم «رها» به کارگردانی او به جشنواره چهل‌وسوم رسید. فیلمی که داستانی بسیار تلخ دارد اما از منظر روایت و خلق شخصیت‌هایی ملموس و در عین حال پیچیده، تبدیل به اثری محبوب برای مخاطبان فجر شد. «رها» از نگاه داوران هم به‌عنوان بهترین فیلم در میان فیلم‌اولی‌ها برگزیده شد و سیمرغ فجر را شکار کرد. تهیه‌کننده فیلم حین دریافت این سیمرغ، تأکید کرد اگر شهاب نبود، این فیلم ساخته نمی‌شد.

چه نقشی را ایفا کرد؟ داستان «رها» درباره خانواده‌ای گرفتار در چالش‌های معیشتی است. خانواده‌ای بسیار آسیب‌پذیر که به‌واسطه سرقت لپ‌تاپ دختر خانواده، حالا در معرض یک بحران مالی قرار گرفته‌اند و در این موقعیت پدر خانواده تلاش دارد همه توانش را برای ترمیم این زخم، به کار بگیرد. شهاب حسینی ایفاگر نقش توحید، یعنی پدر خانواده است. او به خوبی توانسته است تصویر مردی دلسوز و در عین حال پراشتباه در تصمیم‌گیری‌ها را به تصویر درآورد.

واکنش‌ها به آن چه بود؟ یکی از دلایل محبوبیت بالای فیلم «رها» در میان اصحاب رسانه و منتقدان، قطعا درخشش شهاب حسینی در نقش اصلی آن است. نقشی که باعث شد برخی حسینی را رقیب اصلی امین حیایی برای شکار سیمرغ قلمداد کنند و این قضاوت بی‌راه هم نبود. هرچند از نگاه داوران، سهم شهاب هم تنها نامزدی برای سیمرغ بود.

مریلا زارعی
موسی کلیم‌الله(ع)

از آخرین فعالیت‌هایش چه می‌دانیم؟ فیلم «کارو» یکی از ناکام‌ترین فیلم‌های اخیر مریلا زارعی بود که شانس رونمایی در جشنواره فجر را از دست داد و سرانجام هم بدون اکران عمومی، راهی اکران آنلاین شد. به همین دلیل آخرین حضور جدی این بازیگر در جشنواره فجر را باید «هناس» به کارگردانی حسین دارابی بدانیم. زارعی در این سال‌ها حضوری درخشان در سریال‌های خانگی داشته و در آثاری همچون «جیران» و «افعی تهران» شاهد قدرت‌نمایی او بودیم. او تا به امروز سه سیمرغ بلورین را برای «سربازهای جمعه»، «شیار ۱۴۳» و «زیر سقف دودی» در کارنامه‌اش ثبت کرده است.

با چه فیلمی در فجر ۴۳ بود؟ حتما در میان فیلم‌هایی که نامشان در بخش سودای سیمرغ جشنواره چهل‌وسوم مطرح شده بود، یکی از کنجکاوی‌برانگیزترین آثار همین فیلم تازه ابراهیم حاتمی‌کیا بود. فیلم «موسی کلیم‌الله(ع)» که در واقع نسخه‌ای سینمایی از یک پروژه عظیم تلویزیونی محسوب می‌شود. این فیلم با زمانی بالغ‌بر ۱۳۰ دقیقه، اولین خروجی این پروژه بعد از قریب به یک دهه فرازوفرود محسوب می‌شد و به همین دلیل در کانون توجه هم قرار گرفت.

چه نقشی را ایفا کرد؟ وقتی صحبت از داستان ولادت حضرت موسی(ع) می‌شود، بی‌تردید یکی از ستون‌های اصلی روایت، مادر این پیامبر عظیم‌الشأن است. مریلا زارعی در فیلم «موسی کلیم‌الله(ع)» همکاری دیگری با ابراهیم حاتمی‌کیا را در کارنامه‌اش ثبت کرد و با قبول ایفای نقش مادر این پیامبر، تن به یک چالش داد. کاراکتری که علاوه‌بر چالش‌های مادرانه، منبع الهام الهی هم می‌شود و دست به تصمیمی بزرگ می‌زند.

واکنش‌ها به آن چه بود؟ واکنش‌ها به بازی مریلا زارعی در نقش مادر موسی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد؛ عده‌ای که قائل به تکرار نقش‌آفرینی‌های مادرانه زارعی در دیگر فیلم‌ها، در این فیلم بودند و عده دیگری که بخشی از توفیق فیلم در ارتباط با مخاطب را محصول درخشش زارعی می‌دانستند. با این همه اتفاق نظر برای شانس بالای این بازیگر برای شکار سیمرغ وجود داشت اما داوران به نامزدی او در این بخش بسنده کردند.

میرسعید مولویان
ناتور دشت

از آخرین فعالیت‌هایش چه می‌دانیم؟ میرسعید مولویان از بازیگران ریشه گرفته در تئاتر است که با فیلم «تومان» به کارگردانی مرتضی فرشباف، تبدیل به چهره‌ای محبوب در میان فیلم‌بازها و سینمادوستان شد. مولویان در ادامه تجربیات بازیگری خود در مقابل دوربین در سریال «خاتون» خوش درخشید و بعدتر با ایفای نقش اصلی در فیلم «درخت پرتقال» ثابت کرد که نگاهی جدی به عرصه بازیگری دارد. او در ادامه همین تجربیات بود که سراغ ایفای یک نقش چالش‌برانگیز رفت. او این روزها سریال «آبان» را در حال پخش از پلتفرم‌های خانگی دارد.

با چه فیلمی در فجر ۴۳ بود؟ یکی از فیلم‌های شاخص حاضر در جشنواره چهل‌وسوم، تازه‌ترین ساخته محمدرضا خردمندان بود. فیلمی که هم از منظر انتخاب سوژه و هم از منظر ترکیب بازیگران موردتوجه قرار گرفت و اتفاقا در میان ۵ فیلم محبوب آرای مردمی جشنواره هم قرار داشت. خردمندان که پیش‌تر با فیلم «بیست و یک روز بعد» ردای کارگردانی سینما به تن کرده بود، ۸ سال بعد از آن فیلم دست روی سوژه‌ای اجتماعی و واقعی گذاشت و یکی از نقش‌های کلیدی فیلم خود را هم به میرسعید مولویان سپرد.

چه نقشی را ایفا کرد؟ کاراکتر «آیهان» از شخصیت‌های پیچیده و چندلایه در روایت «ناتور دشت» است که میرسعید مولویان ایفای نقش او را برعهده داشته است. او یکی از قطب‌های اصلی داستان است که براساس تصمیم‌گیری‌های شخصی خود، در موقعیت تراژیک قرار گرفته و سرنوشتی غریب هم در پایان روایت پیدا می‌کند. مولویان به‌خوبی از پس چالش ایفای این نقش برآمده است.

واکنش‌ها به آن چه بود؟ هرچند داوران جشنواره امسال تصمیم گرفته بودند فیلم «ناتور دشت» را به‌طور کامل نادیده بگیرند اما نتوانستند هنرنمایی میرسعید مولویان چشم‌پوشی کنند و به همین دلیل نام او در فهرست نامزدهای سیمرغ قرار گرفت اما طبیعی بود که سیمرغ به او اهدا نشود! با این همه بازی او در فیلم، موردتوجه اصحاب رسانه و منتقدان قرار گرفت. این نقش در کارنامه مولویان ماندگار خواهد شد.

هادی حجازی‌فر
ناتور دشت

از آخرین فعالیت‌هایش چه می‌دانیم؟ تا همین چند ماه پیش، سریال «داریوش» را در شبکه خانگی کارگردانی کرد و ایفای نقش اصلی آن را هم خود برعهده گرفت. هادی حجازی‌فر تا به اینجا دو تجربه مهم در زمینه کارگردانی داشته که در هر دو نقش اصلی را خود بازی کرده است و این نشان از وسواس بالای این کارگردان برای بازیگر نقش اصلی دارد. حجازی‌فر از یک دهه پیش و در فیلم «ایستاده در غبار» به‌عنوان بازیگری مهم به سینمای ایران معرفی شد و در کمتر از یک دهه حالا ستاره‌ای تعیین‌کننده برای سرنوشت یک فیلم به‌خصوص در ویترین جشنواره فجر است.

با چه فیلمی در فجر ۴۳ بود؟ دو فیلم با موضوع شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی در جشنواره امسال حضور داشت؛ یکی «گوزن‌های اتوبان» که به موضوع تهدید شبکه‌های اجتماعی و معضلات مرتبط با آن می‌پردازد و دیگری همین فیلم «ناتور دشت» که اتفاقا دست روی جنبه‌ای مثبت از ظرفیت شبکه‌های اجتماعی گذاشته است. فیلم دوم اما با بی‌مهری مطلق داوران مواجه شد و حتی نقش‌آفرینی بازیگران اصلی مانند هادی حجازی‌فر هم در آن نادیده ماند.

چه نقشی را ایفا کرد؟ کاراکتر اصلی روایت «ناتور دشت» محیط‌بانی بازنشسته به نام احمد است که ایفای نقش آن را هادی حجازی‌فر برعهده داشته است. او فردی آرمان‌خواه است و تلاش دارد از همه اطرافیانش محافظت کند اما خود رازی در گذشته دارد که می‌تواند او را در معرض قضاوت دیگران قرار دهد. حجازی‌فر در ادامه تجربه‌های موفق خود در سینمای اجتماعی در نقش احمد هم حضور تماشایی و قابل‌تحسین دارد. کاراکتری که در حین فعالیت برای حل یک معضل عمومی، رابطه‌ای متفاوت با پسر ورزشکارش دارد و بخشی از شخصیتش در قامت یک پدر ترسیم شده است.

واکنش‌ها به آن چه بود؟ هم فیلم «ناتور دشت» و هم کیفیت نقش‌آفرینی هادی حجازی‌فر در نقش اصلی، موردتوجه اصحاب رسانه و منتقدان قرار گرفت اما همان‌طور که اشاره کردیم، به دلیل نادیده گرفتن کلیت این فیلم در فرآیند داوری، حجازی‌فر هم نتوانست سهمی از ترکیب نامزدهای سیمرغ داشته باشد.

فرهاد آییش
موسی کلیم‌الله(ع)

از آخرین فعالیت‌هایش چه می‌دانیم؟ امسال با دو فیلم کاملا متفاوت در چرخه اکران سینماها حضور داشت؛ یکی فیلم «خائن‌کشی» به کارگردانی مسعود کیمیایی و دیگری فیلم «شهر گربه‌ها ۲» به کارگردانی سیدجواد هاشمی. کارنامه فرهاد آییش اساسا همین اندازه متنوع است و از آن دست بازیگرانی است که انگیزه بالایی برای رفتن سراغ تجربه‌های خاص و متفاوت دارد. او سال گذشته فیلم «دو روز دیرتر» را در جشنواره فجر داشت که هنوز به اکران عمومی درنیامده است.

با چه فیلمی در فجر ۴۳ بود؟ فیلم «موسی کلیم‌الله(ع)» به کارگردانی ابراهیم حاتمی‌کیا علاوه‌بر دستاوردهای فنی، به‌واسطه ترکیب بازیگران هم از آثار کنجکاوی‌برانگیز جشنواره امسال بود. فیلمی که احتمالا در قالب سریال و پخش تلویزیونی، اتفاقات ویژه‌تری برای آن رخ خواهد داد. این نکته به‌ویژه درباره ترکیب بازیگران اصلی فیلم مصداق دارد. فرهاد آییش در کنار تجربه‌های سینمایی از چهره‌های موفق در قاب تلویزیون هم بوده و با حضور در این پروژه و فراتر از مدیوم سینما هم می‌تواند در تلویزیون ارتباط مطلوبی با مخاطبان برقرار کند.

چه نقشی را ایفا کرد؟ داستان «موسی کلیم‌الله(ع)» در مقطعی که ابراهیم حاتمی‌کیا تصمیم به روایت آن را گرفته بود، دو کاراکتر کلیدی داشت که ایفای نقش هر دو به فرهاد آییش پیشنهاد شد. یکی خواب‌گذار دربار فرعون که ارتباطی مستقیم با اجنه و شیاطین دارد و به‌واسطه همین ارتباط خواب‌های فرعون را تعبیر می‌کند و دیگری روحانی وارسته‌ای که بزرگ مومنان محسوب می‌شود و به آن‌ها وعده تولد منجی را می‌دهد. آییش همزمان در هر دو نقش در فیلم حضور دارد.

واکنش‌ها به آن چه بود؟ در همان موعد رونمایی «موسی(ع)» در جشنواره، یکی از ویژگی‌های آن که موردتوجه قرار گرفت، نقش‌آفرینی فرهاد آییش در آن بود به خصوص که بازی در دو نقش کاملا متضاد، برای هر بازیگری از جنس یک چالش است. فرهاد آییش برای این تجربه، اولین سیمرغ بلورین خود را از جشنواره فجر گرفت؛ یکی از معدود جوایز این رویداد که تردید جدی نسبت به صحت آن هم مطرح نشد.

حامد بهداد
شوهر ستاره، پیرپسر

از آخرین فعالیت‌هایش چه می‌دانیم؟ اکران پشت سر هم دو فیلم «گیجگاه» و «مفتبر» شرایطی نگران‌کننده برای یکی از بهترین استعدادهای بازیگری سینمای ایران به‌وجود آورده بود. حامد بهداد که حضوری موفق در بخش قابل‌توجهی از فیلم‌های جدی سینمای ایران طی دو دهه اخیر داشت، طی یکی دو سال اخیر به سمت جنسی از فیلم‌ها رفت که حتی در گیشه هم حرفی برای گفتن نداشتند! از این منظر دو فیلم رونمایی شده از این بازیگر در جشنواره چهل‌وسوم را می‌توانیم به‌عنوان مواجهه دوباره با بهدادی که دوستش داشتیم، قلمداد کنیم.

با چه فیلمی در فجر ۴۳ بود؟ «شوهر ستاره» در بخش اصلی جشنواره حضور داشت. فیلمی که ابراهیم ایرج‌زاد آن را کارگردانی کرد و روایتی از معضلات و آسیب‌های مربوط به زندگی یک زن تنها داشت و حامد بهداد در آن ایفاگر نقش مرد اصلی بود. فیلم دیگر این بازیگر اما «پیرپسر» به کارگردانی اکتای براهنی بود که هرچند به بخش اصلی راه پیدا نکرد اما اکران ویژه‌اش بازتاب‌های بسیار زیادی داشت.

چه نقشی را ایفا کرد؟ بهداد در «شوهر ستاره» نقش یک قهرمان متفاوت را ایفا می‌کند. پدری که سال‌ها قبل موجب مرگ همسر و دختر شده و حالا در مواجهه با گذشته خود، دورانی از ندامت و سرخوردگی را سپری می‌کند. مواجهه او با یک زن تنها، فرصتی برای یک تصمیم تازه به او می‌دهد. نقش‌آفرینی مهمتر بهداد اما در فیلم «پیرپسر» رقم خورد. او بازیگر نقش علی به‌عنوان یکی از دو پسر غلام، بود. پسری فرهیخته و اهل مطالعه که تحقیرها خونش را به جوش می‌آورد.

واکنش‌ها به آن چه بود؟ هر چند «شوهر ستاره» زمینه‌ساز شکار سیمرغ برای فریبا نادری در قامت بازیگر نقش اصلی زن شد اما بازی حامد بهداد در این فیلم به‌طور کامل زیر سایه رونمایی از دیگر فیلم مهم کارنامه‌اش یعنی «پیرپسر» قرار گرفت. فیلمی که خارج از مسابقه روی پرده رفت اما در کنار همه امتیازاتش، بازی بازیگرانش تحسین شد. بهداد در این فیلم حضوری تحسین‌برانگیز دارد که موردتوجه منتقدان هم قرار گرفت.

ساعد سهیلی
خدای جنگ

از آخرین فعالیت‌هایش چه می‌دانیم؟ ساعد سهیلی بازیگری مستعد است که هرچند سال‌هاست مسیری مستقل از آثار پدرش یعنی سعید سهیلی را در سینما دنبال می‌کند اما همچنان تجربه‌هایی مشترک با پدر هم دارد که نمونه اخیر آن «پول و پارتی» بود. ساعد پیش از این فیلم گیشه‌پسند، با فیلم‌هایی همچون «شهرک» و «روز صفر» حضور جدی در ویترین فجر را تجربه کرده بود و تجربه تازه او را هم می‌توان در راستای همین آثار دانست.

با چه فیلمی در فجر ۴۳ بود؟ حسین دارابی بعد از دو فیلم «مصلحت» و «هناس» حالا و در سومین فیلم بلند خود، دست روی زندگی یکی دیگر از شهدای شاخص گذاشته است. «خدای جنگ» روایتی جذاب و پرتعلیق از فعالیت‌های موشکی ایران در سال‌های جنگ تحمیلی دارد و قهرمان اصلی روایت آن، کاراکتری است که در مواجهه با فشارها برای واگذاری توان موشکی ایران به متخصصان خارجی، تلاش دارد سکان این ظرفیت ویژه نظامی را در دست بگیرد. داستان فیلم از مقطع موشک‌باران شهرهای ایران توسط رژیم بعث آغاز می‌شود و به روزهایی اشاره دارد که گروهی از متخصصان ایرانی برای آموزش‌های موشکی به خارج از کشور اعزام می‌شوند.

چه نقشی را ایفا کرد؟ هر چند فیلم اقتباسی از زندگی شهید حسن طهرانی‌مقدم است اما حسین دارابی به‌صورت هوشمندانه نام کاراکتر اصلی فیلم خود را «ابراهیم» انتخاب کرده و هیچ ارجاعی هم به‌صورت مستقیم به هویت شهید طهرانی‌مقدم ندارد. ساعد سهیلی بازیگر نقش ابراهیم در فیلم است و به‌دلیل هویت مستقل از کاراکتر واقعی، به‌خوبی در فضای داستان موقعیت‌هایی دراماتیک و جذاب برای او خلق شده است.

واکنش‌ها به آن چه بود؟ هر چند فیلم «خدای جنگ» در آخرین روز از اکران‌های برج میلاد برای اصحاب رسانه و منتقدان روی پرده رفت اما بازی ساعد سهیلی در آن حسابی موردتحسین و توجه قرار گرفت. تصمیم هیأت داوران برای نادیده گرفتن کامل این محصول سازمان اوج، که با واکنش اعتراضی عوامل هم همراه شد، باعث شد خبری از نام ساعد سهیلی در ترکیب نامزدهای سیمرغ هم نباشد.

مصطفی زمانی
شمال از جنوب غربی

از آخرین فعالیت‌هایش چه می‌دانیم؟ در سال‌های اخیر حضورش در یک سریال سوریه‌ای که تهیه‌کننده‌ای ایرانی داشت، ویژه‌ترین اتفاق در کارنامه‌اش بود. سریال «آمرلی» که نسخه‌ای از آن در پلتفرم‌های داخلی هم عرضه شد. در سینما اما دو فیلم «بدون قرار قبلی» ساخته بهروز شعیبی و «عطرآلود» به کارگردانی هادی مقدم‌دوست جزو آخرین فعالیت‌هایش بود که هر دو هم در جشنواره فجر رونمایی شد اما اتفاق ویژه‌ای را برایش رقم نزد.

با چه فیلمی در فجر ۴۳ بود؟ حمید زرگرنژاد دو سال پیش فیلم متفاوت «شماره ۱۰» را به جشنواره فجر رساند که برخی از رسانه‌ها آن را یکی از پدیده‌های جشنواره توصیف کردند. فیلمی که نگاه و روایت متفاوتی از سال‌های جنگ و دوران اسارت جمعی از اسرای ایرانی در اردوگاهی مخفی در عراق را به تصویر درآورده بود. زرگرنژاد در ادامه همان تجربه، «شمال از جنوب غربی» را با پروداکشنی ویژه‌تر برای جشنواره چهل‌وسوم ارسال کرد که بازیگر نقش اصلی آن مصطفی زمانی بود.

چه نقشی را ایفا کرد؟ مصطفی زمانی ایفاگر یکی از مبارزان مردمی در منطقه آمل در فیلم است. حاج‌مهدی به همراه گروهی از مبارزان مسلح، با جریانی به نام کالدوها، مبارزه می‌کنند که در تلاش برای ایجاد اختلال منطقه‌ای در راستای پشتیبانی از رژیم بعث در میدان جنگ جنوب و غرب کشور هستند. حاج‌مهدی با چالش‌هایی همچون نفوذ در تیم همراهان خود مواجه است.

واکنش‌ها به آن چه بود؟ در زمان اکران فیلم «شمال از جنوب غربی» در سالن برج میلاد، بازخوردها نسبت به آن چندان ویژه نبود اما از آنجایی که فیلم سوژه‌ای تقریبا مشترک با فیلم «بازی خونی» داشت و هر دو به ماجرای درگیری‌های آمل در سال‌های ابتدایی انقلاب اشاره می‌کردند، در مقام قیاس بیشتر مورد توجه و تحسین منتقدان قرار گرفت. حضور زمانی در این فیلم اما به‌صورت ویژه به چشم داوران آمد و باعث شد تا سیمرغ بهترین بازیگر مرد، به او تقدیم شود. سیمرغی که مدعیان جدی دیگری چون شهاب حسینی و امین حیایی هم داشت.

پیام‌های برگزیده خوانندگان / پنجشنبه‌ها / پیامک: ۰۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷

بیایید با هم غصه پانامارو بخوریم!

تهیه‌کنندگی خوشخو، اسی مارلبورو، ترامپ‌هراسی، چای قاچاقی، سودوکو و پروین غفاری…

۰۹۳۳۲۲۴: جناب خوشخو. حافظ شیرازی می‌فرماید تاخیر باعث آفت است. روزنامه‌نگاران همدوره شما همه به پول‌های آنچنانی رسیدند اما شما چرا به تهیه فیلم نمی‌پردازی؟ مسعود ده‌نمکی. فریدون جیرانی. رسول صدرعاملی. داودی، بانی‌فیلم. شفیعی وصف‌صبا. شریفی‌نیای دستفروش و رسول نجفیان که دهه ۶۰ در مجله فیلم طنز «اسی مارلبورو» را می‌نوشت. همه‌شان سینما و رادیو و تلویزیون را قبضه کردند. شما هم با یکی از سریال‌های سیما شروع کن. شما که از بعضی‌ها سابقه و رزومه بهتر و درخشان‌تری داری. من آنچه شرط بلاغ بود با تو گفتم(سعدی شیرازی.) عزت زیاد.

هفت‌صبح: به جان خودم خوشخو اگه تهیه‌کننده بشه، مسئولیت انتخاب بازیگر و بازیگردانی فیلماش باس با خودم باشه! یعنی نونم تو روغنه‌ها!

۰۹۱۳۱۰۸: پیشنهاد برای هفت‌صبح ۱۲ صفحه‌ای: یک صفحه کلن عکس؛ ایران و جهان و قاب تاریخ! چه جوری صفحه شبکه‌رو حذف کردین؟

هفت‌صبح: شبکه نه که واسه خودش شبکه تشکیل داده بود، دیدیم بهتره شبکه‌شبکه‌اش کنیم! (شبکه حذف نشده)

۰۹۱۵۸۷۹: رو مسخرگی پیشه کن و مجری گری و مطربی آموز/ تا داد خود از مسئولان نالایق بستانی… (آزادبخت آزادمهر از شهر حضرت فردوسی)

هفت‌صبح: نون فقط تو مطربیه داش!

۰۹۱۲۴۸۸: روز یکشنبه ۱۴ بهمن صفحه ۱۲ عکسی چاپ شده از مراسم رسمی قبل از انقلاب. پرویز ثابتی و نصیری هستند با همسران‌شون، چیدمان مهمان‌ها هم یادآور عروسی‌های دانشجوییه.

هفت‌صبح: عروسی منو می‌دیدی اینو نمی‌گفتی!

۰۹۱۲۳۲۲: کاهش چهار صفحه از هفت‌صبح، مایه دلخوری است، حتما توجیهی دارد و دوستداران را در جریان خواهید گذاشت. پایدار باشید.

هفت‌صبح: مگه ندیدی یه وقتایی بابای خانواده بدون اینکه به بچه‌اش بگه، اول گوشت خورشت‌رو کم می‌کنه، بعد…

۰۹۳۵۵۳۲: جناب افشار. همین‌طوری چهارصفحه چهارصفحه از روزنامه کم کنید یک‌دفعه محو می‌شیدها. زینهار! (یادم افتاد به روزنامه اخبار در دهه ۷۰ که یکی از شماره‌هایش را در دو صفحه منتشر کرد.)

هفت‌صبح: اینقد زینهار زینهار نکن داش. ما تو این مملکت روزنامه دیدیم که بدون صفحه منتشر شده!

۰۹۱۲۴۱۳: چرا امسال اینقدر برای اخبار جشنواره کم کار کردید؟ چرا روزنامه‌رو صفحه‌هاشو کم کردید؟

هفت‌صبح: بابا مگه خبر ندارید همزمان با نایاب شدن سیب‌زمینی و لوبیاچیتی، کاغذ روزنامه هم پیدا نمی‌شه؟! من بدبخت باس برم درخت‌های جنگل‌رو با تبر قطع کنم، ورق‌ورق کنم، تبدیل به کاغذش کنم، کول کنم بیارم چاپخونه!

۰۹۱۲۳۷۲: هفت‌صبح عزیز من هفته‌ای یک روز اونم پنجشنبه‌ها می‌گیرم روزنامه شمارو. تو حساب کتاب‌هاتون اشتباه می‌کنید. الان صفحه اول زدید طرف ۱۰ تن چای برنده شده به ۸ میلیارد، بعدش پایین زدید تا امروز ۶ هزار تن چای فروخته شده به ۷۰۰ میلیارد. خب دوست عزیز هفت‌صبح، ۶ هزار تن چای می‌شه هفت هزار میلیارد، نه هفتصد میلیارد. ولی بازم دوست‌تون دارم.

هفت‌صبح: همه بدبختی‌هامون از همین دوست داشتنه دیگه! آقا من صدبار گفتم عشق و عاشقی، آخر و عاقبت نداره!

۰۹۱۱۳۷۵: ضمن عرض ادب، روزنامه شنبه در ۱۲ صفحه چاپ شد. آیا برای همیشه قراره اینجور باشه؟ چرا هیچ اطلاع‌رسانی صورت نگرفت؟ ممنون.

هفت‌صبح: مگه دولت وقتی سیب‌زمینی و لوبیاچیتی‌رو می‌خواد گرون کنه خبر می‌ده؟ منم از اون یاد گرفتم دیگه! (والله قراره به زودی یه اطلاعیه بدیم و دلایل گرون شدن سیب‌زمینی‌رو بگیم!)

۰۹۱۲۴۴۸: مطلب «شصت سال با تراکتورسازی» عالی بود… موضوع دیگه اینکه در مورد غذا دادن به حیوانات مثل سگ و گربه هم تذکر دارم. از چندین سال قبل صدا و سیما و بعضی نشریات چقدر تبلیغ می‌کردند که تو این هوای سرد هوای جانوران‌رو داشته باشید و به‌شون غذا بدید که از گرسنگی نمیرند، مردم هم دادند و حالا دیگه بعضی‌ها همچین حس می‌کنند که اگر ندهند مدیون حیوانات هستند.

هفت‌صبح: من رو بگو که اگه قرار باشه مدیون یه حیوونی باشم، دوست دارم مدیون خر و کفشدوزک باشم!

۰۹۳۹۹۲۸: بابا این آبجی‌مون آبان فرزیان چرا همه مسائل خصوصی خانواده‌ش‌رو می‌ریزه رو داریه؟!!! بابا قدیم حریم خانواده یه قداست داشت واسه زن‌ها… نه داش-ابرام؟ جون من این جور نبود؟ (کوچیک شوما-علمداری)

هفت‌صبح: جون تو چرا قسم می‌خوری؟ بذار بریزن رو داریه. الان مشکلات مملکت فقط با داریه حل می‌شه!

۰۹۳۳۳۸۰: آقای خوشخو من نه‌تنها پایان کارهای سینمایی آقای اصغر فرهادی را به عبارتی باز و نامعلوم نمی‌دانم بلکه بسیار بیشتر از هر فیلم دیگری با پایانی پیدا و معلوم طرف می‌شویم که ادامه خط داستانی را بسیار هوشمندانه و کُدوار در تخیّل مخاطب خاص خود تداعی می‌کند.

هفت‌صبح: منم از مامانم یه بار قهر کردم نقد سینمایی نوشتم! (واواه چه نقد اکسپرسیونیستی هم شد. جای یارو فراستی خالی!)

۰۹۱۱۱۵۴: روزنامه محترم هفت‌صبح، در مورد تعطیلی روز شنبه، همانطور که ما ساعت‌ها را جلو و عقب می‌آوردیم اگر ما دو ماه یا سه‌ماه برای اینکه فاصله هم بیفتد مثلا یک روز هفته را دو بار تکرار کنیم. امروز اگر دوشنبه باشد فردا را هم دوشنبه اعلام کنیم ما یک‌روز جلو می‌رویم و در نتیجه جمعه ما شنبه اروپا یا خارج می‌شود و یک‌روز دیگر همین کار را تکرار کنیم. تعطیلی ما با تمام دنیا یکی می‌شود ولی نام روزهای ما همان پنجشنبه و جمعه می‌باشد.

هفت‌صبح: واقعا اگه جای مدیران نوبل بودم همین الان رو هوا جایزه نوبل امسال را فرستاده بودم در خونه‌تون که حالش‌رو ببری. فقط در این صورت، مشکل این بود که اونوخ من همه روزهای هفته‌رو قاطی می‌کردم که!

۰۹۱۲۷۷۷: باعرض خسته نباشید خدمت شما عزیزان هفت صبح، چرا یک برگ از روزنامه کم شده؟ لطفا تلفن روزنامه را برای بنده پیامک کنید. متشکرم.

هفت‌صبح: تلفن روزنامه مگه تو صفحه شناسنامه نیست؟ یه ورقی بزن، ضرر نداره!

۰۹۱۴۹۵۴: شب‌بخیر به کارمندان روزنامه هفت‌صبح، اینجانب هر روز هفت‌صبح می‌خونم. اینکه ۱۶ صفحه را ۱۲ صفحه کردید دست شما درد نکنه، حداقل پنجشنبه‌ها جدول سودوکو را بزرگ چاپ کنید ناانصاف‌ها!

هفت‌صبح: الان جا برای دراز کردن پای کفترای من نیست. سودوکو رو کجای این خونه تنگ جا بدم؟!

۰۹۱۸۶۱۴: سردبیر محترم روزنامه وزین و مانا و ماندگار هفت‌صبح جناب آقای خوشخو. بنده جعفر حاتمی از ایلام که از اولین شماره انتشار خواننده روزنامه بوده‌ام به شما دست‌مریزاد عرض می‌کنم و چند پیشنهاد داشتم که هر موضوع در یک شماره چاپ شود تا بتوانیم مثل مطالب شماره‌های گذشته در آرشیو خود از آنها نگهداری کنیم. بازم ممنونم. در خصوص زندگی و جزئیات زندگی ۱- سوسن خواننده قدیمی (که لازم به ذکر است سوسن، زن‌بابای آقای کریمی تبار بوده ۲- درخصوص (کامران و غزاله) یا مرتضی آوینی و فاطمه علیزاده نویسنده رمان ادریسی‌ها که قبل از انقلاب و اوایل دهه ۵۰ دلداده هم بودند. ۳-درمورد مهدی عبدخدایی که در ۱۵ سالگی با دستور نواب‌صفوی در قبرستان ظهیرالدوله دربند، فاطمی وزیر خارجه مصدق را ترور کرد. ۴-درمورد محمدرضا شاه و پروین غفاری معشوقه او. ۵-درمورد شیخ علی تهرانی، شوهر خواهر آقای خامنه‌ای و فرار آنها. (باسپاس. دکتر جعفر حاتمی. ایلام)

هفت‌صبح: اولی‌رو خبر نداشتم. مطمئنی دکتر؟ (به جز سوسن، در مورد بقیه بارها نوشته‌ایم اما باز هم چشم)

۰۹۳۳۸۶۷: چی شده صداوسیما شروع به ترامپ‌هراسی کرده؟ آیا صداوسیما نگران منافع کانادا، اوکراین، عربستان، مکزیک، پاناما و اروپاست؟ ما باید دنبال منافع حداکثری خودمان باشیم. آیا صداوسیما توجیه است که شورای امنیت ملی کشور سخنانش فصل‌الخطاب است و فرمودند گفتگو در کنار مقاومت، منعی ندارد.

۷ صبح: من از الان فقط دارم غصه پانامارو می‌خورم! یک شب در میان هم غصه کانادارو!

سوژه هفته

زندگی در تعطیلات

اگر تعطیلی رسمی ۲۲ بهمن را فاکتور بگیریم، اکثر روزهای این هفته در بسیاری از استان‌ها به خاطر سرمای هوا و کمبود گاز تعطیل بود. از طرفی قطعی برق بدون برنامه سه‌شنبه شب هم مردم تهران را غافلگیر کرد. خلاصه وضعیت طوری است که دیگر مردم از این همه تعطیلات خسته شده و می‌خواهند به کار و زندگی معمول‌شان برگردند.

» **دی**: متاسفانه این تعطیلی که میگن باما تو یه شرکت نیست.

» **کیوان**: این هفته کلا یک روز تعطیل نبود. اون هم روزی که کل کشور برف اومد.

» **دریما**: چقدر تهران برق میره. نمیشه از اینا که پردیسان می‌دوند یک بخشیش‌رو تأمین کرد؟

» **ژنرال**: آنقدر تعطیلی بر سرمان ریخته‌اند که فرصت کار کردن نداریم.

» **همون آقا معلم**: امسال همه‌ش می‌گفتیم که توی تقویم تعطیلی نداریم. الان فهمیدم تعطیلی باید توی تقدیر باشه نه توی تقویم.

» **آرش یزدانیان**: یه جوری تصمیم‌گیری برای تعطیلی مدارس‌رو جدی گرفتن انگار دارن بیل گیتس و استیو جابز تربیت می‌کنن. بابا نسل قبل که ماییم خروجیش شده این، نسل جدید که میانگین معدل کشوری‌ش هم زیر ۱۰ و ۱۲.

» **کیم**: بابام در ویدئوکال و در حالی که به خاطر قطعی برق و گاز با کاپشن و کلاه تو خونه نشسته بود، پرسید که اگه کار دولتی برات پیدا بشه برنمی‌گردی؟

» **فاطمه**: انقدر که بچه‌ها از تعطیلی آموزش مجازی خوشحال میشن از تعطیلی مدرسه خوشحال نمیشن! با این اینترنت‌هاتون.

» **مهدی کیانی**: امروز دوستی که تا الان از کار دولتی نفرت داشت می‌گفت: کار تو جای دولتی داره جذاب میشه. همه‌ش تعطیلی، حقوق هم می‌گیری.

» **علیرضا ملوندی**: شما یادتون نمیاد یه زمانی موقع اعیاد اگر روزی بین‌التعطیل بود، تعطیل می‌کردن. بعد یه سری‌ها چرتکه می‌نداختن که هر روز تعطیلی ۱۰۰ هزار میلیارد دلار خسارت به کشور می‌زنه. الان همین جوری عشقی تعطیل می‌کنن.

» **مهسا باقری**: خواستم بگم الان تنها کسی که تو ایران برق داره «هومن برق‌نورده.»

» **وارش**: راهکار من در این وضعیت کاملا مضحک اینه که اصل رو بذاریم بر تعطیلی. استثنائا روزهایی که تعطیل نیست‌رو اطلاع‌رسانی کنید.

» **مین**: در حالی که کارمندای ادارات دولتی از تعطیلی خوشحالن، ما کارمندای بخش خصوصی اوج خوشحالی‌مون اینه که شاید به خاطر تعطیلی، ترافیک کمتر باشه و زودتر برسیم سر کار.

» **بهار**: داریم از روی زندگی خرس قطبی نمونه‌برداری می‌کنیم. قراره شش ماه برق، گاز، آب و هوا نداشته باشیم و در تعطیلی به‌سر ببریم. می‌مونه خورد و خوراک که باید فتوسنتز از گیاهان رو یاد بگیریم و پرداخت اقساط و بقیه موارد رو هم چشم به آسمون می‌بندیم تا بباره.

» **ماعی**: ما که بچه بودیم تعطیلی مثل یه معجزه بود برامون. ما حتی پنجشنبه هم مدرسه می‌رفتیم. وقتی یک روز تعطیل می‌شد اندازه یک دنیا بهمون لذت می‌داد. الان انقدر تعطیلی‌ها زیاد شده که بچه مدرسه‌ای‌های حالا هیچ وقت نمی‌فهمن چقدر حس لذت بخشیه.

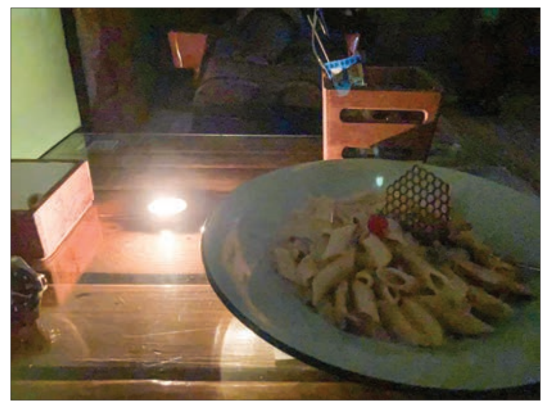

الان اومدم کافه، گفتم آقا من کافه زیاد رفتم ولی کافه شما ناموسن خیلی تاریکه! چشم چشمو نمی‌بینه. گفت برق رفته داداش. از توئیتر شازده

در «اکه‌هی»ترین حالت ممکنم

هر نوشته‌ای نویسنده‌ای دارد. هر نویسنده‌ای حق دارد اسمش را پای مطلبش ببیند. نوشته‌هایی که در این صفحه می‌خوانید توئیت‌های کپی پیست شده‌ای است که در شبکه‌های اجتماعی دست به دست چرخیده و صاحبش را گم کرده. اگر «شما» نویسنده این آثار هستید، لطفاً عصبانی نشوید. لبخند بزنید و به خواننده‌هایی فکر کنید که با خواندن نوشته‌های تان لبخند می‌زنند و در دل تحسینتان می‌کنند.

- سرما فن‌های عزیز، ۶ ماه دیگه که یکم دلتون واسه پاییز و زمستون تنگ شده بود، یاد آلودگی هوا، تنگی نفس، سرماخوردگی، کرونا، سینوزیت، سردرد، مدارس و دانشگاه، امتحان و ترافیک و تاریک شدن ساعت ۵ هوا بیفتید، بعدش یه «غلط کردم» بلند بگید و از آفتاب لذت ببرید.
- پیر شدن به سن نیست. یه روز وسط دهه سوم زندگیت یه اتفاقی برات میفته و فرداش یهو می‌بینی ال ۹۰ به‌نظرت بهترین ماشین دنیاست.
- هول هولکی بیدار شدم و از خونه زدم بیرون که برق نره نتونم در پارکینگو باز کنم. اومدم بیرون فهمیدم به خاطر برودت هوا تعطیلمون کردن الان می‌خوام برگردم خونه برقا رفته و نمی‌تونم در پارکینگ‌رو باز کنم.
- اون شبایی که چتات باهاشو برای دومین بار می‌خوندی و اکلیلی می‌شدی رو یادته؟ خاک تو سرت.
- قیمت کاپشن یه‌جوریه که تنها راهی که منو صاحب کاپشن نو می‌کنه فوتوشاپه.
- آدم‌های زیادی هستند که زندگی خود را دوست ندارند، فقط توی یک زندگی افتاده‌اند و گیر کرده‌اند؛ و بعد از مدتی هم مجبور شده‌اند با آن کنار بیایند.
- از تمام چیزایی که به موقع اتفاق نمیافتن خسته شدم.
- ادب، خوشگل‌ترین، کاریزماترین و یونیک‌ترین ویژگی یه انسانه.
- دوستان چرا اینقدر همه چیو سخت می‌کنید؟ گریه کنید تموم شه بره دیگه.
- دیدن ریلز اینستاگرام با صدای بلند در فضاهای عمومی باید جرم‌انگاری بشه!
- نمی‌دونم چطور بگم، خوشحالم که زنم اما زن بودن اذیتم می‌کنه.
- من متوجه شدم نه مشکل از پوله نه لوکیشن نه موقعیت و نه حتی سن. «ذوق» در من مرده و دیگه هیچ چیزی منو نجات نمیده.
- در «اکه‌هی»ترین حالت ممکنم.
- واقعا نباید تو حرفای فلسفی گیر کرد. سطحی بودن هم خودش نجات دهنده‌ست.
- جدی باقلوا دوست دارید یا ادا درمیارین؟!
- بابا این بی‌صاحاب انقدر شکر و کوفت و زهرمار داره که قشنگ از جعبه دوم به بعد دل آدمو میزنه.
- اگه شماره تلفن منو با همون تفکیکی که خودم میگم نگی، نمی‌شناسمش.
- وقتی ناراحتم و یکی دلیلش‌رو می‌پرسه و میگم «طولانیه»، یعنی: حوصله ندارم حرف بزنم و مکالمه‌ای داشته باشم. معمولا اصلا داستان خاصی وجود نداره. کل داستان: پول.
- ایرادی نداره اگه یه وقتایی ناراحت باشی یا حس ناکافی بودن داشته باشی؛ آدمیم دیگه، نمیشه که همیشه حال‌مون خوب باشه.
- امنیت و آرامش دوبی‌رو می‌خوام، آب و هوای ایتالیا، کافه‌های فرانسه و انگلیس، فضای شهری پراگ، طبیعت متنوع آمریکا، تمیزی نروژ، سرخوشی شهرهای تایلند و سطح اجاره‌خونه بنگلادش.
- بچه‌ها من فهمیدم کیا زندگیو بردن. اونایی که رابطه مامان و باباشون باهم خوبه.
- لطفا تو سن و سال ما دهه شصتیا هدیه دادن جلسات ماساژرو به‌جای گل نرمالایز کنید.
- من فقط موقع‌هایی که حالم خوب نیست سردم میشه، واقعا یادم نمیاد تاحالا سرحال بوده باشم و سرما اذیتم کرده باشه!
- عاشق یخ زدن نوک بینیم هستم. اگر امروز برای یک تابستون فن سواله که آیا بابت این هوا خوشحالم یا نه، باید بگم بله خوشحالم.
- می‌گفت: من یه دختر قوی هستم. من همه چی‌رو می‌تونم تحمل کنم، فقط اجازه بدین اول گریه کنم.
- واقعا چاکر آقا پسرایی که ناخن‌هاشونو همیشه از ته می‌گیرن.
- میگه چرا پیام ۵ دقیقه پیشتو پاک کردی من نوتیفشو دیدم، خب معلومه عزیزم چون من آدم ۵ دقیقه پیش نیستم من توی همین ۵ دقیقه خیلی تغییر کردم اصلا الان یک آدم جدیدم.
- یه مریض برام اومده گراز گازش گرفته. همراهش آزمایشاشو آورد تو اتاقم، گفتم همراه کدوم بیماری؟ گفت همراه گرازم.
- هیچ فضیلتی در «از صفر شروع کردن و خودساخته بودن نیست»، تا بیای خودت‌رو جمع‌وجور کنی سنت بالا رفته و هرگز فرصت جبران برات وجود نداره، پشتوانه و بستر خوب اولین و مهم‌ترین عامل رشد و ترقیه.
- اگه یه روز تو این مملکت یه کاره‌ای بشم، قانون میذارم تمام کبابیا باید حداقل سه تا گوجه کامل کنار دو سیخ کباب بذارن، چرا دست و دلتون واسه گوجه می‌لرزه آخه؟ زیاد بذار اون قشنگ قرمز خوشمزه‌رو.
- موضوع پایان‌نامه‌رو انتخاب کردم. رابطه دمبل با زایل شدن عقل.
- راننده اسنپ به ترتیب تتلو، بیلی آیلیش و شجریان گذاشت.
- حس می‌کنم نشستم تو سفره‌خونه دارم استیک گوشت همای سعادت‌رو می‌خورم.
- آدما از همدیگه دور میشن، بعضیا به‌خاطر حرفایی که به هم نمی‌زنن و بعضیا به‌خاطر حرفایی که به هم می‌زنن.
- بابام به‌جای سلام می‌نویسه «س»، می‌خوام بگم بهش با وقت اضافه ننوشتن کاملش چیکار می‌کنه ولی چون اجاره‌مو میده ترجیح می‌دم زیاد جلوش بامزه نباشم.
- اومدم یه صبح خوب‌رو شروع کنم که برق قطع شد.
- انقدر لباس پوشیدم که شاید سرما از لایه اول، دوم و حتی سوم رد بشه اما در نهایت لایه چهارم شکست می‌خوره.
- وسط اسباب‌کشی از لای وسایل کارت تولدی که پارسال بهم داده بودی درآومد، هیچ حسی دیگه ندارم ولی چقدر توش دوستم داشت.

ویدئوهای پربازدید هفته

برف‌بازی دختران فرزانگان، نطق خانم شاکری و کراوات عطاران

این هفته پس از حادثه واژگونی اتوبوس اردوی مدرسه فرزانگان کرمان، ویدئویی از برف‌بازی دانش‌آموزان، ساعاتی قبل از تصادف وایرال شد. یکی از دانش‌آموزانی هم که از این حادثه جان سال به‌در برده بود، به یک خبرنگار گفت: «راننده به ما گفت بچه‌ها برید ته، ترمز کار نمی‌کنه. بعد هم چپه شد. خیلی وحشتناک بود. اورژانس و هلال‌احمر واقعا دیر رسیدن. والدین بچه‌ها زودتر رسیدن.» بعد از آن ویدئوهایی از مراسم خاکسپاری دانش‌آموزان وایرال شد. در یکی از این ویدئوها آقای وزیر برسر مزار یکی از دانش‌آموزان نشسته بود و به گلایه یکی از خانواده‌ها گوش می‌داد که ناگهان به صورتش خاک و سنگ پرتاب شد. در ادامه دعوای علیرضا دبیر و علی دایی هم باید بگوییم دایی پیشنهاد آشتی با دبیر را رد کرد. ویدئویی از مراسم ختم برادر محمد دادکان با حضور علی دایی منتشر شد. در ویدئویی که منتشر شده، محمدرضا طالقانی به علی دایی می‌گوید: «لطفا با دبیر هم اگه میشه یه آشتی بکنید.» دایی بعد از گفتن «نه، من اصلا نمی‌تونم» صورت طالقانی را بوسید و رفت. دبیر هم در یک مصاحبه جدید توضیح داد: «ای کاش مصاحبه من‌رو آقای دایی نگاه می‌کردند. من مطمئنم یا علی آقا اصلا این مصاحبه‌رو ندیده یا از کانالای داخلی ندیده. من داشتم درباره شاخصه‌های یک مدیر می‌گفتم اما درباره آقای دایی از کلمه مربی از قصد استفاده کردم.» غزل شاکری در گفت‌وگو با فریدون جیرانی گفت: «من برای بخش بزرگی از کارم نمی‌تونم حرف بزنم. دردسرهای کمی نکشیدم. بارها تو گفت‌وگوهایی که با مسئولین داشتم خیلی وقت‌ها بهشون گفتم که به‌خدا حق مردم این نیست که نیمی از صدای این مملکت به سکوت بنشینه و در ازاش کسانی بخونند که نه صداش‌رو دارند، نه دانشش رو دارند، نه مهارتش رو… گاهی وقتا که پرنده‌هارو می‌بینم آواز می‌خونن. بهشون غبطه می‌خورم. جگرم خونه برای زنان این سرزمین که دانش‌رو دارن، صداش رو دارن، حیاش‌رو دارن.» در نشست خبری فیلم «صددام» رفتار بامزه رضا عطاران سوژه خنده شد و رشته کلام از دست آن بنده خدایی که داشت جواب خبرنگار را می‌داد، خارج شد. عطاران که با کلاه آفتابی و کراوات مشکی‌اش نشسته بود، متوجه شد کراواتش خوب نمانده. آن را از گردنش درآورد و انداخت گردن عباس جمشیدی. بعد کراوات را به گردن جمشیدی بست تا بعد به گردن خودش بیندازد. به هزار زحمت کراوات را از سر جمشیدی رد کرد و بعد جمشیدی در حالی که هنوز کلاه آفتابی برسر عطاران بود آن را روی سر عطاران گذاشت.

رویداد هفته

باورنکردنی مثل دلار

این هفته قیمت دلار در بازار آزاد به بیش از ۹۰ هزار تومان و سکه امامی تا نزدیک به ۸۰ میلیون تومان رسید. به قول برخی کاربران، سکه‌ای که در خانه یک گوشه افتاده، این روزها بیشتر از خودمان درآمد داشته است.

» **مهشید جهانگرد**: یادش بخیر. با دلار ۱۴ هزار تومنی هزار دلار خریدم؛ هر کی می‌رسید بهم می‌گفت: خاک بر سرت، دیگه دلار از ۱۴ تومن که بالاتر نمی‌ره.

» **پارسا**: یارو می‌گفت یه دونه سکه دارم تو کشوی خونه، از خودم بیشتر داره کار می‌کنه، روزی ۳ میلیون داره میره روش.

» **خلاقکار**: اگه می‌دونستم اوضاع اقتصاد مملکت اینجوری میشه یه چند تا کلاس اقتصاد کلان‌رو می‌پیچوندم.

» **شاخه نبات**: داداشم اینا اومدن خونه‌مون پسرش سه سالشه رو مبل نشسته پاشو انداخته رو پاش، یه لحظه که همه ساکت شدن گفت عمه می‌دونی دلار کشیده بالا؟

» **مهدیه**: پسرم‌رو قراره اردوی مدرسه ببرن‌شون ورزشگاه نقش جهان بازدید کنن. میگه مامان کاش منو اسپانیا به دنیا میاوردی منو می‌بردن سانتیاگوبرنابئو رو ببینم. میگم لازم نیس حتما اونجا به دنیا اومده باشی، می‌ریم یه روزی ببینیش! میگه با این قیمت دلار آخه؟

» **فاطیما**: پیرمرده برگشته میگه شما جوونا وضع‌تون خیلی از ماها بهتره. میگم چطور؟ میگه شما الان می‌تونید دلار و طلا بخرید فرداش چند برابر بفروشید سود کنید زمان ما این چیزا نبود. حالا پدربزرگ من با ۲۰ هزار تومن خونه خریده بود.

» **پویان**: دیروز رفتم شیفت، ۱ میلیون و ۴۰۰ درآوردم. یه سکه خونه داشتیم ۴ میلیون درآورد.

» **دریما**: علی مصفارو بیاریم تو یه فضای تاریک بشینه پشت پنجره به برف نگاه کنه آه بکشه. در دنیای تو دلار چند است.

» **بار هس**: چقدر اینایی که دلار می‌داشتن پشت قاب گوشی‌شون‌رو مسخره کردیم، الکی الکی پولدار شدن.

» **تی‌حی**: من الان ۳۱ سالمه. حدود ده، دوازده ساله که بودم، خیلی واضح یادمه که خالم اینا رفتن یه ربع سکه برای کادوی عروسی خریدن و وقتی اومدن، با ناراحتی از گرونیش گفتن ۱۹ تومن شد! منظورشون ۱۹ هزار تومن بود.

» **مهراد**: آنلاین‌شاپ‌ها واقعا روزهایی که دلار گرون می‌شه بامزن. «بچه‌ها دلار خیلی داره گرون می‌شه سریع خریداتون رو انجام بدید دیگه این قیمتارو نمی‌بینید.» مشتی ولمون کن تورو خدا.

» **ارزد**: امسال هدف‌گذاری کرده بودم که ۵۰ هزار دلار تو بازار ارز دیجیتال سود کنم. فقط ۷۰ هزار دلار دیگه مونده که هدفم‌رو بزنم!

» **حسین صادقی**: دوستانی که مهریه سنگین قبول می‌کنن، با این قیمت سکه دیگه محسن چاوشی هم نمی‌تونه نجات‌تون بده.

» **شارلوت دورنته**: خوشحالی مامان و بابای من با این قیمت سکه و دلار اینه که من کارمندم و حقوق ۱۵ تومنی و دفترچه بیمه دارم. بخت زن.

» **جاوید**: یه زمانی هم برای نشون دادن ساده‌زیستی و سادگی و آسون گرفتن ازدواج ۱۴ تا سکه مهر می‌کردن. الان اگر دختری ۱۴ تارو قبول کنه پسرا جرات قبول کردنش‌رو ندارن دیگه.

من سال ۱۳۷۸ در حال اتلاف وقت و خوابیدن به‌جای خریدن خونه و طلا و دلار: از توئیتر سُرخ‌پوست.

باغ نگارستان؛ شاهد قتل قائم‌مقام و ازدواج ناصرالدین‌شاه

عباس عربی - تهران‌شناس | باغ نگارستان به دستور فتحعلیشاه قاجار بین سال‌های ۱۲۲۲ تا ۱۲۲۸ هجری قمری در خارج از شهر آن زمان ساخته شد. این باغ-قصر همراه با دو باغ دیگر مجاور خود یعنی باغ سردار ایروانی و باغ نظامیه میرزا آقاخان نوری، باغ‌های ثلاثه شمال شرقی خندق شهر تهران را تشکیل می‌دادند. فتحعلیشاه باغ نگارستان را به قصد فرار از گرمای هوای تهران ساخت. در مورد وجه تسمیه آن باید گفت چون در این کاخ تابلوهای زیبا و گرانبها نگهداری می‌شد، ضمن آنکه روی دیوارهای آن نقاشی‌های نفیسی نقش بسته بود به این کاخ، باغ نگارستان می‌گفتند که بسیار مورد توجه و علاقه فتحعلیشاه بود. در زمانی که این کاخ ساخته شد، وسعت آن بسیار بیشتر از چیزی است که در حال حاضر از باغ نگارستان باقی مانده. حدود باغ نگارستان در گذشته از این قرار بود: از شمال به خیابان هدایت و حدود چهارراه ولی‌آباد، از شرق به خیابان مصطفی خمینی فعلی، از مغرب به خیابان صفی‌علیشاه و از جنوب به میدان بهارستان فعلی محدود می‌شد. بدین ترتیب وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی فعلی، ساختمان سازمان برنامه و بودجه و بسیاری دیگر از بناهای آن محدوده بخشی از باغ نگارستان بود. با آغاز فصل تابستان فتحعلیشاه به همراه زنان حرمسرا به این باغ می‌آمد و به عیش و عشرت می‌پرداخت، حمام باغ نگارستان و سرسره مرمرین آن زبانزد خاص و عام از جمله جهانگرانی بود که این عشرتکده فتحعلیشاه را توصیف کردند (بر خلاف آنچه که در بین عموم مردم رواج پیدا کرده، وجود سرسره در دوران ناصری ثابت نشده است). برای نقاشان درباری باغ نگارستان فرصت مناسبی بود تا هنر خویش را عرضه کنند، از جمله نقاشی‌های مهمی که در تالار سلام این باغ وجود داشت، می‌توان به تصویر سلام فتحعلیشاه اشاره کرد، عمده نقاشی‌های باغ نگارستان توسط هنرمندی به نام محمدحسن‌خان از جمله نقاش‌باشی‌های دربار کشیده شده بود. از جمله وقایع مهمی که در دوران فتحعلیشاه در این باغ حادث شد می‌توان به جشن ولیعهدی محمدمیرزا (محمدشاه بعدی) فرزند عباس میرزا و نوه فتحعلیشاه اشاره کرد که پس از مرگ فتحعلیشاه جانشین او شد. در سال ۱۲۵۰ هجری قمری نیز جشن پادشاهی محمدشاه در این کاخ برگزار شد ضمن آنکه هشت سال بعد یعنی در سال ۱۲۵۸ هجری قمری مراسم ازدواج ناصرالدین شاه قاجار با یکی از زنان وی در این کاخ برگزار شد. یکی از وقایع مهمی که در باغ نگارستان و دوران محمدشاه قاجار حادث شد، قتل قائم‌مقام فراهانی صدراعظم مشهور این دوران بود که در حوض خانه باغ نگارستان وی را خفه کردند. باغ نگارستان تاریخی پر فراز و نشیب دارد و به تدریج بعد از مرگ فتحعلیشاه و محمدشاه مورد بی‌مهری قرار گرفت. چند دلیل برای این بی‌مهری ذکر کرده‌اند؛ یکی اینکه تمرکز نهادهای اداری در کاخ گلستان بود، مطلب دیگر اینکه با گسترش شهر در دوران ناصرالدین شاه این باغ در داخل شهر و داخل حصار ناصری قرار گرفت و به تدریج بسیاری از رجال آن زمان در محله تازه تاسیس دولت برای خود باغ و عمارت ساختند به همین خاطر ناصرالدین شاه قاجار کاخ‌ها و عمارت‌های ییلاقی دیگری در خارج از شهر برای ییلاق خود در نظر گرفت. بدین ترتیب اوج بی‌مهری و بی‌توجهی به این باغ در دوران ناصری است که سبب شد مدتی حتی متروکه بماند. به تدریج برخی اماکن دولتی به این باغ منتقل شد. در عهد مظفرالدین شاه برای اولین بار مدرسه فلاحت (کشاورزی) در این باغ تاسیس شد، در نتیجه دانشکده مشهور کشاورزی پیش از آنکه در کرج راه‌اندازی شود، در باغ نگارستان قرار داشت که بدان «مدرسه فلاحت مظفری» می‌گفتند. چندی بعد مدرسه دیگری در این باغ تاسیس شد تا بار دیگر باغ نگارستان مورد توجه قرار گیرد: مدرسه صنایع مستظرفه که نقاش برجسته کشورمان کمال‌الملک به همراه ابراهیم حکیم‌الملک آن را تاسیس کرد. در دوران رضاشاه پهلوی در بخشی از این باغ نیز مدرسه یا موسسه هنرهای قدیم تاسیس شد. با ساخت ساختمان‌های جدید، دارالمعلمین عالی به باغ نگارستان منتقل شد. ساختمان کتابخانه دارالمعلمین عالی (بعدها دانشسرای عالی) نیز در ضلع شمال شرقی باغ نگارستان به دست مهندس سموئیل سعید در سال ۱۳۱۵ بنا شد. یکی از آثار مهم هنری باغ نگارستان ساخت و نصب اولین مجسمه فردوسی است؛ ماجرا از این قرار است که حدود سال ۱۳۱۳ شمسی که کنگره بین المللی هزاره فردوسی برگزار می‌شد ۴۱۰ تن از دانشجویان مقیم فرانسه با جمع کردن مبلغی در حدود ۱۵ هزار فرانک از لرنزی مجسمه ساز مشهور می‌خواهند تا مجسمه‌ای از فردوسی بسازد، با توجه به اینکه تصویری از فردوسی باقی نمانده، او از دانشجویان می‌خواهد تا اشعار فردوسی را برای او ترجمه کنند و بخوانند تا با الهام از این اشعار بتواند تصویر فردوسی را طراحی کند. پس از مدتی لرنزی با الهام از این اشعار اولین مجسمه فردوسی را خلق کرد که در حال حاضر در محوطه باز باغ نگارستان همچنان پایدار ایستاده است.

قاب

مرتضی کلیلی

قاب مشاهیر ۱

نویسنده معروف ایرانی در بیمارستان روانی؛ غلامحسین ساعدی متولد ۲۴ دی ۱۳۱۴ و درگذشته ۲ آذر ۱۳۶۴ با نام مستعارِ گوهر مراد، پزشک، نویسنده، شاعر و فعال سیاسی چپ‌گرای ایرانی بود. ساعدی در عرصه‌های گوناگون ادبی و هنری از جمله سفرنامه، رمان، شعر، فیلمنامه و نمایشنامه‌نویسی فعالیت داشت. چوب به‌دست‌های ورزیل از نمایشنامه‌های اوست. فیلم‌های گاو، دایره مینا و آرامش در حضور دیگران از کارهای ساعدی به‌شمار می‌روند. این تصویر متعلق به دوران فعالیت ساعدی در شغل روانپزشکی است. ساعدی در این تصویر در درمانگاهی نزدیک میدان قزوین تهران دیده می‌شود.

قاب مشاهیر ۲

هشدار برای دیدار شهناز با خسرو و استعمال ال.اس.دی؛ بخش‌هایی از خاطرات اسدالله، علم مرداد ۱۳۴۸: خدایا چه شب بدی است، دارم دیوانه می‌شوم. امشب شهناز وارد شد. خودم به فرودگاه رفتم و او را برداشته به کاخ سعدآباد بردم. در راه چقدر صحبت و دلالت و خواهش کردم که تو را به خدا تا شاهنشاه را زیارت نکرده‌اید، خسرو را نبینید. ایشان قولی به من دادند. بعد هم مباحث فلسفی صحبت کردیم که آیا استعمال ال.اس.دی (L.S.D) خوب است یا نه؟ عرض کردم، جان من، این دوای پدرسگ سلول‌های دماغ شما را از بین می‌برد و قابل تحمل نیست. ایشان معتقدند که مثل سیگار یا قلیان است! یاللعجب در تأثیر این پسر پدرسگ، روی این دختر. به هر صورت به منزل آمده و به پدر خسرو، سپهبد جهانبانی، تلفن کردم که اگر می‌خواهید کار خسرو به سامان برسد، نگذارید امشب پیش والاحضرت برود. بیچاره به من گفت خسرو پیش پرنس علی پسر مرحوم علیرضاست و یک هفته است از پیش ما فرار کرده. تمام امیدهایم مبدل به یأس شد. بعد به رئیس گارد دستور دادم امشب هیچ کس را به کاخ والاحضرت راه ندهید. گفت چشم. پس از چند دقیقه اطلاع داد که خسرو قبل از ورود والاحضرت، وارد کاخ شده است. خدایا چه کنم؟ آیا دستور بدهم بیرونش کنند؟ آیا بگذارم باشد؟ آیا به شاهنشاه عرض کنم و شاه را در این وقت شب ناراحت کنم؟ اگر عرض کردم و شاه فرمودند بیرونش کنید و دختر سختگیری کند و افتضاحی راه بیفتد، چه خاکی برسر بریزم؟ به هر حال تصمیم گرفتم مطلب را به شاه عرض نکنم، ولی به رئیس گارد بگویم خسرو را اخراج کند. او هم فوری اقدام کرد و به والاحضرت تلفن زد که یا خسرو خارج شود یا (خودش می‌آید) به زور او را می‌برد. والاحضرت هم بر طبق پیش‌بینی من، فرمودند اگر او را ببرید، من هم از کاخ می‌روم. فوری رئیس گارد به من اطلاع داد. آن وقت خودم تلفن کردم. آنقدر خواهش و تمنا کردم تا قول دادند خسرو یک ساعت دیگر می‌رود. من هم قبول کردم و منتظر شدم. البته بعد از دو ساعت رفت، ولی به هر صورت رفت و من راحت شدم. چه باید کرد: عشق شیری‌ست قوی پنجه و می گوید فاش / هر که از جان گذرد، بگذرد از بیشه ما.

قاب مشاهیر ۳

بخشی از خاطرات خواندنی فرمانده اسبق سپاه آبادان؛ عبدالحسین بنادری راوی کتاب سرباز سال‌های ابری است. او متولد سال ۱۳۳۵ در آبادان است. آبان سال ۱۳۵۸ به‌عضویت سپاه در آمد و مسئولیت سپاه جزیرهٔ مینو را برعهده گرفت. عبدالحسن بنادری می گوید وقتی جنگ شروع شد، برخی از مردم آبادان به جاهای مختلف پناه بردند. مادر، خواهر و برادرهای کوچک‌ترم نیز از آبادان خارج شدند. من و دو تا از برادرانم در همان‌جا ماندیم. من به سمت فرماندهی ستاد عملیات آبادان منصوب شدم... در ادامه دو خاطره جالب از این کتاب را برای‌تان آورده‌ایم؛ نقش رادیو آبادان در جنگ: جنگ که شروع شد آقای نجفی، مؤذن رادیو ملی نفت آبادان در سال‌های قبل از انقلاب بود. او گوینده رادیو شده بود. ارتباط بی‌سیمی میان رزمندگان نبود. روی همین اصل همه پیام‌های مربوط به جنگ از طریق رادیو پخش و اعلام می‌شد! مثلاً اگر دشمن به ناحیه‌ای در خرمشهر یا آبادان حمله می کرد، رادیو آبادان از مردم کمک می‌خواست که برای دفاع و مقاومت به آن ناحیه بروند یا اگر خون در فلان بیمارستان کم بود، رادیو آبادان اعلام می کرد که فرضاً بیمارستان طالقانی نیاز به خون دارد. مردم بروید و خون بدهید. حتی اگر با مسئول یا فلان دکتر کار داشتند، رادیو اعلام می کرد که آقای دکتر فلان... هر چه زودتر خودش را به بیمارستان برساند! یک نوجوان سیزده، چهارده ساله‌ای بود به نام جلیل کارکوب‌زاده، اینها که چند برادر بودند و در آبادان می‌جنگیدند. جلیل بیسیمچی ایستگاه هفت بود و صدای خیلی نازکی داشت. طوری که فکر می کردی صدای دختر است. در همان گرماگرم فعالیت منافقین در آبادان، وقتی برای اولین بار صدای کارکوب‌زاده را پشت بیسیم شنیدم، فکر کردم صدای دختر است! به اپراتور بیسیم گفتم حواست باشه این دختر احتمالاً نفوذی منافقین است و سیستم ما را شنود می کند؛ پیام به این ندهید اما اپراتور مرا از اشتباهم درآورد. این نوجوان بعدها به شهادت رسید... در تصویر، عبدالحسین بنادری را هنگام مصاحبه با روزنامه اطلاعات آبادان در زمستان سال ۱۳۵۹ می‌بینید.

۸ قاب نوستالژی

ولنتاین در تهران - بهمن ۱۳۷۸. عکس از هنگامه فهیمی

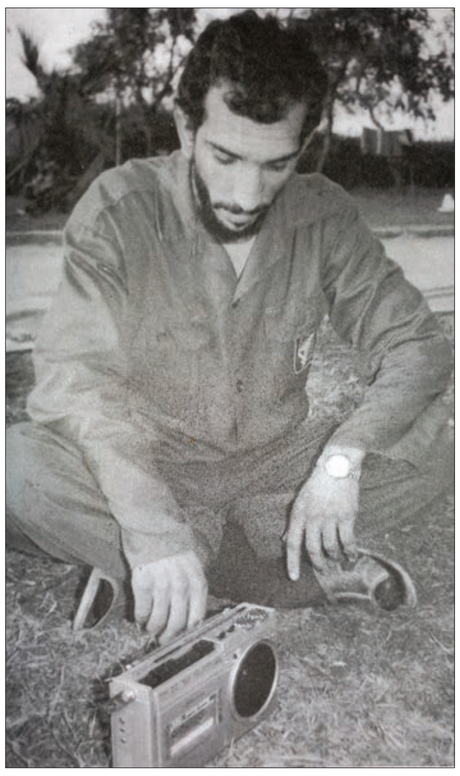

جدول و سرگرمی

طراح: حمیدرضا محمدرضایی

پاسخ‌های شماره قبل

جدول کلمات متقاطع

افقی

۱- منبع و سرچشمه- پرداختنی شرعی- فاقد تازگی و جذابیت
۲- پسر مسعود سوم و نوزدهمین سلطان دودمان غزنوی بود- آخرین
۳- راهنمایی کردن- نوعی سندرم- شایسته و جایز
۴- نقص- تقویت امواج رادیویی- از بیماری‌های پرندگان
۵- اسب سفید- حیوان وحشی- جوی آب
۶- ریشه- کنیه مبارک حضرت فاطمه(س)- گناهکار
۷- دلداده شیرین- بالای پا- حرف همراهی- بمب کاشتنی
۸- مولف الفهرست- مقبول و دلپذیر
۹- خرده سنگ- پرستیدنی مشرکان- تعداد آیات سوره ماعون- نوعی ژانر فیلم
۱۰- آینده- گوهر درون صدف- خاندان و قوم
۱۱- روشنایی- بی مهار- یک چشم
۱۲- مقابل چرک‌نویس- نوعی ظرف- جمع امت
۱۳- سنگسار کردن- جیره غذایی روزانه- اجبار و الزام
۱۴- شهری در جنوب شرقی استان تهران- گول زدن
۱۵- نام دیگر رودخانه سند- رد پا- قاصد

عمودی

۱- ابداع کننده- آلوی مخصوص غذا- ترس و بیم
۲- رام شده- تئوری علمی اینشتین- پرده‌ای از رنگ قرمز
۳- ویرانه- بعد از باران در آسمان پدید آید
۴- حرف ۱۱ الفبا- نوعی ناهنجاری کروموزومی- قوم آتیلا- کلاه الف
۵- زمزمه‌کننده- خرس فلکی- یار ژولیت
۶- شیار باریک- مبحثی در ریاضی- پیامبری در دهان ماهی
۷- از اجزای تفنگ- سقف خانه- سران و بزرگان
۸- اشتباه- مذهب- ترس و بیم- ضد وفا
۹- بسیار بزرگ را گویند- پوشیدگی- مازندرانی
۱۰- نوعی پارچه- کنیه مبارک امام علی(ع)- خار روی دیوار
۱۱- مرکز عدسی- از غذاهای ایرانی- پدر حضرت یوسف(ع)
۱۲- از سبک‌های موسیقی- غار- کمپ سربازان- نزاکت و تربیت
۱۳- مرموز- ردیاب
۱۴- سرها- هنر هفتم- غیر معنوی
۱۵- از القاب امرای ترک- شمع و چراغ- شهری در استان آذربایجان شرقی

لغت یابی

توضیح

کلماتی که بر اساس تعداد حرف دسته‌بندی شده‌اند باید در جای مناسب خود در جدول قرار گیرند. شما باید با توجه به راهنمای جدول که برایتان قرار داده‌ایم؛ جای لغات را حدس بزنید و در جدول جایگذاری نمایید.

۴ حرفی: المص، دونگ، لوگر، مدثر، وانک، ورشو، هانی، یارب

۵ حرفی: بیهار، ثقلین، دبلیو، دورود، رامسر، سنگسر، شیگلا، صدابر، لسوتو

مدیره، نوشهر، هامان، هم ریش، یاسیج

۶ حرفی: درمیان، دیباجی، سی سی یو، کنگاور

۷ حرفی: درصدانه، رسته شدن

۸ حرفی: ابوالبشر، پارانویا، لیو ونهوک، یوگن فاما

جدول شرح در متن

سودوکو

- سودوکوی سامورایی با نام سودوکوی ۵ تایی، ۵ قلو یا تو در تو نیز شناخته می شود. ترکیبات دو تایی و سه تایی از این نوع سودوکو نیز مرسوم است اما نوع ۵ در ۵ آن دارای جذابیت بیشتری است
- در این نوع سودوکو یک مربع ۹ در ۹ در وسط قرار دارد و با چهار مربع ۹ در ۹ دیگر در ارتباط است.
- هر جدول سودوکو دارای اعداد اولیه مربوط به خود است اما نکته اصلی اینجاست که هیچ یک از جدول های سودوکو به تنهایی حل نمی شوند.
- برای حل سودوکوی سامورایی باید اعدادی را در هر جدول سودوکو بدست بیاورید، در اینصورت برخی از این اعداد با مربع میانی مشترک خواهند شد و سبب مشخص شدن اعدادی در مربع میانی می شوند، همین روند باید به طور مستمر ادامه یابد تا از هر جدول سودوکو عددی پیدا شود.
- قانون سودوکوی معمولی تنها راه حل سودوکوی سامورایی است. دقت کنید سودوکوی سامورایی نیز تنها دارای یک جواب منحصر به فرد است.